



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

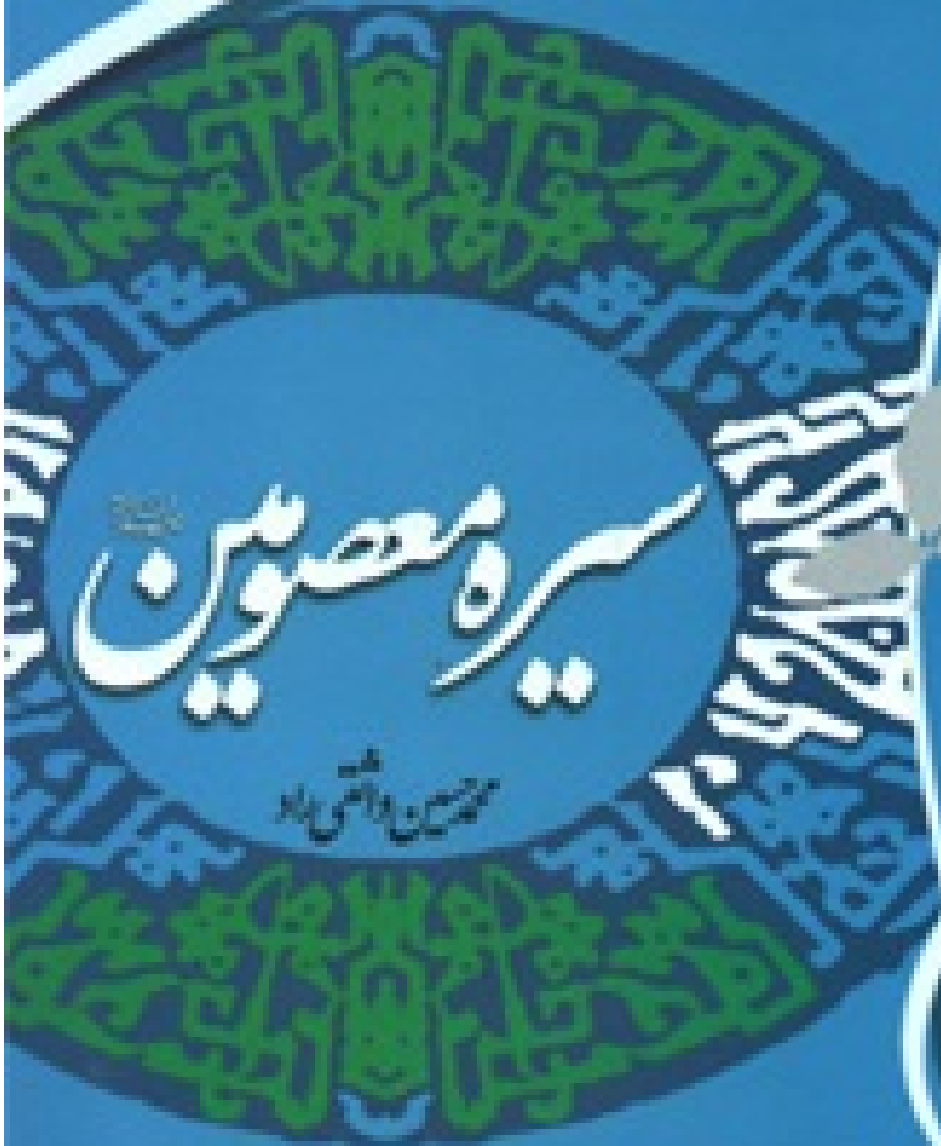
www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



قومی انسانی حقوق کمیشن
National Commission for Human Rights

برہمچاری

پندرہواں شمارہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسنامه سیره معصومین علیهم السلام

نویسنده:

محمدحسین واثقی راد

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۸	درسنامه سیره معصومین علیهم السلام
۱۸	مشخصات کتاب
۱۸	اشاره
۳۴	مقدمه
۳۶	پیش درآمد
۳۸	فصل اول مفاهیم کلی
۳۸	اشاره
۴۰	پیش درآمد
۴۱	عصمت
۴۳	چرا باید پیامبران و امامان، معصوم باشند
۴۳	اشاره
۴۳	عامل عصمت
۴۴	سیره و سنت
۴۴	اشاره
۴۶	ضرورت شناخت سیره
۴۷	اعتبار
۴۷	دلالت
۴۹	علل تفاوت سیره
۵۰	جایگاه سیره در فقه
۵۱	جایگاه سیره در اخلاق
۵۱	جایگاه سیره در تربیت
۵۱	دیگر موضوعات

۵۳	خلاصه و نتیجه
۵۸	فصل دوم سیره عبادی
۵۸	اشاره
۵۸	پیش درآمد ۲۲۲۲۲۲۲۲
۵۹	نتیجه
۶۰	تفاوت سیره عبادی
۶۳	سیره عملی در موضوع عبادت
۶۳	اشاره
۶۳	امام علی (ع)
۶۷	فاطمه (س)
۶۷	امام حسن (ع)
۶۸	امام حسین (ع)
۶۹	امام سجاد (ع)
۷۳	امام باقر (ع)
۷۳	امام صادق (ع)
۷۴	امام کاظم (ع)
۷۶	امام رضا (ع)
۷۷	امام جواد (ع)
۷۸	امام هادی (ع)
۷۸	امام عسکری (ع)
۷۹	بقیه الله الأعظم (عج)
۸۰	خلاصه
۸۰	عبادت خداوند هنگام ناگواری‌ها
۸۱	عبادت برای شکر نعمت‌ها

۸۱	سیره دستوری در موضوع عبادت
۸۳	خلاصه و نتیجه
۸۵	پرسش‌های این فصل
۸۸	فصل سوم سیره تربیتی
۸۸	اشاره
۸۸	پیش درآمد
۹۱	مبانی کلی
۹۴	وظایف شیعیان در گسترش نقش تربیتی ائمه
۹۶	برخی از روش‌های تربیتی
۹۶	اشاره
۹۶	۱- تربیت خواص
۹۶	۲- گسترش فرهنگ عبادت در جامعه
۹۷	۳- دعا
۹۷	۴- فضایل اخلاقی
۹۸	۵- موعظه همگان با استفاده از شرایط
۹۸	۶- رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی در معاشرت با دیگران
۹۸	۷- بیان موضوع به گونه‌ای که فراموش نشود
۹۹	۸- تشویق افرادی که به تعلیم و تربیت می‌پرداختند
۱۰۰	۹- تشویق افرادی که به نیکی و احسان می‌پرداختند
۱۰۱	۱۰- سپاس از افرادی که اظهار محبت کرده‌اند
۱۰۱	۱۱- تشویق افرادی که از آیات قرآن استفاده می‌کردند
۱۰۲	۱۲- دستورهای خاص به افراد ویژه
۱۰۲	۱۳- کرامت
۱۰۵	۱۴- عفو و گذشت

۱۰۵	۱۵- خوبی در برابر بدی‌های دیگران
۱۰۵	اشاره
۱۰۶	۱- امویان
۱۰۷	۲- بازماندگان خلفا
۱۰۸	۳- فریب‌خوردگان
۱۱۱	۱۶ تذکر به افرادی که مرتکب خطا شدند یا انحراف فکری داشتند
۱۱۲	خلاصه و نتیجه
۱۱۳	پرسش‌های این فصل
۱۱۴	فصل چهارم سیره خانوادگی
۱۱۴	پیش درآمد
۱۱۵	تربیت از خانواده و با نماز آغاز می‌شود
۱۱۵	قرآن
۱۱۶	نیکی به پدر و مادر
۱۱۹	حقوق والدین
۱۲۰	صله رحم
۱۲۱	فرزندان
۱۲۲	آسایش اعضای خانواده
۱۲۴	انجام کارهای شخصی
۱۲۵	کمک به اعضای خانواده
۱۲۵	با خدمت‌کاران و افراد زیردست
۱۲۶	احترام به همه و عدم تبعیض
۱۲۷	ساده‌زیستی
۱۲۸	خلاصه و نتیجه
۱۲۹	پرسش‌های این فصل

- فصل پنجم سیره اقتصادی ۱۳۰
- پیش درآمد ۱۳۰
- مبانی کلی ۱۳۰
- سیره حکومتی یا نظام اقتصادی ۱۳۳
- اشاره ۱۳۳
- ۱- بهره‌وری بیشتر از منابع اقتصادی و احیای ذخایر طبیعی ۱۳۳
- ۲- عمارت و آبادانی زمین ۱۳۳
- ۳- عدم انباشتن بیت‌المال بدون برنامه‌ریزی ۱۳۵
- ۴- رسیدگی به امور نیازمندان ۱۳۵
- ۵- واگذاری مسؤولیت‌ها به افراد مورد اعتماد ۱۳۶
- اشاره ۱۳۶
- ضابطه واگذاری مسؤولیت ۱۳۷
- ۶- صرفه‌جویی در بیت‌المال ۱۳۷
- ۷- زهد و پارسایی ۱۳۷
- ۸- برابری در تقسیم بیت‌المال ۱۴۰
- ۹- برگرداندن اموالی که به ناحق در اختیار افراد قرار گرفته ۱۴۲
- سیره اقتصادی در روابط اجتماعی ۱۴۵
- انفاق ۱۴۵
- اشاره ۱۴۵
- امام حسن (ع) ۱۴۵
- امام حسین (ع) ۱۴۶
- امام سجاد (ع) ۱۴۷
- امام باقر (ع) ۱۴۷
- امام صادق (ع) ۱۴۷

- ۱۴۸ امام موسی بن جعفر (ع) -
- ۱۴۸ به مناسبت‌های مختلف -
- ۱۴۹ انفاق شبانه -
- ۱۵۱ فلسفه انفاق شبانه -
- ۱۵۱ اشاره -
- ۱۵۱ الف: کمک‌های پنهانی خالصانه‌تر است -
- ۱۵۱ ب: عدم احساس حقارت نیازمندان -
- ۱۵۱ ج: بازماندگان شهدا و کشته‌شدگان در جنگ‌ها -
- ۱۵۱ اشاره -
- ۱۵۲ ۱- خاندان پیامبر -
- ۱۵۲ ۲- تحمیل فقر اقتصادی از سوی بنی امیه بر مردم مدینه -
- ۱۵۳ اطعام -
- ۱۵۳ آزادسازی بردگان -
- ۱۵۴ تشویق و ترغیب به انفاق -
- ۱۵۵ احترام به نیازمند و رفتار کریمانه -
- ۱۵۵ سیره اقتصادی در رفتار خانوادگی -
- ۱۵۵ اشاره -
- ۱۵۵ منابع مالی -
- ۱۵۵ اشاره -
- ۱۵۶ ۱- کار -
- ۱۵۶ اشاره -
- ۱۵۶ امام علی (ع) -
- ۱۵۶ امام علی بن الحسین (ع) -
- ۱۵۷ امام صادق (ع) -

۱۵۸	امام کاظم (ع)
۱۵۸	امام هادی (ع)
۱۵۹	۲- تجارت
۱۵۹	۳- ارث
۱۵۹	۴- خمس
۱۶۰	۵- زکات
۱۶۱	۶- هدایا و نذورات
۱۶۲	۷- وصیت
۱۶۲	۸- مصادره برخی اموال حکومتیان
۱۶۴	۹- موقوفات ائمه
۱۶۴	۱۰- کرامات
۱۶۷	خلاصه و نتیجه
۱۶۸	پرسش‌های این فصل
۱۶۹	فصل ششم مبانی اعتقادی
۱۶۹	پیش درآمد
۱۷۱	مسئولیت در برابر قرآن
۱۷۱	اشاره
۱۷۲	جمع‌آوری و صیانت قرآن از تحریف
۱۷۴	نیاز به تفسیر
۱۷۴	اشاره
۱۷۴	ضابطه درست‌فهمیدن قرآن
۱۷۵	انحصار فهم کامل قرآن به ائمه
۱۷۷	امام و قرآن
۱۷۹	ائمه دانایان کامل

۱۸۲	تفسیر
۱۸۲	اشاره
۱۸۲	امام علی (ع)
۱۸۲	امام مجتبی (ع)
۱۸۳	امام حسین (ع)
۱۸۳	امام زین العابدین (ع)
۱۸۴	جلوگیری از تفسیر به رأی
۱۸۵	سنت پیامبر
۱۸۵	اشاره
۱۸۶	۱- تأکید بر اقتدا به پیامبر و احیای سنت آن حضرت
۱۸۸	۲- ارجاع و استناد به احادیث پیامبر
۱۸۹	۳- تبیین شخصیت و شیوه زندگی رسول خدا
۱۹۰	حفظ اعتقادات دینی
۱۹۳	پیدایش شبهات کلامی
۱۹۶	فرقه‌گرایی در شیعه
۱۹۶	اشاره
۱۹۷	غلو
۱۹۸	مفوضه
۲۰۰	کیسانیه
۲۰۰	واقفیه
۲۰۱	اسماعیلیه
۲۰۲	جعل روایت به نام ائمه
۲۰۴	خلاصه و نتیجه
۲۰۵	پرسش‌های این فصل

۲۰۶	فصل هفتم فقه و احکام دین
۲۰۶	پیش درآمد
۲۰۸	جلوگیری از انحراف فقهی و قیاس
۲۱۱	برخی از شاگردان امام
۲۱۳	بیان احکام شریعت
۲۱۵	علم امام
۲۱۶	سخن گفتن با هر ملّتی به زبان خودشان
۲۱۸	یاران فقیه امام
۲۱۸	اشاره
۲۱۹	۱- آزادی بیان زمینه گسترش فقه
۲۱۹	۲- اختناق سیاسی و قطع ارتباط ظاهری
۲۱۹	۳- ارتباط سری
۲۲۱	سازماندهی شیعیان
۲۲۱	تربیت فقیه شیعی
۲۲۱	اشاره
۲۲۱	۱- بیان قواعد کلی
۲۲۲	۲- جواز عمل به فتوای کسی که امام به او اجازه اجتهاد داده است
۲۲۴	۳- عدم جواز استنباط از ظاهر قرآن مگر بعد از شناخت تفسیر آن از ائمه
۲۲۴	۴- وجوب عمل به احادیثی که در کتب معتبر نقل شده
۲۲۵	۵- عدم جواز فتوی بدون علم
۲۲۶	فضیلت فقیه
۲۲۸	ارجاع شیعیان به فقیه
۲۲۸	حفظ جان راویان و فقیهان
۲۳۱	جلوگیری از شناخته شدن راویان و فقیهان

- ۲۳۱ نظام وکالت
- ۲۳۳ نامه
- ۲۳۵ داوری بین مردم
- ۲۳۶ توجه امام به نیازهای علمی شیعه
- ۲۳۸ شیعه چه کسی است؟
- ۲۳۸ اشاره
- ۲۴۰ بیان وظایف شیعه در برابر یکدیگر
- ۲۴۳ وظایف شیعه در برابر مسلمانان
- ۲۴۴ تعامل با فرقه‌های دیگر
- ۲۴۶ خلاصه و نتیجه
- ۲۴۷ پرسش‌های این فصل
- ۲۴۸ فصل هشتم سیره سیاسی
- ۲۴۸ پیش درآمد
- ۲۴۹ اصول ثابت
- ۲۴۹ اشاره
- ۲۴۹ ۱- معرفی جایگاه الهی خود به جامعه
- ۲۴۹ اشاره
- ۲۴۹ امام علی (ع)
- ۲۵۰ فاطمه (س)
- ۲۵۱ امام حسن (ع)
- ۲۵۱ امام حسین (ع)
- ۲۵۱ امام زین العابدین (ع)
- ۲۵۳ امام باقر (ع)
- ۲۵۴ امام صادق (ع)

- ۲۵۴ امام کاظم (ع)
- ۲۵۴ امام رضا (ع)
- ۲۵۵ امام جواد (ع)
- ۲۵۵ ۲- استمرار رهبری
- ۲۵۷ ۳- بشارت به قائم آل محمد (عج)
- ۲۵۹ ۴- استفاده از موقعیت‌ها برای بیان حکم خدا
- ۲۵۹ ۵- امر به معروف و نهی از منکر
- ۲۵۹ ۶- معرفی چهره واقعی سلاطین
- ۲۵۹ ۷- ارائه معجزه برای اثبات امامت خویش
- ۲۶۰ ۸- سازماندهی ارتباطات شیعیان
- ۲۶۰ ۹- ملاقات‌های سری
- ۲۶۰ اشاره
- ۲۶۰ نفوذ در دربار
- ۲۶۱ یقظین و علی بن یقظین
- ۲۶۵ ۱۱- نصیحت ملوک
- ۲۶۵ ۱۲- کتمان سر
- ۲۶۶ ۱۳- دستور عدم همکاری با حکومت و حکومتیان
- ۲۶۸ ۱۴- آگاهی بخشی جامعه
- ۲۶۹ ۱۵- دستور به مقاومت
- ۲۶۹ ۱۶- حفظ جان آن‌ها با دستورهای ویژه و اعجاز
- ۲۷۰ خلاصه و نتیجه
- ۲۷۱ تاکتیک‌ها
- ۲۷۱ اشاره
- ۲۷۱ مردم

- ۲۷۱ حکومت
- ۲۷۲ عملکرد حکومت‌ها
- ۲۷۲ اشاره
- ۲۷۲ ۱. جلوگیری از به قدرت رسیدن امامان
- ۲۷۲ ۲- ایجاد دشمنی
- ۲۷۲ ۳- ایجاد انحراف اعتقادی
- ۲۷۳ ۴- با علویان
- ۲۷۳ ۵- با شیعیان
- ۲۷۳ ۶- نادار نگه داشتن مردم به ویژه مردم مدینه، مکه، کوفه و ...
- ۲۷۴ ۷- بذل و بخشش بیت‌المال به افراد ویژه
- ۲۷۴ ۸- ایجاد فساد در جامعه
- ۲۷۴ ۹- تظاهر به اسلام و مردم فریبی
- ۲۷۷ ۱۰- جلوگیری از شناخت و آگاهی جامعه
- ۲۷۷ ۱۱- تبلیغ بر ضد اهل بیت (ع)
- ۲۷۷ اشاره
- ۲۷۸ آثار تبلیغات
- ۲۷۹ اقدام ائمه در برابر این تبلیغات
- ۲۸۰ ۱۲- کنترل و مراقبت از منزل امام
- ۲۸۲ ۱۳- توطئه خدشه‌دار کردن قداست امام
- ۲۸۴ تفاوت ظاهری سیره ائمه در برابر سلاطین
- ۲۸۵ امامت و شرایط سیاسی زمان و مکان
- ۲۸۵ اشاره
- ۲۸۶ ۱. تظاهر به دین و تلاش برای اجرای دستورهای خداوند
- ۲۸۶ ۲. خطر اضمحلال دین و حفظ اصل آن

- ۳- تقاضای مردم از امام برای تشکیل دولت حق ۲۸۸
- ۴- رویکرد حکومت از دین ۲۹۰
- ۵- وسیله‌ای برای رسیدن دیگران به حکومت ۲۹۳
- ۶- بی‌ثباتی سیاسی ۲۹۶
- ۷- اختناق سیاسی بر همگان ۲۹۶
- ۸- اختناق سیاسی در قالب دشمنی با اهل بیت ۲۹۷
- ۹- اختناق سیاسی با حفظ احترام در ظاهر و آزادی ارتباط با مردم ۳۰۰
- ۱۰- حفظ احترام در ظاهر و قطع ارتباط امام با جامعه ۳۰۲
- موضع امام در برابر قیام‌های الهی ۳۰۳
- قیام‌های مسلحانه علویان ۳۰۴
- اشاره ۳۰۴
- قیام زید ۳۰۴
- قیام حسین بن علی و شهدای فح ۳۰۶
- خلاصه و نتیجه ۳۰۸
- پرسش‌های این فصل ۳۰۹
- منابع سیره ۳۱۰
- منابع و مآخذ ۳۱۵
- درباره مرکز ۳۲۴

درستامه سیره معصومین علیهم السلام

مشخصات کتاب

نام کتاب: درستامه سیره معصومین علیهم السلام

نویسنده: محمد حسین واثقی راد

موضوع: مرجع

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: زمستان ۱۳۸۷

نوبت چاپ: ۱

ص: ۱

اشاره

مقدمه

ص: ۱۷

تحقق اهداف و آرمان‌های یک سازمان، به علل و عوامل مختلفی بستگی دارد. در این میان، به گفته کارشناسان و صاحب نظران "مدیریت سازمانی" و نیز به گواهی "آموزه‌های وحیانی"، "عامل انسانی" اساسی‌ترین و محوری‌ترین نقش را در موفقیت و بالندگی سازمانی ایفا می‌کند. دیگر عوامل سازمانی در پرتو عامل انسانی و حول محور او، شکل گرفته و حرکت می‌کنند. سیاست‌ها، برنامه‌ها، روش‌ها، ابزار و سخت‌افزارهای سازمان، تابعی از خواست و اراده نیروی انسانی و دانش و تدبیر او می‌باشد. بالطبع کم و کیف نتایج و خروجی‌های سازمان نیز مانند "ورودی‌ها" و "فرآیند"، متأثر از فعالیت و تدبیر نیروی انسانی است. بنابراین نیروی انسانی، افزون بر اینکه عامل موفقیت هر سازمانی است، شاخص و معیاری برای پیش‌بینی میزان موفقیت آن سازمان نیز محسوب می‌شود.

بی‌جهت نیست که دنیای مدرن با پی‌ریزی‌های علمی همچون روان‌شناسی کار، جامعه‌شناسی مشاغل و مدیریت، بخش اعظمی از مباحث این علوم را به عامل انسانی اختصاص داده است. پیش‌تر از این نیز آموزه‌های وحیانی بر جایگاه و اهمیت نیروی انسانی و نقش محوری آن در رستگاری و موفقیت جمعی اشاره کرده و به مؤمنان و جامعه دینی اکیداً توصیه نموده که در واسپاری کارها و مسئولیت‌ها، به اهلیت و صلاحیت نیروهای انسانی توجه کنند؛

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (۱)

در آیات دیگر، این رویه را، تدبیر خداوند متعال در عالم تکوین و تشریح معرفی کرده است:

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ (۲)

قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (۳)

۱- نساء: ۵۸

۲- انعام: ۱۲۴

۳- بقره: ۱۲۴

ص: ۱۸

هدف و رسالت اساسی انبیای الهی نیز، تربیت و پرورش انسان‌ها بوده است:

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ (۱)

نهادها و مؤسسات دینی نیز برای تضمین موفقیت و دستیابی به اهداف و آرمان‌های سازمان، باید بر مبنای آموزه‌های وحیانی و یافته‌های بشری، جذب و گزینش نیروهای کارآمد و تعلیم و تربیت آنان را در اولویت مأموریت‌های خود قرار دهند. در همین راستا "حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت" پس از فراغت از طراحی و اجرای فرآیند جذب و گزینش "آموزش و ارتقای سطح علمی و فرهنگی نیروی انسانی به ویژه روحانیون" را در کانون برنامه‌های ستادی خود قرار داد و دوره‌های آموزش بدو خدمت، ضمن خدمت و تکمیلی را راه‌اندازی نمود. از آنجا که تدوین متون آموزشی کاربردی متناسب با واحدها و سرفصل‌های مصوب، از مراحل و عناصر اصلی و اساسی دوره‌های آموزشی محسوب می‌شود، به طور همزمان گردونه تدوین متون آموزشی نیز به حرکت درآمد. نکته حائز اهمیت این که متون آموزشی پس از تدوین توسط گروه‌های علمی و تخصصی معاونت امور روحانیون و ارزیابی ناظران محتوایی، به صورت "درسنامه" برای حداقل یک ترم، به طور آزمایشی تدریس می‌شود، تا پس از نظرسنجی و گردآوری نقطه نظرات مدرّسان و دانش‌پژوهان، به رفع و اصلاح کاستی‌های احتمالی اقدام شود و برای آموزش در دوره‌های بعد، تدوین نهایی شود.

نوشتار حاضر، از جمله همین متون آموزشی است که توسط "گروه علمی و تخصصی تاریخ اسلام" به رشته تحریر درآمده و در قالب "درسنامه" منتشر شده و در اختیار شرکت‌کنندگان دوره‌های آموزشی روحانیون قرار می‌گیرد. فرصت را مغتنم شمرده و از تدابیر و تلاش‌های ارزشمند گروه علمی و تخصصی تاریخ اسلام به ویژه محقق و مؤلف گرانمایه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای محمد حسین واثقی راد تقدیر و سپاس به عمل می‌آید.

انتظار می‌رود که مدرّسان و دانش‌پژوهان محترم پس از طی دوره، نقطه نظرات اصلاحی خود را پیرامون متن، محتوا، منابع و دیگر بخش‌های درسنامه، جهت رفع و اصلاح نواقص و اشکالات احتمالی به کمیته تدوین ارایه نمایند.

معاونت امور روحانیون

کمیته تدوین متون آموزشی

زمستان ۱۳۸۷

پیش‌درآمد

سیره معصومین در نظام فکری و فقهی شیعه از همان جایگاهی برخوردار است که قرآن و احادیث پیامبر (ص) در آن جایگاه قرار دارند. از این رو شناخت سیره معصومین در قلمرو فقه، سیاست و اخلاق، کاربرد وسیع دارد. هیچ عالم دینی و فقیه شیعی نمی‌تواند از دانستن آن بی‌نیاز باشد. مبلغان دینی نیز هر چه بیشتر سیره معصومین را بدانند، دانش دینی آن‌ها گسترده‌تر خواهد بود. بلکه دانستن سیره معصومین هر چند به اجمال برای هر مبلغ و دانای دین از جهات ذیل لازم و ضروری است:

الف: آشنایی با مبانی دینی.

ب: آشناساختن دیگران با معارف دینی.

ج: استنباط دیدگاه‌های دینی در موضوعات مختلف از سیره معصومین.

د: استدلال به سیره برای اثبات نظریات دینی.

بر این اساس هر مبلغ دینی شیعه هر چه بیشتر با سیره معصومین آشنا باشد، در موضوعات فوق توانمندتر خواهد بود. گرچه شناخت سیره معصومین به تفصیل لازم و ضروری است، اما در اینجا به اختصار به آن پرداخته شده است، زیرا ویژه مبلغان و روحانیان کاروان‌های حج و عمره و در حد دو واحد درسی تدوین شده و برای این جهت به بیان بخشی از سیره معصومین اکتفا شده است. از جمله

ص: ۲۰

سیره عبادی، تربیتی، خانوادگی، اقتصادی، فقهی و سیاسی، که در این موارد نیز به بیان کلیات بسنده شد. روش تدوین در این نوشتار چنین بود که با مطالعه سیره معصومین (ع) کلیاتی استنباط شد و آن کلیات در آغاز هر فصل به عنوان موضوعات اصلی و فرعی آورده شد و سپس برای اثبات آن‌ها شواهد و دلایلی از کتاب‌ها بیان گردید. حاصل برخی روایات نیز به صورت خلاصه آورده شد.

ص: ۲۱

فصل اول مفاهیم کلی

اشاره

اهداف فصل اول

- ۱- بیان مفاهیم کلی در موضوع سیره
- ۲- ضرورت دانستن سیره امامان
- ۳- بیان حجیت سیره امامان

پیش درآمد

ضرورت بحث از سیره امامان معصوم با فلسفه امامت آغاز می‌شود. ضرورت پیشوائی امامان معصوم، بنیان اساسی تفکر شیعه را تشکیل می‌دهد. تمام اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، عبادی، تربیتی و اقتصادی شیعه بر همین پایه استوار هستند. با شناخت فلسفه امامت روشن خواهد شد که ما چه نیازی به شناخته سیره معصومان داریم، کاربرد آن در زندگی ما چیست و جایگاه آن در حیات دینی و اجتماعی ما کجاست؟

فلسفه امامت عیناً همان فلسفه بعثت پیامبران است. علت اصلی بعثت پیامبران، تکلیف و مسؤولیت پذیری و در نتیجه هدایت انسان‌هاست که شریعت را حتمی ساخت.

ضرورت بهره‌مندی آدمیان از شریعت، مستلزم دو موضوع ابلاغ شریعت از سوی خداوند و شناخت آن از سوی انسان‌هاست. از این جهت خداوند سلسله پیامبران و کتاب‌های آسمانی را فرستاد و در درون انسان نیز خردمندی را نهاد تا پیامبران را بشناسند. رابطه انسان و عقل او با پیامبران و کتاب‌های آسمانی، رابطه انسان و شناخت ضروری ترین نیاز زندگی و بهره مند شدن از آن است.

رابطه پیامبران و کتاب‌های آسمانی، رابطه معلم و کتاب زندگی و دستورالعمل‌های حیاتی است. به ویژه کتابی که در نهایت اختصار و با محتوای فراگیر می‌باشد و فهم آن بدون معلم نه تنها دشوار، بلکه محال است. در نتیجه فهم کتاب خدا منحصر به تفسیر و بیان پیامبران است و جایگاه آن‌ها در رابطه با

ص: ۲۴

کتاب و مردم جایگاه محوری است. چنین کتابی نیز بدون معلم نمی‌تواند نقش اساسی خود را در تعلیم و تربیت ایفا کند. در نتیجه رابطه پیامبر اسلام و مسلمانان، رابطه آموزگار و دانش‌آموز و رابطه الگوی معنوی با تربیت پذیراست. او افزون بر تعلیم کتاب آسمانی، مسؤولیت تربیت و هدایت انسان‌ها را نیز برعهده دارد. امامان معصوم نیز عینا در همان جایگاهی قرار دارند که پیامبران الهی به ویژه پیامبر اسلام قرار داشته‌اند.

عصمت

واژه عصمت در اصل از ریشه عصم به مفهوم نگهدارنده و نگهداشته شده است. این واژه در مباحث کلامی و شرایط پیامبری و امامت به معنای ذیل است:

عصمت یعنی: طهارت معنوی و پاکیزگی عملی و هر کس که در گستره اعتقادات و اخلاق و عمل دچار خطا و لغزش‌های کوچک و بزرگ نشود، معصوم است. در نتیجه عصمت وصفی است که برای برخی اشخاص با توجه به اندیشه و عمل و اخلاق او پدید می‌آید و حاصل توانمندی ذاتی است که او را از هر خطا و لغزش فکری و عملی کوچک و بزرگ حفظ می‌کند. این شرایط معنوی جز برای پیامبران و امامان معصوم میسر نیست. (۱) رابطه عصمت با اندیشه و عمل و اخلاق آن است که عصمت، عامل طهارت معنوی نیست، بلکه وصفی است که از این طهارت‌های معنوی پدید می‌آید.

الشیخ المفید: إن جمیع أنبیاء الله (ع) معصومون من الكبائر قبل النبوه و بعدها و ما یتخفف فاعله من الصغائر کلها، و أما ما کان من صغیر لا یتخفف فاعله

۱- برخی گفته‌اند: منظور آن خطاها و لغزش‌هاست که با اهداف بعثت ناسازگار باشد و یا در جامعه نسبت به رهبر دینی تأثیر منفی بر جای گذارد. در وقوع برخی از خطاها بسیار کوچک که تأثیری در رهبری ندارند، منعی نیست. گرچه در کتاب اعلام الهدایه چنین آمده، اما به نظر می‌رسد جایی برای این استثنا نیست.

ص: ۲۵

فجائز وقوعه منهم قبل النبوه و علی غیر تعمد و ممتنع منهم بعدها علی کل حال، و هذا مذهب جمهور الإمامیه. (۱) شیخ الصدوق: اعتقادنا فی الأنبياء و الرسل و الأئمه و الملائکه (ع) أنهم معصومون مطهرون من کل دنس، و أنهم لا یدنبون ذنبا، لا صغیرا و لا کبیرا، و لا یعصون الله ما أمرهم، و يفعلون ما یؤمرون. و من نفی عنهم العصمه فی شیء من أحوالهم فقد جهلهم. و اعتقادنا فیهم أنهم موصوفون بالکمال و التمام و العلم من أوائل أمورهم إلى أواخرها، لا یوصفون فی شیء من أحوالهم بنقص و لا عصیان و لا جهل. (۲) علامه الحلی: قالت الإمامیه: إنه تجب عصمتهم عن الذنوب کلها صغیرها و کبیرها و الدلیل علیه وجوه: أحدها: إن الغرض من بعثه الأنبياء (ع) أنما یحصل بالعصمه فتجب العصمه تحصیلا للغرض. (۳) ذهب الإمامیه کافه إلى أن الأنبياء معصومون عن الصغائر و الكبائر، و منزهون عن المعاصی، قبل النبوه، و بعدها. علی سبیل العمده، و النسیان، و عن کل رذیله و منقصه، و ما یدل علی الخسه و الضعه.

ذهب الإمامیه إلى أن الأئمه کالأنبياء، فی وجوب عصمتهم عن جمیع القبائح و الفواحش، من الصغر إلى الموت، عمدا و سهوا، لأنهم حفظه الشرع، و القوامون به، حالهم فی ذلك کحال النبی. (۴) در نتیجه رهبر معصوم، از هر خطا و لغزش معرفتی در اصول و فروع دین و حقایق جهان و اشیاء مادی و معنوی و همچنین در بعد عملی از تمام خطاها و لغزش‌های گفتاری و کرداری و اخلاقی کوچک و بزرگ، مصون است زیرا با اهداف بعثت پیامبران سازگار نمی‌باشد.

۱- أوائل المقالات، الشیخ المفید/ ۲۶؛ مصنفات شیخ مفید ۴/ ۲۶.

۲- الاعتقادات فی دین الإمامیه، الشیخ الصدوق/ ۶۹؛ مصنفات شیخ مفید ۵/ ۶۹

۳- کشف المراد، ۱۷۴

۴- نهج الحق و کشف الصدق، ۱۶۴

چرا باید پیامبران و امامان، معصوم باشند

اشاره

عصمت، یک امتیاز شخصی نیست که خداوند ویژه پیامبران و امامان ساخته باشد، بلکه نیاز جامعه به شریعت، ضروری ساخته است که خداوند، پیامبران را بر انگیزد و آن‌ها را با عصمت، توانمند سازد. عصمت از شرایط رهبر دینی و الهی است. چرا که تحقیق اهداف دین و هدایت جامعه بی‌عصمت پیامبران و امامان میسر نیست. زیرا خداوند، شریعت را برای هدایت مردم فرستاد و از مردم خواست از آن پیروی کنند. ثواب و عقاب اخروی را نیز بر آن مترتب ساخت، ناگزیر باید این موضوع مهم، برعهده کسانی باشد که در دانایی و عمل و اخلاق (۱) شایسته پیروی باشند. این شایستگی نیز منحصرأ در عصمت است و عصمت نیز مبین همین شایستگی است.

عامل عصمت

توانایی که خداوند در وجود پیامبران و امامان نهاده است تا از خطا محفوظ باشند و به عصمت دست یابند، یک عامل قهری و غیر ارادی نیست. بلکه دانایی و خردمندی است که کم و بیش همگان از آن بهره‌مند هستند. معرفتی که آن‌ها نسبت به دین و عالم غیب دارند و از ماهیت عبادت و گناه و عواقب آن‌ها در جهان ملکوت آگاه هستند، سبب می‌شود که با اراده و اختیار به سمت گناه نروند و انگیزه‌ای نیز برای گناه نداشته باشند.

امامان معصوم در دانایی نیز دچار اشتباه نمی‌شوند. زیرا دانایی آن‌ها از طریق وحی، یا الهام الهی است. این چنین دانایی خطا پذیر نیست. رسیدن پیامبران و امامان به این مرحله کمال و توانایی مستلزم آن است که تعلیم و تربیت آن‌ها

۱- گرچه در بسیاری کتاب‌ها از اخلاق یاد نشده است اما با دید این گزینه را نیز به عصمت پیامبران و امامان افزود

ص: ۲۷

برعهده پیامبر و یا امام دیگری قرار گیرد.

سیره و سنت

اشاره

سنت، در اصل برگرفته از واژه سنن است. واژه سنن و واژگان پدید آمده از آن به معناهای بسیار به کار رفته اند. اما واژه سنت در حدیث و تاریخ به مفهوم سیره آمده و در برخی کتاب‌های فرهنگ واژه نگاری به یکدیگر معنی شده اند.

السیره بالكسر السنه و الطریقه. (۱) و السنه الطریقه و السنه السیره حمیده كانت أو ذمیمه و الجمع سنن. (۲) السنه: هی السیره و سنه رسول الله (ص) سیرته و انما سمیت بذلك لأنها تجری جریا و السنه الطریقه، و السنه: السیره حمیده كانت أو ذمیمه. و السیره: الطریقه فی الشیء و السنه. (۳) سیره یعنی؛ شیوه و روش در موضوع ویژه.

و السنه: السیره، حسنه كانت أو قبیحه ... و الأصل فی الطریقه و السیره و إذا أطلقت فی الشرع فإنما یراد بها ما أمر به النبی (ص). و السیره: السنه و الطریقه. (۴) و السیره الطریقه یقال سار بهم سیره حسنه. (۵) سنن: قد تكرر فی الحدیث ذکر السنه و ما تصرف منها. و الأصل فیها الطریقه و السیره. و إذا أطلقت فی الشرع فإنما یراد بها ما أمر به النبی (ص) و نهی عنه و ندب إلیه قولا و فعلا مما لم ینطق به الكتاب العزیز. و لهذا یقال فی أدله الشرع الكتاب و السنه أی القرآن و الحدیث. (۶)

۱- قاموس المحيط، ۷۸ / ۲

۲- مصباح المنیر، ۳۵۳ / ۱

۳- التحقیق فی کلمات القرآن، ۲۷۴ / ۵ و ۳۳۴

۴- لسان العرب، ۳۹۹ / ۶

۵- لسان العرب، ۴۵۴ / ۶

۶- النهایه فی غریب الحدیث، ۴۰۹ / ۲

ص: ۲۸

و السیره الحاله التي يكون عليها الانسان و غيره غريزيا كان أو مكتسبا، يقال فلان له سیره حسنه و سیره قبيحه، و قوله (سُنْعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى) أي الحاله التي كانت عليها من كونها عودا. (۱) فالسنن جمع سنه، و سنه النبي طريقته التي كان يتحراها ... (۲) الفرق بين السنه و النافله: أن السنه على وجوه: أحدها أنا إذا قلنا فرض و سنه فالمراد به المندوب إليه و إذا قلنا الدليل على هذا الكتاب و السنه فالمراد بها قول رسول الله (ص) و إذا قلنا سنه رسول الله (ص) فالمراد بها طريقته و عادته التي دام عليها و أمر بها فهي في الواجب و النفل. (۳) پس سنت، همان سیره است که می‌تواند خوب یا بد باشد و سیره نیز همان سنت است. واژه سنت، هرگاه در شریعت اسلام به کار رود، به مفهوم آنچه که رسول خدا به آن دستور داده و یا از آن بازداشته است، می‌باشد. سنت، همان سیره پیامبر است. سنت، برای این جهت به این نام، نامیده شد که جاری می‌گردد. یعنی استمرار می‌یابد. گرچه برحسب مفهوم لغوی خود می‌تواند خوب یا بد، پسندیده یا ناپسند باشد، اما از نجا کها «جا کها آ

آنجا که درباره شیوه زندگی رسول خدا (ص) به کار می‌رود، به ارزش‌های معنوی ویژه می‌شود.

سیره دراصل برگرفته از «سیر» به مفهوم حرکت مستمر و هدفمند است. دیگر واژگان پدید آمده از سیر نیز به این مفهوم بسیار به کار رفته اند. (۴) در قرآن و حدیث نیز این معنا بسیار آمده است اما در اصطلاح، سیره به معنای شیوه و روشی است که شخص آن را به عنوان ضابطه و قانون زندگی برگزیده و خود را ملزم به انجام آن دانسته است. از این جهت، سیره با عادت‌های شخصی تفاوت دارد. زیرا عنصر انتخاب در آن دخالت داشته و آگاهانه است. اما عادت‌های

۱- المفردات لالفاظ القرآن، ۱/ ۲۴۷

۲- المفردات لالفاظ القرآن، ۱/ ۲۴۵

۳- الفروق اللغویه، ۱/ ۲۸۵ / ۱۱۳۷

۴- لسان العرب، ۶/ ۴۵۳.

ص: ۲۹

شخصی ممکن است نا آگاهانه و بدون توجه باشد. به همین جهت، سیره را به طریقه نیز معنی کرده‌اند. (۱) این واژه در مباحث کلامی، به معنای دستورهای پیامبر است که به انجام کاری فرمان داده و یا از انجام کاری منع کرده است که گاهی به صورت سخن و کلام بوده و در مواردی خود ایشان، آن کار را انجام داده و یا ترک کرده است که به دو گروه سیره عملی و گفتاری تقسیم می‌شوند و هر دو گروه در حکم ضابطه‌ها و قوانینی هستند که مردم باید از آن‌ها پیروی کنند.

منظور از سیره معصومین شیوه و روشی است که آن‌ها در زندگی به عنوان دستور و قوانین الهی انتخاب نموده و خود را ملزم به اجرای آن‌ها دانسته‌اند و شامل تمام اقدام‌های عملی و گفتاری و اخلاقی می‌شود که به عنوان حکم خدا انجام داده و یا بیان نموده و یا سخن و عملی را تأیید نموده که از آن به تقریر معصوم یاد شده است. در این صورت، سیره شامل گفتار و دستور به دیگران نیز می‌شود.

ضرورت شناخت سیره

بدیهی است که اگر معصومین، شیوه‌ای را در زندگی به عنوان ضابطه و قانون الهی برگزیده باشند، همان شیوه، قانون و حکم خداست. این شیوه، نسبت به معصومین، عمل به حکم خدا و نسبت به دیگران بیان حکم خداست و قطعاً مخالفت با آن، مخالفت با حکم خداست. در این صورت شناخت سیره معصومین عیناً شناخت دستورهای خداوند است. در نتیجه شناخت سیره به منظور شناخت احکام خدا، استنباط احکام جدید و مورد نیاز، ضروری خواهد بود و سیره آن‌ها بستر گسترده دین شناسی و دین مداری خواهد بود، که برای شناخت حکم خدا و

ص: ۳۰

اداره جامعه، نخست باید آن‌ها را شناخت و سپس براساس آن‌ها قوانین مورد نیاز را وضع کرد. پس شناخت سیره پیشوایان معصوم، برای شناخت احکام دین لازم و ضروری است. اگر شناخت احکام دین واجب باشد، شناخت سیره معصومین نیز واجب است.

اعتبار

سیره امامان معصوم برحسب این تعریف و استدلال، از همان جایگاه و اعتباری برخوردار است که قرآن در آن قرار دارد. سخن رسول خدا (ص) که فرمود:

إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابُ اللَّهِ وَعِترَتِي، اهل بیتی، ما إِنْ تَمَسَكْتُمْ بِهَمَّا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا (۱) دلیل بر اثبات همین جایگاه است که قرآن و اهل بیت را از نظر ارزشی با هم برابر قرار داده است.

برابری قرآن و امامان معصوم، در معرفی دین و شناخت حکم خدا مستلزم کندوکاو گسترده در عمق زندگی امامان و زوایای ناشناخته آن‌هاست که باید در موضوع سیره امامان نیز همانند قرآن به تفسیر و تبیین نشست و با استفاده از محک‌ها و متشابهات آن را تفسیر نمود، وجوه آن را شناخت، ناسخ و منسوخ را تعیین کرد و در زندگی امروز جاری ساخت.

دلالت

سیره و سنت معصومین به سه گروه گفتاری (اگرنامه را جزء گفتار به شمار آوریم و گرنه چهارگروه می‌شود) کرداری، تقریری یا امضاء و تأیید تقسیم می‌شود. زیرا پیشوایان معصوم (ع) گاه حکم خدا را بیان فرموده و گاه برای معرفی حکم خداوند، اقدام عملی انجام داده‌اند و گاه حکمی نزد معصوم بیان شده و به آن

۱- المسند، أحمد بن حنبل، ۴/ ۳۶ / ۱۱۱۳۱؛ صحیح مسلم، برقم ۲۴۰۸.

ص: ۳۱

عمل شده است، اما نهی نکرده و آن را باطل ندانسته اند که در این صورت آن را تأیید کرده‌اند. شناخت دستورهای خداوند از سیره معصومان کاری کاملاً تخصصی است، زیرا استنباط احکام از سیره و سنت معصومین در بسیاری موارد چندان روشن نیست. برای آنکه روایات و گزاره‌های رسیده در این خصوص گاه در ظاهر متعارض و متناقض و یا مبهم می‌باشند و نمی‌توان ملتزم شد که همه آن‌ها را امام معصوم فرموده و یا انجام داده‌است. پس برای شناخت سیره معصومین به عنوان پیش درآمد باید اقدام‌های ذیل را انجام داد:

الف: باید دانست که امام معصوم این سخن را فرموده و این اقدام را انجام داده است یا جاعلان حدیث آن را ساخته و روایت کرده‌اند. علم رجال و تراجم برای همین هدف پدید آمده‌اند.

ب: بر فرض که امام معصوم چنین مطلبی را فرموده و چنین اقدامی را انجام داده، آیا برای بیان حکم خدا بوده است؟

ج: اگر به منظور بیان و انجام حکم خدا بوده است، آیا با موارد دیگر تعارض ندارد؟ شرایط زمان و مکان در آن دخالت نداشته است؟ و آن حکم مدت دار و زمانمند نبوده است؟ علم درایه به بیان همین موضوع می‌پردازد.

د: معنای واژگانی که از معصوم نقل شده و یا شیوه و کار آن‌ها را گزارش کرده، به چه معنا و مفهوم است؟ این موضوع را باید در کتاب‌های فرهنگ لغت و ادبیات عرب و معانی و بیان جستجو کرد.

ه: برای اثبات سخن معصوم و سیره و سنت عملی آن‌ها، راهی جز نقل نیست. کتاب‌های حدیث و شرح زندگی آن‌ها در کتاب‌های سیره و تاریخ برای همین جهت تدوین شده‌اند.

و: فهم فقها و عالمان گذشته نیز بی‌تأثیر در فهم درست و کامل سیره نیست، پس استنباط پیشینیان را نیز باید مورد توجه قرارداد.

ص: ۳۲

ز: شناخت سیره کامل امامان معصوم، مستلزم آن است که تمام جریان‌های سیاسی، فرهنگی و شرح زندگی شخصی و اجتماعی و موضع ائمه (ع) را در برابر جریان‌های حاکم شناخت. برای این جهت ناگزیر باید تمام کتاب‌های تاریخ را بررسی کرد.

علل تفاوت سیره

بستر زمانی سیره و سنت معصومین، از بعثت رسول خدا (ص) آغاز شد و در سال ۲۶۰ با شهادت امام حسن عسکری (ع) پایان یافت. یعنی مدت ۲۷۳ سال گستره زمانی سیره بوده است که اگر هفتاد سال غیبت صغرا را بر آن بیفزاییم یعنی تا سال ۳۲۹ این زمان به ۳۴۲ سال افزایش می‌یابد.

بدیهی است که جریان‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، فقهی، کلامی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی متفاوتی در این مدت پدید آمده اند که هر کدام حکم ویژه ای می‌طلبیده است.

تأثیر دو عنصر زمان و مکان، به عنوان مقتضیات زمان، در چگونگی دستورهای خداوند، انکارناپذیر است. افزون بر آنکه یک دستور در شرایط مختلف، شکل‌های مختلف می‌یابد. هر شرایطی نیز حکم ویژه ای می‌طلبد. علاوه بر آن، شرایط روحی و جسمی افراد نیز در احکام تأثیر بسیار دارد و هر حکمی ممکن است نسبت به اشخاص مختلف، به اشکال متفاوتی بیان شده باشد و ضروری بود که سیره معصومین نیز برحسب اقتضای زمان و اختلاف شرایط و شرایط مختلف افراد، متفاوت باشد.

افزون بر این‌ها گاهی امام معصوم، مطلبی را به جهت تقیه بیان کرده است یا اقدامی را برای تقیه انجام داده است. در این خصوص مشاهده می‌شود که در یک موضوع، دو یا چند حدیث صحیح و متفاوت، متضاد و یا متناقض رسیده است. فقها در این باره در فصل تعادل و تراجیح از آن بحث کرده اند و نیز مشاهده

ص: ۳۳۰

می‌شود که امام معصوم در یک سخن شخصی را تأیید نموده و در سخن دیگر او را نفی کرده است. پس عامل اصلی اختلاف سیره معصومین همان اختلاف شرایط زمان و مکان و اشخاص بوده است که هر شرایطی حکم ویژه‌ای داشته و امام معصوم (ع) آن را انجام داده است و حکم خداوند نیز بی‌گمان در آن شرایط همان بوده که امام معصوم آن را بیان کرده است و همان حکم، در تمام شرایط مشابه و همانند نیز جاری می‌گردد.

جایگاه سیره در فقه

جایگاه سیره در تدوین کتاب‌های فقهی، جایگاه اساسی و بنیادی بوده است. هیچ حکم فقهی بدون شناخت سیره، استنباط نشده است. کار فقیهان گذشته در حقیقت، شناخت سیره معصومین (ع) در موضوعات مختلف فقهی بوده است. آنها تمام احکام فرعی فقهی را که به آن دست یافته‌اند، از همین سیره معصومین استنباط کرده‌اند. تمام احکام فقهی که فقها در موضوعات مختلف فقهی به تفصیل بیان کرده‌اند، در حقیقت بیان تفصیلی سیره معصومین است که اگر سیره معصومین را درست شناخته‌اند، حکم خدا را درست بیان کرده‌اند، اما اگر در شناخت سیره به خطا رفته‌اند، در بیان احکام نیز دچار خطا شده‌اند. مستدل، یا غیر مستدل بودن حکم فقهی نیز که فقها بیان کرده‌اند، با همین سیره معصومین ارزیابی می‌شود که آن حکم بر اساس سیره معصومین بیان شده یا خیر؟ یعنی آن حکم به نحوی در سیره معصومین بوده است یا خیر؟ ضروری است که تمام احکام فقهی اعم از تصریحی یا استنباطی، مستند به سیره معصومین باشد. پس هر فقیهی نخست باید سیره معصومین را بشناسد و سپس این شناخت خود را برای دیگران بیان کند. پس فقیه واسطه شناخت، بین مردم و سیره معصومین است.

جایگاه سیره در اخلاق

ارزش‌های اخلاقی را باید با سیره معصومین شناخت. چه آنکه معصومین خود تجسم ارزش‌های اخلاقی بوده‌اند. این موضوع در سخن و عمل، یعنی گفتار و کردار معصومین بسیار گستره و به تفصیل بیان شده است. نمونه‌های بسیار والا از زندگی معصومین در تاریخ، در خصوص همین سیره اخلاقی ثبت شده است. به ارزش‌های اخلاقی، بدون شناخت سیره معصومین نمی‌توان راه یافت. دست‌های اخلاقی معصومین، بیان‌کننده تئوریک اخلاق و زندگی معصومین نیز تجسم عینی فضیلت‌های اخلاق می‌باشد. یعنی معصومین تمام آنچه را که در موضوع فضایل اخلاقی بیان کرده و مردم را به انجام و رعایت آن‌ها دستور داده‌اند، خود ایشان همه را به طور کامل و در حد اعلی انجام داده‌اند. آن‌ها نمونه‌های جامع فضایل اخلاقی و کمال بوده‌اند. پس برای شناخت تئوریک فضایل اخلاقی و مشاهده عینی آن‌ها باید سیره معصومین را شناخت و با شناخت سیره معصومین در این خصوص می‌توان جایگاه ارزشی فضایل اخلاقی و تأثیر آن را در تربیت اشخاص و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، خانوادگی و به خوبی شناخت.

جایگاه سیره در تربیت

اتخاذ شیوه درست تربیت و تدوین فرمول‌ها و قوانین تربیت و شناخت عوامل و ابزارهای تربیت و چگونگی استفاده و به کارگیری آن‌ها، بدون شناخت سیره معصومین امکان‌پذیر نیست.

دیگر موضوعات

ما امروز در تمام موضوعات فردی و اجتماعی نیاز به شناخت سیره معصومین داریم. شناخت سیره معصومین و شناخت ضابطه‌های زندگی، مستلزم یکدیگرند و

ص: ۳۵

رابطه سیره معصومین و زندگی، رابطه عملی و کاربردی است. پس شناخت سیره معصومین، صرفاً تئوریک و غیر کاربردی نمی باشد و اجرای آن نیز در تمام شئون زندگی گسترش می یابد.

خلاصه و نتیجه

خداوند کتاب‌های آسمانی و پیامبران را برای هدایت آدمیان فرستاد. به همین جهت، پیامبران را معصوم قرار داد. عصمت یعنی مصونیت از خطا و لغزش‌های فکری و عملی و اخلاقی. عامل عصمت نیز معرفتی است که آن‌ها نسبت به حقایق جهان و فرجام اطاعت و معصیت دارند. سیره و سنت نیز به مفهوم روش عملی و شیوه زندگی پیامبر و معصومین است. امروز حکم خدا را باید از طریق قرآن و سیره معصومین شناخت، پس شناخت سیره و سنت معصومین به منظور شناخت دستورهای خداوند لازم و ضروری است. کاربرد سیره در گستره زندگی است که در تمام شئون زندگی انسان راه می‌یابد و عمل به آن تمام زندگی را در راستای درست شریعت قرار می‌دهد. عامل تفاوت سیره نیز دو عنصر مکان و زمان بوده است که هر شرایطی حکم ویژه می‌طلبیده است.

ص: ۳۷

پرسش‌های این فصل

- ۱- عصمت را از نظر شیخ مفید تعریف کنید.
- ۲- سیره و سنت در لغت و اصطلاح به چه معناست؟
- ۳- ضرورت شناخت سیره معصومین را توضیح دهید.
- ۴- جایگاه و اعتبار سیره معصومین را بیان کنید.
- ۵- عامل اختلاف سیره معصومین چه بود؟

فصل دوم سیره عبادی

اشاره

اهداف فصل دوم

پیش درآمد ۲۲۲۲۲۲۲۲

عبادت و پرداختن به یاد خدا، فلسفه وجودی انسان است. چه آنکه خداوند فرمود: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. (۱) به مقام‌های بلند معنوی اخروی، جز با عبادت نمی‌توان دست یافت. عبادت، اساس تمام خوبی‌ها و کمالات است. مراتب آدمیان جز با عبادت ارزیابی نمی‌گردد. آهنگ قافله هستی جز یاد خدا نمی‌باشد. فرشتگان جز در حال عبادت نیستند. ذرات هستی در باطن جز به عبادت خداوند نمی‌پردازند. ثواب و عقاب جز بر عبادت مترتب نمی‌شوند.

تجلی خداوند در هستی به عبادت است و فلسفه آفرینش نیز جز عبادت چیز دیگری نیست.

تمام پیشوایان و پیش کسوتان عرصه اندیشه و ارزشهای معنوی اعم: از پیامبران، امامان معصوم، اولیاء الله، تنها با عبادت خداوند شناخته می‌شوند.

پیامبران الهی، برگزیده خداوند از تمام هستی هستند. در آیات بسیاری به این موضوع تأکید شده است: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ. (۲)

آیه ۴۲ آل عمران درباره حضرت مریم، آیه ۲۴۷ بقره درباره طالوت، آیه ۱۴۴ اعراف درباره حضرت موسی، آیه ۱۳۰ بقره درباره حضرت ابراهیم، آیه ۴۷ ص

۱- الذاریات، ۵۱-۵۶

۲- آل عمران، ۳/۳۳.

ص: ۴۲

درباره ابراهیم و اسحاق و یعقوب و آیه ۳۲ فاطر به طور کلی بر برگزیدگان و پیامبران الهی دلالت دارند. به دلیل برتری پیامبر اسلام و اهل بیت او بر پیامبران پیشین، بی گمان آنها از همه برتر هستند. زیرا پیامبران از میان هستی برگزیده شدند. پیامبر اسلام و اهل بیت او از میان پیامبران برگزیده شده‌اند. پس پیامبر و ائمه برگزیده دوم از برگزیدگان اول هستند و عبادت نیز که فلسفه آفرینش است، باید در زندگی اینها به صورت ویژه و برتر تجلی کند. زیرا آنها تبلور برتر در نظام هستی هستند، هستی نیز تجلی عبادت خداوند است، پس پیامبران و امامان نیز تجلی برتر عبادت می‌باشند و می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. فلسفه آفرینش هستی، به ویژه آدمیان و جنیان، عبادت خداوند است.

۲. پیامبران از میان دیگران برگزیده هستند.

۳. پیامبر اسلام و امامان معصوم برگزیده تمام پیامبران هستند.

۴. پس پیامبر اسلام و امامان معصوم برگزیده تمام هستی به ویژه آدمیان هستند.

۵. پس فلسفه آفرینش باید در وجود آنها به صورت ویژه تجلی کند.

۶. بدیهی است که عبادت در زندگی آنها تجلی ویژه داشته است.

نتیجه

الف- تمام لحظه‌های زندگی امامان در عبادت خداوند گذشته و هیچ لحظه‌ای بدون عبادت خدا نبوده اند.

ب- فراز و نشیب روزگار، شرایط مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی چندان تأثیری نداشته و آنان در هر شرایطی به عبادت خداوند پرداخته اند.

ج- گرچه جلوه‌های عبادت مختلف بوده است، اما بیشترین تجلی عبادت در نماز، حج، روزه و دعا و خدمت به مردم بوده است.

ص: ۴۳

د هر امامی در عصر خود، عابدترین و از نظر فضایل اخلاقی نیز برترین بوده است. اینها اصول ثابت در سیره عبادی امامان (ع) بود، زیرا آنها در رابطه با عبادت خداوند که همان فلسفه آفرینش است، دو وظیفه اساسی داشتند و دیگر شیوه‌های زندگی در راستای انجام همین دو وظیفه بوده است:

اول: پرداختن به عبادت خداوند در تمام لحظه‌های زندگی در قالب نماز، روزه، حج، دعا، تعلیم و کار و تجارت و ... که به عنوان سیره عبادی شناخته می‌شوند.

دوم: تمام تلاش‌های ائمه و روابط اجتماعی و مبارزات سیاسی آنها به این جهت بود که مردم جامعه به عبادت خداوند پردازند که به عنوان سیره تربیتی شناخته می‌شوند.

تفاوت سیره عبادی

گفتیم عبادت به دو دلیل در زندگی امامان جایگاه ویژه یافت:

الف: ائمه، برگزیدگان هستی هستند و در نتیجه فلسفه آفرینش، باید در وجود آنها به طور تمام و کمال جلوه کند.

ب: آنها مظهر کامل نام‌ها و صفات خداوند هستند و باید اسما و صفات در وجود آنها تجلی کامل یابد.

هر کدام از این دو موضوع مستلزم دیگری است. به همین جهت امامان معصوم در عبادت و فضایل اخلاقی همیشه برترین بوده‌اند. گرچه تاریخ نگاران و سیره نویسان اهل سنت، امامان معصوم را با دیگر مردم مقایسه و سپس حکم کرده‌اند که آنان برترین اهل زمان بوده‌اند، اما باید گفت این مقایسه صحیح نیست، زیرا هیچ‌الگوی برتری را با دیگر مردم مقایسه نمی‌کنند بلکه جایگاه معنوی مردم را با

ص: ۴۴

آن‌ها ارزیابی می‌کنند. هر الگوی برتری باید با فلسفه وجودی خودش ارزیابی شود.

گرچه هرامامی در عصر خود مظهر کامل تجلی اسماء و صفات خداوند بود، اما در عین حال تفاوت‌هایی در سیره عبادی آن‌ها مشاهده می‌شود و عامل این اختلاف چند چیز می‌تواند باشد:

۱- در موضوع تاریخ و سیره نویسی هیچ‌گاه به طور قطعی نمی‌توان گفت تمام آنچه که روی داده، نقل شده است. زیرا نویسندگان تاریخ و سیره و همچنین راویان حدیث بر حسب اهداف و انگیزه‌هایی که داشته‌اند، برخی مطالب را برگزیده و بسیاری دیگر را نقل نکرده‌اند. عدم نقل نیز دلیل بر عدم وقوع نمی‌شود و گرنه تمام امامان شب‌ها به عبادت و نماز و تهجد می‌پرداختند و افراد بسیاری از اسرار عبادت‌های آنان آگاه نبوده‌اند.

۲- برخی امامان در زندان، یا در محاصره نظامی و مراقبت سیاسی بودند و ارتباط آن‌ها با مردم قطع بود و همه از شرایط زندگی و عبادت‌های آن‌ها اطلاع نداشتند. عبادت‌های امام موسی بن جعفر (ع) در زندان هارون الرشید، توسط برخی از افراد روایت شده که در زندان حضور داشتند و یا حضور یافتند.

۳- شرایط سیاسی و اجتماعی: برخی امامان در شرایط سیاسی دشواری زندگی می‌کردند و از بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی بازداشته می‌شدند و نماز و عبادت‌های آنان در آن شرایط در نظر مردم بیشتر جلوه می‌کرد و مورد توجه قرار می‌گرفت.

۴ تمام ائمه، مظهر کامل تمام فضیلت‌های برتر هستند و هر فضیلتی در زندگی یکی از امامان بیشتر تجلی یافت تا همه فضیلت‌ها در زندگی همه آنها تجلی داشته باشد؛ تا هر کس بخواهد تجلی فضیلتی را به طور کامل بشناسد، به زندگی آن امام مراجعه کند. در نتیجه می‌بینیم که عدالت و عبادت در زندگی حضرت علی (ع)، حلم و بردباری در زندگی امام حسن (ع)، شهادت و ایثار در

ص: ۴۵

زندگی امام حسین (ع)، عبادت و انفاق‌های شبانه در زندگی امام سجاد (ع)، علم و دانایی در زندگی امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، صبر و استقامت در زندگی امام کاظم (ع) و ... بیش از همه جلوه کرد تا مجموع فضیلت‌ها در زندگی همه ائمه شناخته شود. این عوامل و برخی عوامل دیگر سبب شدند که پرداختن به نماز و عبادت در زندگی برخی امامان بسیار نقل شود و در زندگی برخی دیگر کمتر گزارش شود. تردیدی نیست که نماز و انجام نوافله‌های شبانه روز در زندگی امامان محور اصلی بوده و تمام آن‌ها بی استثناء شبانگاه به عبادت می‌پرداختند.

دلیل این مطلب افزون بر گزارش‌های تاریخی، آیات قرآن است که درباره عبادت‌های شبانه رسول خدا (ص) رسیده است. *يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ. قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا. نَضِيفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا. أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا. إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا. إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً. إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا. وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا. رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا. (۱)*

گرچه مخاطب مستقیم این آیات رسول خداست، اما امامان معصوم نیز به دلیل مسؤولیت الهی و جایگاه معنوی خود و برابری با پیامبر، همین وظیفه را داشته‌اند و بیشترین ساعات شب را به نماز و عبادت و تلاوت قرآن می‌پرداخته‌اند. از سوی دیگر، خداوند در قرآن دستور داده است که به رسول خدا اقتدا کنید. نخستین افراد بلکه تنها کسانی که به تمام و کمال به رسول خدا (ص) اقتدا کردند، ائمه معصومین (ع) بودند. آن‌ها از چند جهت مصداق کامل این آیات می‌باشند:

ص: ۴۶

الف: رسول خدا (ص) به این آیات عمل می‌کرده است و بر اساس آیه دیگر که فرمود: **لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ**، امامان معصوم نیز باید به آن حضرت اقتدا می‌کردند.

ب: آن‌ها به تمام قرآن به طور کامل عمل می‌کردند و همین آیات، نمونه ای از قرآن است.

ج: از آن جهت که خود باید مقتدای دیگران می‌بودند، ضروری بود که این آیات در زندگی آن‌ها تجلی ویژه داشته باشد.

پس تردیدی نیست که عبادت و به ویژه شب زنده داری در زندگی ائمه یک اصل اساسی بوده است، هر چند که درباره برخی امامان نقل نشده باشد. آنچه هم که از عبادت‌ها مثل نماز، روزه و حج نقل شده است، اندکی از بسیار و قطره‌ای از اقیانوس بیکران و ستاره‌ای از آسمان پر کهکشان زندگی آن‌هاست که در بیان و قلم تاریخ نگاران، سیره نویسان و راویان حدیث ظاهر شده است. سیره عبادی امامان را به دو دسته عملی و دستوری تقسیم می‌کنیم: قسم اول، سیره عملی آن پیشوایان است که خود به آن پرداخته‌اند و قسم دوم، سیره دستوری آن‌هاست که شیعیان را به آن دستور داده‌اند.

سیره عملی در موضوع عبادت

اشاره

پرداختن به عبادت‌های ائمه فصلی مشعب می‌طلبد اما در این جا به برخی از جلوه‌های عبادت در زندگی آن‌ها اشاره می‌شود.

امام علی (ع)

عبادت‌های امام علی (ع) معروف است. سال‌ها پیش از بعثت همراه پیامبر، در زمان بعثت و پس از آن حضرت و همچنین در زمان خلافت به عبادت و نماز

ص: ۴۷

می‌پرداخت. این فراز و نشیب‌ها او را از عبادت باز نداشت و تغییری در آن ایجاد نکرد.

فقد صح عنه (ع) أنه قال: أنا عبدالله و أخو رسول الله (ص) و أنا الصديق الأكبر، لا يقولها بعدى إلا كذاب مفتر، و لقد صليت قبل الناس سبع سنين. (۱) ابودرداء گوید: حضرت علی (ع) را در یکی از شب‌ها در محله دوربنی نجار دیدم که از بستگان دوری گزیده، تنها و پنهان از دیگران میان نخل‌ها حرکت می‌کرد. دیگر او را ندیدم و به جستجویش پرداختم و با خود گفتم به منزل رفته است. در این میان ناله حزینی شنیدم که می‌گوید:

إلهی، کم من موبقه (۲) حملت عنی فقابلتها بنعمتک، و کم من جریره (۳) تکرمت عن کشفها بکرمک، إلهی إن طال فی عصیانک عمری، و عظم فی الصحف ذنبی، فما أنا مؤمل غیر غفرانک، و لا أنا براج (۴) غیر رضوانک.

در پی این ناله رفتم تا ببینم چه کسی است. دیدم آن حضرت است. آرام حرکت کردم و پنهان شدم تا مرا نبیند. دیدم در دل شب چند رکعت نماز خواند و سپس به دعا و مناجات پرداخت و با گریه فرمود:

إلهی، أفکر فی عفوک، فتهون (۵) علی خطیئتى، ثم أذكر العظیم من أخذک فتعظم علی بلیتی (۶) ثم قال: آه إن أنا قرأت فی الصحف سیئه أنا ناسیها و أنت محصیها، فتقول: خذوه، فیاله من مأخوذ لا تنجیه عشیرته، و لا تنفعه قبیلته ... ثم

۱- الخصال، ۴۰۱/۱۱۰؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ۱۶/۲؛ العمده، ابن بطریق، ۷۶/۶۴؛ الطرائف، ابن طاوس، ۱۲/۲۰؛ المصنف، ابن ابی شیبہ، ۶۵: ۱۲/۱۲۱۳۳؛ سنن، ابن ماجه، ۱۴۴/۱۲۰؛ السنه، ابن ابی عاصم، ۲/۸۹۵؛ فضائل، أحمد، ۱۱۷/۸۷؛ خصائص النسائی ۷/۲۴؛ تاریخ، الطبری، ۲/۲۱۲؛ الأوائل، ابی هلال العسکری، ۱/۴۹۱؛ مستدرک، الحاکم، ۳/۳۱؛ نقض العثمانیه، الإسکافی، ۲۹۰؛ فرائد السمطین، ۲۴۸: ۱/۱۹۲؛ میزان الاعتدال، ۱۰۱: ۳ و ۱۰۲؛ اعلام الوری، ۱/۳۶۰

۲- گناه

۳- الجریره: الذنب و الجنایه

۴- امیدوار

۵- آسان

۶- گرفتاری

ص: ۴۸

قال: آه من نار تنضج الأکباد والکلی (۱)، آه من نار نزاعه للشوی، آه من غمره (۲) من ملهبات لظی. (۳) آن قدر دعا و مناجات و گریه کرد که صدایش خاموش شد. با خود گفتم چون عبادت و شب‌زنده‌داری علی طولانی شد، پس خواب بر او چیره شده است، خوب است بروم او را برای نماز صبح بیدار کنم. هنگامی که بالای سرش رفتم دیدم بی حرکت بر زمین افتاده است. گفتم: إنالله و إنا إلیه راجعون، علی از دنیا رفته است. با شتاب به منزل حضرت زهرا (س) رفتم تا رحلت علی را به او خبر دهم. جریان را خدمتش عرض کردم.

فرمود: ابودردا سوگند به خدا که علی از دنیا نرفته و از خوف خدا بیهوش شده است. (۴) این موضوع دلیلی است بر این که این جریان در زمان حیات رسول خدا (ص) یا اندکی پس از رحلت آن حضرت بوده است.

شخصی گوید: از انس بن مالک شنیدم که می‌گفت این آیه: أُمُّ مَنْ هُوَ قَانِتٌ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَانِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ (۵) درباره

حضرت علی (ع) نازل شده است. با خود اندیشیدم علی را بنگرم که چگونه عبادت می‌کند.

سوگند به خدا وقتی نزد او رفتم که هنگام نماز مغرب بود. او با اصحابش نماز می‌خواند. پس از نماز به تعقیبات پرداخت تا نماز عشا را خواند. پس از آن به منزل رفت و من هم همراه او به منزلش رفتم. دیدم در تمام شب به نماز و قرائت قرآن پرداخت تا شب سپری شد. وضو گرفت و به مسجد رفت و با مردم نماز صبح

۱- کلیه و کبد را بر می‌کند

۲- زبانه‌های آتش که فرا می‌گیرد

۳- اشاره به آیات ۱۵ و ۱۶ سوره معارج است: كَلَّا إِنَّهَا لَظَى نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى. زبانه می‌کشد پوست سر و اندام را برکننده است

۴- الأمالی، الشیخ الصدوق، ۱۳۷؛ بحار الانوار، ۲۱/۴۱

۵- الزمر، ۳۹/۹. الزمر، ۳۹/۹.

ص: ۴۹

را خواند و سپس به تعقیبات نماز صبح پرداخت تا خورشید طلوع کرد و مردم به سوی او روی آوردند و به حل و فصل امور مردم پرداخت تا وقت نماز ظهر فرا رسید. وضو گرفت و با اصحابش نماز ظهر را خواند و سپس به انجام تعقیبات نماز ظهر پرداخت تا نماز عصر را با اصحابش خواند و مردم نزد او آمدند و به حل و فصل امور مردم و بیان احکام خدا پرداخت تا خورشید غروب کرد و من از نزد او بیرون رفتم، در حالی که با خود می‌گفتم: خدا را گواه می‌گیرم که این آیه در باره او نازل شده است. (۱) نوف: بت ليله عند أمير المؤمنين (ع) فكان يصلي الليل كله و يخرج ساعه بعد ساعه فينظر الى السماء و يتلوا القرآن. (۲) ابن عباس: و كان يصوم النهار و يصلي بالليل ألف ركعه. (۳) انه (ع) قال: ما تركت صلاة الليل منذ سمعت قول النبي (ص) صلاة الليل نور فقال ابن الكواء لا- ليله الهرير (۴) قال: و لا ليله الهرير. (۵) و في تفسير القشيري أنه كان (ع) إذا حضر وقت الصلاة تلون و تزلزل، فقيل له: ما لك؟ فيقول: جاء وقت أمانه عرضها الله تعالى على السماوات و الأرض و الجبال فأبين أن يحملنها و حملها الانسان في ضعفي، فلا أدرى أحسن إذا ما حملت أم لا. (۶) و أخذ زين العابدين بعض صحف عباداته فقرأ فيها يسيرا ثم تركها من يده تضجرا و قال: من يقوى على عبادة علي بن أبي طالب (ع). (۷)

۱- بحار الأنوار، ۱۴/۴۱؛ امالی، الصدوق، ۲۳۲؛ خصال، ۳۳۷/

۲- بحار الأنوار، ۱۶/۴۱

۳- بحار الأنوار، ۱۷/۴۱؛ مناقب آل ابی طالب، ۳۲۳

۴- نام یکی از شب‌های جنگ صفین است که هردو سپاه آن شب را تا صبح جنگیدند

۵- همان

۶- بحار الأنوار، ۱۷/۴۱

۷- بحار الأنوار، ۱۷/۴۱

ص: ۵۰

هرگاه وقت نماز می‌رسید، رنگ چهره آن حضرت متغیر می‌شد و بدن مبارکش می‌لرزید. می‌پرسیدند چرا این گونه می‌شوید؟ می‌فرمود: هنگام ادای امانت خداوند فرارسیده است، امانتی که آسمان‌ها و زمین توان پذیرش آن را نداشتند. امام صادق (ع) نیز به نماز امام علی (ع) اشاره کرده است. (۱)

فاطمه (س)

کسی که آیه تطهیر درباره او نازل شده، باید چنین باشد که تمام اوقاتش در عبادت بگذرد و حضرت زهرا (س) چنین بود. النبی (ص): قامت فی محرابها بین یدی ربها جل جلاله ظهر نورها لملائکه السماء كما يظهر نور الكواكب لأهل الارض. (۲) حسن بن علی (ع): رأیت أُمی فاطمه (س) قامت فی محرابها لیلہ جمعتها فلم نزل راکعہ ساجده حتی اتضح عمود الصبح و سمعتها تدعوا للمؤمنین و المؤمنات ... (۳) حسن بصری: ما کان فی هذه الأمة أعبد من فاطمه کانت تتقوم حتی تورم قدماها. (۴) ابونعیم اصفهانی: من ناسکات الأصفیاء و صفیات الأتقیاء فاطمه ... (۵)

امام حسن (ع)

امام صادق (ع): او در زمان خود عابدترین، زاهدترین و برترین مردم بود.

- ۱- بحار الانوار، ۴۱ / ۳۲؛ فروع، کافی، ۴ / ۴۹۵؛ و مراجعه شود به نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵
- ۲- امالی، الصدوق، ۲۴ / ۱۰۰، راجع به امام حسن ۳ / ۴۱
- ۳- بحار الانوار، ۴۳ / ۸۱، ۳ / ۴۲
- ۴- بحار الانوار، ۴۳ / ۸۴
- ۵- بحار الانوار، ۳۱ / ۳۱.

ص: ۵۱

هرگاه به نماز می‌ایستاد، بدنش می‌لرزید. هرگاه بر می‌خاست وضو بگیرد، بدنش می‌لرزید و رنگ چهره‌اش متغیر می‌شد، از این موضوع پرسش شد و جواب داد: بر هر کسی که نزد پروردگار می‌ایستد، سزاست که رنگ چهره‌اش متغیر شود و بدنش بلرزد. أن الحسن بن علی (ع) كان إذا توضأ ارتعدت مفاصله، و اصفر لونه، فقیل له فی ذلك فقال: حق علی کل من وقف بین یدی رب العرش أن یصفر لونه، و ترتعد مفاصله. (۱) آن حضرت بیست مرتبه، پیاده به حج رفت. قال ابن عباس: قد حج الحسن بن علی خمساً و عشرين حجه ماشياً، وإن النجائب (۲) لتقاد معه. (۳) حج امام حسن (ع) در روایت‌های مختلف و در بسیاری کتاب‌ها آمده است. (۴)

امام حسین (ع)

چنان که گفته اند اکثر اوقات آن حضرت به نماز گذشت. (۵)

۱- مناقب ابن شهر آشوب ۳ / ۱۸۰؛ بحار الأنوار، ۴۳ / ۳۳۹

۲- اسب

۳- البدایه، ۸ / ۳۷ للبيهقي، و هو فی "تهذيب ابن عساکر" ۴ / ۲۱۶، ۲۱۷، و علق البخاری فی "صحیحه" أنه حج ماشياً و الجنائب تقاد بین یدیہ. سیر اعلام النبلاء، ۳ / ۲۶۰؛ و انظر: حلیه الاولیاء، ۲ / ۳۷. بحار الانوار، ۴۳ / ۳۰۸

۴- حلیه الاولیاء، ۲ / ۳۷؛ الفصول المهمه، ۱۵۴؛ صفه الصفوه، ۱ / ۳۸۵ / ۱۲۰؛ كشف الغمه، ۲ / ۱۹۳؛ أخبار إصبهان، ۱ / ۱۰۳؛ المناقب، ابن شهر آشوب، ۳ / ۱۸۰؛ الصواعق المحرقة، ۱۳۹ ب ۱۰ فصل ۳؛ ینایع الموده، ۲ / ۴۲۴؛ ذخائر العقبی، ۱۳۷؛ أمالی، الشیخ الصدوق، ۱۵۰ / ۸ و ۱۸۴ / ۹؛ قرب الإسناد، ۷۹؛ علل الشرائع، ۶ / ۴۴۷؛ شرح نهج البلاغه، ۱۶ / ۱۰؛ أخبار إصبهان، ۱ / ۴۴؛ تهذيب التهذيب، ۲ / ۲۹۸؛ تاریخ الخلفاء، ۷۳؛ ذخائر العقبی، ۱۳۷؛ المستدرک، ۳ / ۱۶۹؛ خمساوعشرين حجه وإن النجائب لتقاد معه؛ قرب الإسناد، ۷۹؛ علل الشرائع، ۶ / ۴۴۷؛ نور الأبصار، ۲۴۰؛ أنساب الأشراف، ۳ / ۹؛ سنن البيهقي، ۴ / ۳۳۱ حتى أنه يعطى الخف و يمسك النعل، المناقب، ابن شهر آشوب، ۳ / ۱۸۰؛ بحار الأنوار، ۴۳ / ۳۴۹ / ۲۱؛ شرح نهج البلاغه، ۱۶ / ۱۰

۵- خطط المقریزی، ۲ / ۲۸۵؛ تهذيب الاسماء، ۱ / ۱۶۳.

ص: ۵۲

قال مصعب: حج الحسين خمساً و عشرين حجه ماشياً. قالوا: و كان الحسين (ع) فاضلاً، كثير الصلاة، و الصوم، و الحج، و الصدقه، و أفعال الخير جميعها. (۱) و قال علي بن الحسين: إنه (أبي) كان يصلي في اليوم و الليله ألف ركعه. (۲) و عن عبدالله بن عمير قال: حجَّ الحسين بن علي رضي الله عنه خمساً و عشرين حَجَّةً ماشياً (۳) و نجائبه تُقاد معه. (۴) و كان (ع) إذا توضأ ارتعدت مفاصله و اصفرَّ لونه، فقيل له في ذلك فقال: حقَّ علي كلَّ من وقف بين يدي ربِّ العرش أن يصفرَّ لونه و ترتعد مفاصله. (۵) نماز او در ظهر روز عاشورا معروف است.

قال فلما رأى ذلك أبو ثمامه قال للحسين يا أبا عبدالله نفسي لك الفداء إني أرى هؤلاء قد اقتربوا منك و لا والله لا تقتل حتى أقتل دونك إن شاء الله و أحب ان ألقى ربي و قد صليت هذه الصلاة التي قد دنا وقتها. قال فرفع الحسين رأسه ثم قال ذكرت الصلاة جعلك الله من المصلين الذاكرين نعم هذا أول وقتها. ثم قال سلوهم أن يكفوا عنا حتى نصلى (۶).

امام سجاد (ع)

او در عبادت، شهره آسمانها است. فرشتگان، او را با این ویژگی بیشتر می شناسند. در ملکوت معروف به «زین العابدین» است. این نامها برای عبادت بر او نهاده شد:

- ۱- تهذیب الاسماء، ۱/ ۱۶۳؛ تاریخ، ابن وردی، ۱/ ۱۶۵
- ۲- تاریخ، یعقوبی، ۲/ ۲۰۷؛ تاریخ، ابن وردی، ۱/ ۱۶۵
- ۳- سیر اعلام النبلاء، ۳/ ۲۸۷؛ مجمع الزوائد، ۹/ ۲۰۱
- ۴- صفه الصفوه، ۱/ ۱۶۸؛ تاریخ دمشق، ۱۳/ ۵۴؛ طبقات، الشعرانی، ۱/ ۳۲۳؛ ۱۵۱۸۷؛ تهذیب الاسماء، ۱/ ۱۶۳؛ مناقب، ابن مغازلی، حدیث ۶۴؛ مطالب السؤل، ۳۶۰
- ۵- احقاق الحق، ۱۱/ ۴۲۲
- ۶- تاریخ، طبری، ۵/ ۴۳۹.

ص: ۵۳

زین العابدین و ذوالثنات و سید العابدین و قدوه الزاهدين و سید المتقين و إمام المؤمنین و الأمين و السجّاد و الزکی و زین الصالحین و منار القانتین و العدل و إمام الامّه و البکاء، و قد اشتهر بلقبی السجّاد و زین العابدین أكثر من غیرهما &. حیاة الامام زین العابدین، ۱ / ۳۹ \$ قال المبرد: کان ... و لقبه (ع): ذوالثنات و الخالص، (۱) و الزاهد، و الخاشع، و البکاء، و المتهجّد، و الرهبانی، و زین العابدین و سید العابدین، و السجّاد &. الکامل، المبرد، ۲ / ۹۳؛ بحار الأنوار، ۱۶ / ۴۶ \$ مناقب ابن شهر آشوب: لقبه (ع): زین العابدین و سید العابدین و زین الصالحین و وارث علم النبیین و وصی الوصیین و خازن و صایا المرسلین و إمام المؤمنین و منارالقانتین و الخاشع و المتهجّد و الزاهد و العابد و العدل و البکاء و السجّاد و ذوالثنات و إمام الأمه و أبوالأئمه & بحار الأنوار، ۴۶ / ۴ \$ و قدوه الزاهدين و سید المتقين و الأمين و الزکی و العدل &. حیاة الامام زین العابدین، ۱ / ۳۹ \$ این اوصاف، برای عبادت و یژه او گردید: زین العابدین، ذوالثنات، سید العابدین، قدوه الزاهدين ...

قال جابر: سمعت رسول الله (ص) يقول للحسين بن علي إنه يولد لإبني هذا ابن يقال له علي بن الحسين و هو سيد العابدین إذا كان يوم القيامة ينادى مناد ليقم سيد العابدین فيقوم علي بن الحسين و يولد لعلي بن الحسين ابن يقال له محمد إذا رأته يا جابر فافقرئه مني السلام &. تاريخ دمشق، ۵۴ / ۲۷۶ / ۱۱۴۹۸ - ۴ / ۴۵؛ مختصر تاريخ دمشق، ۱۷ / ۲۳۴ / ۳۴؛ إحقاق الحق، ۱۲ / ۱۳ - ۱۶۰؛ البدايه و النهايه، ابن كثير، ۹ / ۱۲۳ \$ روز قیامت او را زین العابدین خطاب می کنند &. علل الشرائع، ۱ / ۲۶۳؛ الامالی، الصدوق، ۳۱؛ بحار الانوار، ۴۶ / ۲؛ تاريخ دمشق، ۴۱ / ۱۷۳ / ۳۱۳۸ \$

۱- حیاة الامام زین العابدین، ۱ / ۳۹

ص: ۵۴

عن الإمام أبي جعفر الباقر (ع) أنه قال: كان لأبي في مواضع سجوده آثار ناتيه & برآمدگی، \$و كان يقطعها في السنه مرتين، في كل مره خمس ثففات & پیشانی وروی زانوان و نوک انگشتان پینه بسته بود، \$فسمى ذاالنففات لذلك &. علل الشرائع، ۱/ ۲۷۳؛ معانی الأخبار، ۶۵؛ بحار الأنوار، ۴۶/ ۶؛ تذکره الخواص، ۳۲۴\$ عن أبي جعفر محمد بن علی الباقر (ع) قال: كان علی ابن الحسین (ع) یصلی فی الیوم و اللیله ألف رکعه، کما کان یفعل أمير المؤمنین (ع) کانت له خمس مائه نخله، فكان یصلی عند کل نخله رکعتین &، قال ابن حمزه کان علی بن الحسین یصلی فی الیوم و اللیله ألف رکعه. نور الأبصار، ۲۸۱؛ مطالب السؤل، ۴۱۰\$ و کان إذا قام فی صلاته غشی لونه لون آخر، و کان قیامه فی صلاته قیام العبد الذلیل بین یدی الملک الجلیل، کانت أعضاؤه ترتعد من خشیه الله عزوجل، و کان یصلی صلاه مودع یری أنه لا یصلی بعدها أبدا، و لقد صلی ذات یوم فسقط الرداء عن أحد منکبیه فلم یسوه حتی فرغ من صلاته، فسأله بعض أصحابه عن ذلك، فقال: و یحک أتدری بین یدی من کنت؟ إن العبد لا تقبل من صلاته إلا ما أقبل علیه منها بقلبه &. بحار الأنوار، ۴۶/ ۶۱؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ۳/ ۲۸۹؛ مختصر تاریخ دمشق، ۱۷/ ۲۳۶/ ۱۳۴\$ سعید بن کلثوم گوید: نزد امام صادق (ع) بودم، وی از امام علی (ع) یاد کرد و آن حضرت را به آنچه که شایسته بود، وصف کرد و سپس فرمود: هیچ کسی جز حضرت علی توان انجام عبادتی مثل عبادت‌های پیامبر (ص) را نداشت ... هیچ کسی نیز از خاندان علی (ع) بیش از علی بن الحسین با آن حضرت همانند نبود. یک روزی فرزندش ابو جعفر نزد پدر رفت و او را در حالی دید که از شدت عبادت در شرایطی قرار گرفته که هیچ کس در آن شرایط نیست. رنگ مبارک از فزونی شب زنده داری زرد شده. چشم‌هایش از کثرت گریه کم سو شده. پیشانی مبارک از سجده بسیار پینه بسته و پاهایش از ایستادن در نماز ورم کرده است. چون پدر را

ص: ۵۵

در چنین حالی دید، بی اختیار گریه کرد. آن حضرت در حالی که به فکر فرو رفته بود، پس از اندکی به فرزندش توجه کرد و فرمود: فرزندم یکی از آن کتاب‌ها را که شرح عبادت‌های حضرت علی (ع) در آن نگاشته شده به من بدهید. کتاب را به او داد و قدری از آن را مطالعه کرد و کتاب را کنار گذاشت و فرمود: چه کسی توان دارد که مثل حضرت علی (ع) عبادت کند &. الارشاد، ۲۷۲؛ بحار الأنوار، ۷۴/۴۶؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ۳/ ۲۹۰ \$ کان علی بن الحسین إذا فرغ من وضوئه للصلاه، و صابین وضوئه و صلاته أخذ له رعد و نفضه & لرزش، \$ فقیل له فی ذلک، فقال: ویحکم أدرؤن إلی من أقوم. و من أرید أن أناجی &. حلیه الأولیاء، ۲/۱۵۴؛ بحار الأنوار، ۷۸/۴۶) أدرؤن من أتاهب للقیام بین یدیه؛ صفه الصفوه، ۲/ ۶۶ / ۱۶۵؛ نور الأ-بصار، ۲۸۱؛ مطالب السؤل، ۴۰۹؛ عن الصادق قال: کان علی بن الحسین إذا حضر الصلاه اقشعر جلده، و اصفر لونه، و ارتعد کالسعفه. فلاح السائل، ۱۰۱؛ بحار الأنوار، ۵۵/۴۶ \$ أبوجعفر (ع) یقول: کان لعلی بن الحسین (ع) ناقه، حج علیها اثنتین و عشرين حجه، ما قرعها قرعه قط. & کافی، ۱/ ۴۶۷ \$ امام سجاد، مظهر عبادت خداوند بود. نماز و سجده در زندگی او بیش از دیگر امامان نقل شده است. این شاید به این جهت بود که:

الف: پس از واقعه کربلا- و حره اختناق شدید سیاسی حاکم شد و اهل بیت پیامبر (ص) و امام سجاد (ع) بیش از همه از سوی حکومتیان در مراقبت بود و بیشتر به نماز می پرداخت.

ب: در شرایطی که بنی امیه بر ضد اهل بیت پیامبر تبلیغ گسترده داشتند و آنها را خارج از دین معرفی کرده بودند، نمازهای امام سجاد (ع) بهتر می توانست تبلیغات آنها را بی اثر و دشمنی بنی امیه را با دین ثابت و موقعیت معنوی اهل بیت را معرفی کند.

ص: ۵۶

ج: به دلیل بیگانگی حاکمان بنی امیه، نسبت به عبادت و در نتیجه روی گردانی مردم از عبادت، سبب شد که امام سجاد (ع) با عبادت‌های خویش، جامعه را به بندگی خداوند و ارزش عبادت توجه دهد.

امام باقر (ع)

او پیشوای متقیان در اسلام بود. در هر شبانه روز یکصد و پنجاه رکعت نماز می‌خواند. و کان کثیر الصلاة حتی کان یصلی فی الیوم و اللیله مائه و خمسین رکعه &. تذکره الحفاظ: ۱/ ۱۲۵، تاریخ ابن عساکر: ۴۴/ ۵۱، حلیه الأولیاء: ۳/ ۱۸۲؛ ۷/ ۳۲ \$ و قد قال مولاه أفلح: حججت مع أبي جعفر محمد الباقر فلما دخل الى المسجد رفع صوته بالبكاء فقلت له: بأبي أنت و أمی إن الناس ينتظرونك فلو خفضت صوتك قليلاً. فلم يعتن الإمام و راح. يقول له: ويحك يا أفلح إني أرفع صوتي بالبكاء لعل الله ينظر إليّ برحمه فأفوز بها غداً. ثم إنه طاف بالبیت، و جاء حتى ركع خلف المقام، فلما فرغ و إذا بموضع سجوده قد ابتلّ من دموع عينيه و حج (ع) مره و قد احتفّ به الحجيج، و ازدحموا عليه و هم يستفتونه عن مناسكهم و يسألونه عن أمور دينهم، و الإمام يجيبهم & مناقب ابن شهر آشوب: ۴/ ۱۸۳؛ صفه الصفوه ۱/ ۷۹ / ۱۷۱ (به اختصار. \$)

امام صادق (ع)

امام صادق (ع)، در بیشتر ایام سال روزه دار بود و در ماه مبارک رمضان با اشتیاق بیشتر روزه می‌گرفت &. حیات امام صادق ۱/ ۶۷ \$ وی عابدترین مردم در زمان خودش بود.

ص: ۵۷

مالک بن انس فقیه المدینه یقول: و کان الصادق جعفر بن محمد (ع) رجلا لایخلو من إحدى ثلاث خصال: إما صائما، و إما قائما، و إما ذاکرا، و کان من عظماء العباد، و أكابر الزهاد الذین یخشون الله عزوجل &. الخصال / ۷۹؛ علل الشرائع / ۲۳۴؛ أمالی الصدوق / ۱۶۹. بحار الأنوار ۱۶ / ۴۷. و قد روی القاضی عیاض کلمه مالک هذه بتغییر یسیر فی کتابه المدارک / ۲۱۲ و حکاها عنه أبوزهره فی کتابه مالک / ۲۸ و الخولی فی کتابه مالک / ۹۴. و مراجعه شود به: صفه الصفوه ۲ / ۱۱۴ / ۱۸۶؛ سیر اعلا النبلاء ۳ / ۲۱۴ \$ جزئیات عبادت‌های امام صادق (ع) چندان نقل نشده است. شاید برای این بوده که علم و دانایی این امام بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اما دستورهای امام درباره اهمیت نماز و عبادت و دعاهایی که از این امام روایت شده، بسیار است &. مراجعه شود به الصحیفه الصادقیه تألیف باقر شریف القرشی، دارالکتاب الاسلامیه \$

امام کاظم (ع)

تاریخ نگاران گفته‌اند: او عابدترین مردم زمان خود بود. به لقب عبد صالح، زیبایی مجتهدان نام گرفت. هیچ چشمی در عبادت و اطاعت خداوند همانند او را ندیده است.

زیباترین و پرمترترین ساعت‌ها نزد امام، آن اوقاتی بود که به نماز و عبادت می‌پرداخت و با تمام وجود به آن روی می‌آورد. هرگاه برای نماز و مناجات می‌ایستاد، اشکش جاری می‌شد و قلبش از یاد خدا می‌لرزید. نمازهای نافله و نمازشب را تا هنگام نماز صبح ادامه می‌داد. سپس تا طلوع خورشید به تعقیبات می‌پرداخت، آن گاه تا زوال خورشید، در حال سجده بود.

کان أبو الحسن موسی (ع) أعبد أهل زمانه، و أفقههم و أسخاهم کفا، و أکرهم نفسا، و روی أنه کان یصلی نوافل اللیل، و یصلها بصلاته الصبح، ثم یعقب

ص: ۵۸

حتى تطلع الشمس، و یخر الله ساجدا فلا یرفع رأسه من السجود و التحمید حتی یقرب زوال الشمس، و کان یدعو کثیرا فیقول: اللهم إني أسألك الراحة عند الموت، و العفو عند الحساب، و یکرر ذلك، و کان من دعائه (ع): عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك، و کان یرکب من خشية الله حتى تخضل لحيته بالدموع &. إعلام الوری / ۲۹۶؛ الإرشاد / ۳۱۶؛ بحار الأنوار / ۴۸ / ۱۰۱ (ادامه در سیره اقتصادی \$) حسن بن محمد بن یحیی علوی گوید: جدم می گفت: موسی بن جعفر برای فزونی در عبادت عبد صالح نام گرفت. او را دیدند که شب هنگام وارد مسجد پیامبر شد و به سجده طولانی رفت و در سجده اش می گفت: عظیم الذنب عندی فليحسن العفو عندك. یا أهل التقوی و یا أهل المغفره. فجعل یردها حتی أصبح &. تاریخ بغداد / ۱۳ / ۲۷ / ۶۹۸۷؛ وفيات الأعیان: ۵ / ۳۰۸ / ۷۴۶، و کنز اللغه: ۷۶۶، الأنوار البهیه: ۱۹۰. سیراعلام النبلا / ۶ / ۲۷۰؛ تاریخ الاسلام الذهبی / ۱۲ / ۴۱۸؛ تهذیب اکمال / ۲۹ / ۴۴ / ۶۲۴۷ صفه الصفوه ۲ / ۱۲۴ / ۱۹۱ \$ عمار بن ابان گوید: امام موسی بن جعفر در زندان سندی بن شاهک زندانی بود. خواهر سندی که زن مؤمنه ای بود، از سندی خواست تا امور امام را به او واگذارد. وی نیز پذیرفت. این زن که خدمتگاری امام را بر عهده داشت، گوید:

موسی بن جعفر هر وقت نماز عشا را می خواند، به حمد خداوند (دعا) و عبادت می پرداخت تا شب سپری می شد، در پایان نماز می خواند و سپس نماز صبح را ادا می کرد و آن گاه به ذکر خدا می پرداخت تا خورشید طلوع می کرد و آن گاه تا بالا آمدن آفتاب می نشست و آن گاه آماده می شد که غذا بخورد و مسواک بزند و سپس استراحت می کرد تا قبل از زوال، وضو می گرفت و نماز می خواند تا نماز عصر را ادا می کرد. سپس رو به قبله به ذکر خدا می پرداخت تا هنگام نماز مغرب فرا می رسید. بین نماز مغرب و عشا نیز نماز می خواند. روش او در زندان همیشه همین بود.

ص: ۵۹

این زن هر وقت به امام می‌نگریست، می‌گفت: افرادی که ایشان را زندانی کرده‌اند، زیان دیده‌اند. او عبد صالح بود & سیر اعلام النبلاء ۶/ ۲۷۳؛ تاریخ بغداد ۵/ ۴۶۵ \$ ثوبانی نیز نماز و عبادت‌های امام را در زندان نقل کرده است & عیون أخبار الرضا: ۱/ ۹۵ ح ۱۴ و عنه فی الأنوار البهیه: ۱۸۹ \$ امام موسی بن جعفر (ع) روزها به ویژه سال‌هایی که در زندان بود، روزه می‌داشت و شب‌ها به نماز می‌پرداخت.

امام رضا (ع)

به برخی از نماز و عبادت‌های امام رضا (ع) چنین اشاره شده است:

كان (ع) قليل النوم بالليل، كثير السهر، يحيى أكثر لياليه من أولها إلى الصبح و كان كثير الصيام فلا يفوته صيام ثلاثة أيام في الشهر ... & بحار الأنوار: ۴۹/ ۹۱ عن عيون أخبار الرضا: ۲/ ۱۸۴ \$ و يقول الشبراوی عن عبادته: إنه كان صاحب وضوء و صلاة، و كان في ليله كله يتوضأ و يصلي، و يرقد هكذا إلى الصباح & الاتحاف بحب الاشراف. ۱۰. ۳۸/ ۵۹ \$ رجاء بن ضحاک که به دستور مأمون، امام را از مدینه به مروه برد، عبادت‌های شبانه روزی آن امام را به تفصیل نقل کرده است & عیون اخبار الرضا ۲/ ۱۸۰ \$ و كان علی بن موسی (ع) قليل النوم بالليل، كثير السهر، يحيى أكثر لياليه من أولها إلى الصبح، و كان كثير الصيام فلا يفوته صيام ثلاثة أيام في الشهر، و يقول: ذلك صوم الدهر، و كان (ع) كثير المعروف و الصدقه في السر، و أكثر ذلك يكون منه في الليالي المظلمه، فمن زعم أنه رأى مثله في فضله فلا تصدقوه & عیون أخبار الرضا ج ۲ ص ۱۸۴ بحار الأنوار- العلامه المجلسی- ج ۴۹- ص ۹۰- ۹۱. \$

ص: ۶۰

عن الهروی قال: جئت إلى باب الدار التي حبس فيها الرضا (ع) بسرخس و قد قيد. فاستأذنت عليه السجن فقال: لا سبيل لكم إليه، فقلت: و لم؟ قال: لأنه ربما صلى في يومه و ليلته ألف ركعه و إنما يفتل & کنار می گذارد \$ من صلاته ساعه في صدر النهار، و قبل الزوال، و عند اصفرار الشمس فهو في هذه الأوقات قاعد في مصلاه يناجي ربه، قال: فقلت له: فاطلب لي في هذه الأوقات إذنا عليه، فاستأذن لي عليه فدخلت عليه و هو قاعد في مصلاه متفكر الخير &. عيون أخبار الرضا ۲ / ۱۸۴؛ بحار الأنوار ج ۴۹ / ۹۱ \$

امام جواد (ع)

در مورد اندکی از عبادت‌های بسیار امام جواد (ع)، چنین آمده است:

كان (ع) كثير النوافل، ويقول المؤرخون: إنه كان يصلي ركعتين يقرأ في كل ركعه سورة الفاتحه، و سورة الاخلاص سبعين مره &. حياه الإمام محمد الجواد: ۶۷ \$ و انه (ع) إذا دخل شهر جديد يصلي اول يوم منه ركعتين يقرأ في أول ركعه «الحمد» مره، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» لكل يوم الى آخره - یعنی ثلاثين مره -.

و في أول الركعه الاخرى «الحمد» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» مثل ذلك و يتصدق بما يتسهل، يشتري به سلامه ذلك الشهر كله & مستدرک عوالم العلوم: ۲۳ / ۲۲۰ \$.

الريان بن الصلت قال: صام أبو جعفر الثاني (ع) لما كان ببغداد يوم النصف من رجب، و يوم سبع و عشرين منه، و صام معه جميع حشمه و أمرنا أن نصلی بالصلاه التي هي اثنتي عشره ركعه، تقرأ في كل ركعه الحمد و سوره، فإذا فرغت قرأت الحمد أربعاً، و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» أربعاً، و المعوذتين أربعاً، و قلت: «لا إله إلا

ص: ۶۱

الله و «الله أكبر» و «سبحان الله» و «الحمد لله» و «لا حول و لا قوة إلا بالله العلی العظيم» أربعا، «الله الله ربی و لأشرك به شیئا» أربعا، «لا أشرك بربی أحدا» أربعا &. وسائل الشیعه ۵/ ۲۴۳؛ مستدرک عوالم العلوم: ۲۳ / ۱۱. ۲۲۲ / ۳۹ \$

امام هادی (ع)

درباره امام هادی (ع) چنین رسیده است:

أما الإمام الهادی (ع) فلم یر الناس فی عصره مثله فی عبادته و تقواه و شدّه تحرّجه & سخت کوشی \$ فی الدین، فلم یتربک نافله من النوافل إلّا أتى بها، و كان یقرأ فی الركعه الثالثه من نافله المغرب سوره الحمد و أول سوره الحديد إلی قوله تعالی: إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ و فی الركعه الرابعه سوره الحمد و آخر سوره الحجرات.

امام عسکری (ع)

این امام بزرگوار نیز به فزونی عبادت، در زمان خود معروف بود.

وقتی متوکل عباسی دستورداد شبانگاه به منزل آن حضرت بروند و او را دستگیر کنند، دیدند در وسط اتاق نشسته و قرآن تلاوت می کند &. نورالابصار / ۳۳۶؛ وفيات الاعیان، ابن خلکان ۳ / ۲۷۲ \$ وقتی امام در زندان معتمد عباسی بود، وی به طور مرتب از زندان بان احوالات امام را جويا می شد. علی بن جریر که زندان بان بود، گزارش می داد که: روزها روزه می گیرد و شبها نماز می خواند. & مهج الدعوات: ۲۷۵ \$ در آن زمان که امام در زندان بود، دو نفر که به شرارت معروف بودند، بر وی گمارده شدند. آن‌ها نیز به عبادت و نماز روی آوردند. وقتی خواستند آن‌ها را مؤاخذه کنند که چرا نسبت به امام سخت گیری نمی کنند، پاسخ دادند شما درباره

ص: ۶۲

مردی که روزها روزه می‌گیرد و شب‌ها به نماز می‌پردازد، چه می‌گویید؟ هیچ چیزی او را از عبادت باز نمی‌دارد. وقتی که به ما می‌نگرد آن چنان ابهت و عظمتی دارد که بدن ما می‌لرزد و اختیار از ما سلب می‌شود و بار دیگر که امام زندانی شد، این بار نیز زندان بان‌ها تحت تأثیر عبادت‌های امام قرار گرفتند و گفتند:

ما تقول فی رجل یصوم النهار و یقوم اللیل کله، لایتکلم و لایتشاغل و إذا نظرنا إلیه ارتعدت فرائصنا و یداخلنا ما لانملکه من أنفسنا، فلما سمعوا ذلك انصرفوا خائبين &. کافی: ۱/ ۵۱۲/ ۲۳؛ المناقب ۲/ ۴۶۲\$ علی بن نارمش نیز از کسانی بود که به دشمنی با اهل بیت معروف بود. وقتی امام عسکری (ع) نزد او زندانی شد، عبادت‌های امام را دید و توبه کرد و شیوه پیشین را کنار گذاشت &. کافی: ۱/ ۵۰۸ ح ۸\$

بقیه الله الأعظم (عج)

بی‌گمان زمین از عبادت و نمازهای او استوار است. برکات خداوند از برکت نماز و عبادت‌های او بر بندگان جاری می‌گردد. نماز و عبادت او زینت بخش زمین است. هیچ لحظه‌ای بی‌نماز و عبادت خداوند نیست. در زیارت آل یاسین درباره نماز و عبادت‌های او چنین می‌خوانیم:

السلام علیک فی آناء لیلک و أطراف نهارک ... السلام علیک حین تقوم و السلام علیک حین تقعد السلام علیک حین تقرأ و تبین السلام علیک حین تصلی و تقنت السلام علیک حین ترکع و تسجد السلام علیک حین تهلل و تکبر السلام علیک حین تحمد و تستغفر &. مفاتیح الجنان زیارت آل یاسین \$

ص: ۶۳

خلاصه

موارد مذکور، اندکی از نماز و عبادت‌های بسیار امامان است که نقل شده است.

به طور خلاصه باید نکات ذیل را مورد توجه قرار داد:

۱- تمام لحظه‌های زندگی ائمه در عبادت خداوند گذشته است.

۲- عبادت منحصر در نماز و روزه و حج نبود.

۳- نماز و دعا و عبادت‌های برخی امامان را نقل نکرده‌اند و گرنه تمام امامان، شب‌ها را به نماز و عبادت و دعا و خواندن قرآن می‌پرداختند.

۴- برخی امامان در شرایط دشوار سیاسی به سر می‌بردند و از دیگر فعالیت‌های اجتماعی ممنوع بودند، به این جهت، نماز در زندگی آن‌ها بیشتر جلوه کرد و بیشتر مورد توجه قرار گرفت. مثلاً امام سجاد، امام کاظم و امام عسکری.

عبادت خداوند هنگام ناگواری‌ها

ائمه معصومین (ع) افزون بر آنکه در جریان روزمره به عبادت خداوند می‌پرداختند، در هنگام ناگواری‌ها نیز به عبادت‌های ویژه می‌پرداختند.

قال زین العابدین (ع): ما أصيب أمير المؤمنين (ع) بمصيبة إلا صلى في ذلك اليوم ألف ركعة، و تصدق على ستين مسكينا، و صام ثلاثة أيام & بحار الأنوار ۴۱/۲۳۱ \$ كما جاء عنه (ابو جعفر الباقر (ع)) عن كثره سجود أبيه: ما ذكر الله عز وجل نعمه عليه إلا و سجد، و لا دفع الله عنه سوءاً إلا و سجد، و لا فرغ من صلاه مفروضه إلا و سجد، و كان أثر السجود في جميع مواضع سجوده فسّمى بالسّجّاد. & علل الشرائع: ۱/ ۲۷۲ بحار الأنوار: ۶/۴۶ \$

عبادت برای شکر نعمت‌ها

معاویه بن وهب قال: كنت مع أبي عبد الله (ع) بالمدينة وهو راكب حماره، فنزل وقد كنا صرنا إلى السوق أو قريبا من السوق قال: فنزل و سجد و أطال السجود و أنا أنتظره، ثم رفع رأسه. قال: قلت: جعلت فداك رأيتك نزلت فسجدت؟! قال: إني ذكرت نعمه الله على قال: قلت: قرب السوق، والناس يجيئون و يذهبون؟ قال: إنه لم يرني أحد &. بحار الانوار ۴۷ / ۲۱؛ بصائر الدرجات ۱۵ / ۱۴۵ \$

سیره دستوری در موضوع عبادت

سیره دستوری و ارشادی ائمه در موضوع عبادت و دعا به ویژه نماز نیز بسیار است. آن‌ها در زمان‌ها و مناسبت‌ها و با بیان‌های مختلف بر اهمیت نماز تأکید کردند.

قائلاً (ع): ما تقرب العبد إلى الله بعد المعرفة أفضل من الصلاة &. مجموعه ورام: ۸۶ / ۲ \$ و قال (ع): إن أفضل الأعمال عند الله يوم القيامة الصلاة، و ما أحسن من عبد توضعاً فأحسن الوضوء &. الغايات: ۷۱ \$ و قال (ع): الصلاة قربان كل تقى &. جمهره الأولياء: ۲ / ۷۸ \$ و قال (ع): أحب الأعمال إلى الله عزَّ وجلَّ الصلاة، و هي آخر وصايا الأنبياء، فما أحسن الرجل يغتسل أو يتوضأ فيسبغ الوضوء ثم يتنحى & به گوشه‌ای می‌رود \$ حیث لایراه أنیس فیشرق الله علیه و هو راکع أو ساجد إن العبد إذا سجد فأطال السجود نادى إبليس: یا ویله أطاعوا و عصیت، و سجدوا و أبيت &. وسائل الشیعه ۳ / ۲۶ \$

ص: ۶۵

قال أبو بصير: دخلت على ام حميده - زوجة الإمام الصادق (ع) - أُعزّيتها بأبي عبد الله (ع) فبكت و بكيت لبكائها، ثم قالت: يا أبا محمد لو رأيت أبا عبد الله عند الموت لرأيت عجباً فتح عينيه ثم قال: اجمعوا كل من بيني و بينه قرابه. قالت فما تركنا أحداً إلّا جمعناه، فنظر إليهم ثم قال: إن شفاعتنا لاتنال مستخفاً بالصلاه &. وسائل الشيعه ۱۷/۳ \$هارون بن خارجه قال: ذكرت لأبي عبد الله (ع) رجلاً من أصحابنا فأحسنت عليه الثناء فقال لي: كيف صلاته &. وسائل الشيعه ۲۱/۳ \$الامام الصادق: امتحنوا شيعتنا عند مواقيت الصلاه كيف محافظتهم عليها &. وسائل الشيعه ۸۳/۳ \$و قال سعد الإسكافي: سمعت أبا جعفر محمد بن علي الباقر (ع) يقول: عالم ينتفع بعلمه خير من ألف عابد و قال (ع): شيعتنا من أطاع الله &. الفصول المهمه / ۲۱۰؛ تحف العقول ۲۹۴. جامع بيان العلم وفضله ۱/ ۳۲) أفضل من سبعين ألف (...؛ جامع السعادات ۱/ ۱۰۴؛ حليه الأولياء ۳/ ۱۸۴، ملحقات إحقاق الحق ۱۲/ ۱۹۲، كشف الغمه ۲/ ۱۳۳، تحف العقول ۲۹۵، نور الأبصار ۲۹۲ \$گسترده‌گی دعا و نمازهای مستحبی که در ایام هفته و اعیاد و مکان‌ها و مناسبت‌های مختلف رسیده، دلیل بر اهمیت عبادت و دعا در اسلام، از یک سو و از سوی دیگر جایگاه آن‌ها در سیره عملی و دستوری امامان است.

خلاصه و نتیجه

در سیره عبادی امامان معصوم، باید اهداف ذیل مورد توجه قرار گیرد.

۱- نماز، اساس و بنیان زندگی و هدف آفرینش است و در امامان تجلی کامل داشت.

۲- تمام ائمه به نماز و نافله شب و شب زنده‌داری می‌پرداخته‌اند که یا تمام شب را به عبادت و دعا و قرآن خواندن مشغول بوده و یا دست کم بیشتر شب را برای عبادت بیدار بوده‌اند.

۳- ائمه معصومین، افزون بر آنکه خود به نماز و عبادت می‌پرداختند، تأکید می‌کردند که شیعیان نیز به عبادت و شب زنده‌داری بپردازند و نماز، باید در زندگی آن‌ها جایگاه اساسی داشته باشد.

۴- نماز و عبادت، به ویژه اهمیت دادن به اوقات نماز و نمازهای واجب و نافله یومیه و نماز جماعت، باید نشان شیعه باشد.

۵- اگر شیعیان، سیره عبادی امامان را احیا کنند و به آن بپردازند، نیکوترین وسیله برای معرفی اهل بیت است.

به طور کلی عبادت در زندگی امامان معصوم تجلی ویژه داشت، زیرا:

عبادت، فلسفه آفرینش است. پیامبران و امامان نیز برگزیدگان هستی هستند، به این جهت هدف آفرینش در زندگی آن‌ها تجلی کامل داشت.

قرآن به پیامبر دستور داده است که شب‌ها به عبادت بپردازد و این دستور شامل ائمه نیز می‌شود.

قرآن دستور داده است که به رسول خدا اقتدا کنند و ائمه تنها کسانی بودند که به طور تمام و کمال به آن حضرت اقتدا کردند.

آنها الگوهای برتر کمال و خوبی‌ها بودند. پس باید خود بیش از دیگران به عبادت می‌پرداختند.

ص: ۶۷

به این جهت، تمام ائمه، شب‌ها به عبادت خداوند می‌پرداختند. عامل این موضوع که چرا عبادت‌های برخی امامان کمتر نقل شده، چند چیز است:

الف: تمام آنچه که واقع شده، نقل نشده و عدم نقل، دلیل نمی‌شود که عبادتی نبوده است. زیرا تاریخ نگاران آنچه را که با اهدافشان سازگار بوده نقل کرده‌اند.

ب: تمام کسانی که تاریخ را نوشته و گزارش‌ها را روایت کرده‌اند، در زندگی امامان راه نداشتند.

ج: برخی امامان، در زندان یا محاصره بودند و کسی نمی‌توانست با آنها در ارتباط باشد.

امامان، افزون بر آنکه خود به عبادت خداوند می‌پرداختند، دیگران را نیز به عبادت دستور می‌دادند. عبادت نیز منحصر به نماز نبود.

ص: ۶۸

پرسش‌های این فصل

- ۱- چه دلیلی وجود دارد که تمام امامان به نمازهای شب می‌پرداختند؟
- ۲- اصول ثابت در موضوع عبادت‌های امامان را برشمارید.
- ۳- به چه دلیل عبادت در زندگی امام سجاد (ع) بیشتر نقل شده است؟
- ۴- انس بن مالک عبادت‌های امام علی (ع) را چگونه نقل کرده است؟
- ۵- مالک بن انس امام صادق (ع) را چگونه وصف کرده است؟
- ۶- امام صادق (ع) درباره عبادت‌های امام سجاد و امام علی (ع) چه فرمود؟
- ۷- امام صادق (ع) فرمود شیعیان را با چه چیز بشناسید؟

ص: ۷۱

فصل سوم سیره تربیتی

اشاره

اهداف تربیتی

پیش درآمد

سیره تربیتی ائمه یکی از موضوعات مهم است که باید به صورت ویژه مورد توجه و بررسی قرار گیرد. زیرا یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبران به شمار می‌آید. امروز برای تربیت افراد جامعه، به شناخت سیره تربیتی امامان بسیار نیاز است.

در سیره تربیتی معصومین دو موضوع را باید مورد توجه قرار داد:

الف: جایگاه معنوی که به آن دست یافتند و ضرورت داشتن این جایگاه.

ب: نقش تربیتی که در جامعه داشتند. معلمانی که مردم را به سوی دانایی بردند و مربیانی که طالبان خوبی و کمال را به فضایل معنوی رساندند.

در موضوع نخست، به دلیل تکلیف‌پذیری انسان‌ها و ضرورت هدایت از جانب خدا و وحی، وجود چنین اشخاصی در جامعه ضروری است که در فلسفه بعثت به آن اشاره شد.

ائمه معصومین (ع) کسانی بودند که چون پیامبران برای این منظور از جانب خداوند برگزیده شدند. به این جهت، تمام فضایل معنوی و کمالات الهی به نحو کامل در وجود آن‌ها فعلیت یافت و آن‌ها نمونه‌های عینی کمال گردیدند و جامعه و فرد باید برای رسیدن به کمال انسانی از آن‌ها پیروی و به آن‌ها اقتدا کنند. آن‌ها از هر کاستی و عیب دور بودند. لغزش‌ها، خطاها و گناهان در ساحت مقدس وجودی آن‌ها راه نیافت. از این رو اقیانوس بیکران فضایل اخلاقی و معنوی آن‌ها گسترده‌تر از گستره دید هر بیننده و عمیق‌تر از نظرگاه هر اندیشه و بالاتر از حوزه معرفتی هر خردمند بود. چه آنکه هر کسی که همگون آن‌ها شد، اندکی

ص: ۷۲

آنان را شناخت. آنچه در تاریخ در خصوص شخصیت معنوی آنها رسیده، اندکی از افق‌های معنوی و وجودی آنهاست که برخی از اوایان حدیث و نویسندگان سیره و تاریخ بدان دست یافته‌اند و اشارت‌هایی از کهکشان پرستاره وجودی آنهاست که با ابزار مادی نمی‌توان رصد کرد.

درباره موضوع دوم باید گفت فلسفه وجودی آنها به عنوان رهبران الهی همین بود که گل‌های باغ پیامبران را به بار نشانند و فلسفه بعثت پیامبران را تحقق بخشند. از این رو آنان از هر وسیله تبلیغی که در اختیار داشتند، از هر فرصتی که پیش می‌آمد و از هر شرایطی که مساعد می‌گردید، به نحو کامل استفاده نموده و برای تعالی و تربیت جامعه می‌کوشیدند. افراد را به صورت فردی و جامعه را به صورت جمعی، به سوی فضایل اخلاقی و عبادت پروردگار رهنمون شدند.

تعلیم و تربیت مردم، مهم‌ترین وظیفه و مسئولیتی بود که خداوند بر دوش آنها نهاد. انجام این مسئولیت، بنیان دیگر فعالیت‌های اجتماعی را تشکیل می‌داد. تمام روابط اجتماعی، سیره سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حتی فردی آنها بر همین پایه و هدف استوار بود. در واقع، تمام فعالیت‌های امامان معصوم، از مظاهر همین سیره تربیتی آنها به شمار می‌آمد. این همه برای این بود که مردم را به سوی عبادت خداوند هدایت کنند و از گناه و خطا و نادانی نجات دهند. در زیارت جامعه به همین جایگاه تربیتی آنها و نیاز جامعه به آنان اشاره شده است:

بکم فتح الله و بکم یختم و أشرق الارض بنورکم و فاز الفائزون بولایتکم ... و بکم أخرجنا الله من الذل و فرج عنا غمرات الکروب & فرورفتن در دشواری‌ها \$ و أنقذنا من شفا جرف الهلکات & شفا جرف الهلکات: قرار گرفتن بر لبه پرتگاه هلاکت & ... \$ زیارت جامعه \$

ص: ۷۳

فرازهایی که از شخصیت معنوی و اقدام‌های تربیتی ائمه در سیره و تاریخ آمده که جلوه‌هایی از همین موضوع است. فضایل و کمالات معنوی آن‌ها مقدمه تحقق تربیت معنوی جامعه بوده است.

در اینجا نگاهی به شخصیت معنوی امام علی (ع) می‌افکنیم:

خداوند، پیش از تولد به او عنایات ویژه داشت. درخانه کعبه متولد شد. رسول خدا (ص) شخصا تربیت او را بر عهده گرفت و او از این جهت در جایگاه ویژه قرار گرفت. سلام فرشتگان و جمادات را به پیامبر می‌شنید. پس از بعثت نیز در جریان وحی قرار داشت. در دوران مکی شاید هیچ روزی نبود، هیچ جریان‌ی واقع نشد و رسول خدا (ص) به هیچ سفر تبلیغی نرفت، مگر آنکه همراه پیامبر بود. اینها همه برای آن بود که شخصیت معنوی او آن گونه رشد یابد که خداوند خواسته است.

در دوران مدنی نیز جنگ‌ها با شمشیر او به پیروزی رسید. معجزه بزرگ پیروزی در بدر و ناکامی مشرکان در جنگ احد از کشتن وی و پیامبر، شکست مشرکان در خندق، پیروزی در خیبر و شکست مشرکان در حنین و ... به دست او بود. او در واقع تجسم معجزات الهی بود. بی جهت نیست که برخی گفته‌اند: علی معجزه پیامبر است.

شرح زندگی امام علی پس از پیامبر تا شهادت وی در محراب کوفه، انجام همین وظیفه تربیتی او در جامعه بود.

رسول خدا (ص) این جایگاه هدایت‌گری و تربیت حضرت علی (ع) را به عنوان نمونه نخست از اهل بیت در احادیث بسیار و موارد مختلف معرفی کرد. حدیث انذار، وصایت، اخوت، منزلت، ثقلین، طیر، نجوی، بستن درهای باز شده به مسجد و باز گذاشتن در خانه علی، حدیث برزالیمان کله مع الکفر کله در خندق، حدیث پرچم در خیبر، حدیث دوستی با علی دلیل ایمان و دشمنی با او نشانه نفاق است، مدینه را جز من و علی شایسته نیست، اعلام برائت از مشرکان به وسیله

ص: ۷۴

علی، همسری فاطمه با علی به دست‌ور خداوند ... همه و همه برای معرفی نقش هدایتی و تربیتی حضرت علی (ع) در جامعه بود و او مصداق کامل آیات قرآن قرار گرفت. چنانکه ابن عباس گوید: سیصد آیه درباره حضرت علی نازل شده است. هیچ خطاب یا ایها الذین آمنوا نیست مگر آنکه علی (ع) مصداق برتر آن است. کتاب‌های متعددی در این خصوص نوشته شده است & الفتوحات الإسلامیه ۲/ ۵۱۶؛ کشف الغمه/ ۹۳؛ ینایع الموده/ ۱۲۶\$ تربیت امام علی (ع) از سوی خداوند به رسول خدا (ص) واگذار شد و آن حضرت نیز او را آن گونه تربیت کرد که خداوند خواسته بود. برای این جهت برادری و سپس برابری با رسول خدا (ص) ویژه او گردید. اینها همه برای آن بود که مسؤولیت تربیت جامعه پس از رسول خدا (ص) به او سپرده شد. رسول خدا (ص) امام حسن و امام حسین و دیگر امامان را نیز برای تحقق همین هدف معرفی کرد که در کتاب‌های حدیث به روشنی بیان شده است.

از این رو نقش تربیتی ائمه پس از رحلت رسول خدا (ص) در جامعه آغاز شد. اگر جریان سقیفه پیش نمی‌آمد و حکومت در اختیار معصومین بود، این نقش تربیتی به خوبی انجام می‌شد. اما جریان سقیفه و غصب خلافت، مشکلات بسیاری را پدید آورد.

پس از حضرت علی (ع) نیز هر امامی به وسیله امام پیش از خود تعلیم و تربیت شد. فلسفه سلسله امامت نیز همین است که هر امامی به وسیله امام پیش از خود تربیت شود که امام را معلمی جز امام شایسته نیست.

مبانی کلی

هر چند روش تربیتی امامان نسبت به افراد و طبقات اجتماعی مختلف بود، با هر کس برحسب آمادگی و شرایط روحی خودش رفتار می‌کرد، اما در هر صورت

ص: ۷۵

اصول کلی ذیل، همیشه مورد توجه بوده است:

- ۱- مسؤولیت الهی در تعلیم و تربیت انسان‌ها.
- ۲- از هر وسیله و ابزار تبلیغی که با اهداف دین سازگار بود و از هر شرایطی برای تربیت افراد به خوبی استفاده می‌شد.
- ۳- در روابط اجتماعی، اصل، تربیت اشخاص و تأثیرگذاری مثبت بر آن‌ها بود، هرچند که با امام دشمن بودند.
- ۴- تواضع و محبت و بخشش در رفتارهای اجتماعی از اصول بنیادی بودند. برای همین جهت هیچ گاه در صدد انتقام بر نیامدند. این موضوع در تمام رفتارهای امامان مشاهده می‌شود.
- ۵- ائمه به همه افراد جامعه به عنوان مسلمان می‌نگریستند و تلاش برای تربیت آن‌ها را وظیفه الهی خود می‌دانستند و از خداوند می‌خواستند که هدایت شوند. به عنوان مثال به دعاهای صحیفه سجادیه و دعای امام زمان (ع) «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و بعد المعصیه ...» مراجعه شود. به طور کلی در نمازها و مناجات‌های خود از امت اسلام غافل نبودند. تذکر و خیرخواهی را همیشه مد نظر داشتند.
- ۶- افراد و طبقات مختلف جامعه در نظرگاه تربیتی ائمه، از جایگاه یکسانی برخوردار بودند. یعنی برای تربیت همه می‌کوشیدند. این حق را برای همگان مسلم و قطعی می‌دانستند که اگر بخواهند از آثار تربیتی و رفتارهای ارشادی امام بهره‌مند شوند، چون باران رحمت که برای همگان و همه سرزمین‌ها نازل می‌شود، هیچ گاه احسان خود را از کسی دریغ نکردند. مگر آنکه خود نخواهد و یا شرایط سیاسی اجازه ندهد.
- ۷- از انزوا و دوری از جامعه به طور جدی پرهیز می‌کردند. بر این تلاش بودند که در متن جامعه حضور یافته و با مردم معاشرت نیکو داشته باشند. مگر آنکه حاکمان و یا شرایط پدید آمده از سوی آن‌ها اجازه ندهد. روابط اجتماعی

ص: ۷۶

نیز بر این پایه استوار بود که آن‌ها را از نادانی بیرون آورد، با وظایف دینی آشنا سازد، آخرت را به یادشان آورد، تا فضایل اخلاقی را شیوه سازند.

۸- ائمه همیشه می‌کوشیدند، جایگاه معنوی و موقعیت علمی خود را به جامعه معرفی کنند. با آنکه سلاطین بنی امیه و بنی عباس با تمام امکانات تلاش کردند که از ارتباط جامعه با اهل بیت جلوگیری کنند و آنها را در انزوای کامل سیاسی و فرهنگی قرار دهند، اما معصومین نیز هر زمان که اندک فرصتی پیش می‌آمد استفاده نموده و به هرگونه که ممکن بود، این جایگاه الهی و موقعیت علمی و معنوی خود را معرفی و نیازمندی مردم را به خود بیان می‌کردند. می‌بینیم در هر زمان که ارتباط مردم با امام بیشتر بوده، این جایگاه بیشتر معرفی شده و جامعه نیز شیفته امام شده است و ویژگی‌های الهی و معنوی و علمی ائمه بیشتر جلوه کرده است و در هر زمان که در انزوا قرار گرفتند، کمتر نقل شده است &. در سیره سیاسی به این موضوع خواهیم پرداخت \$ائمه (ع) نیز بخشی از این مسؤولیت را به شیعیان واگذار کرده‌اند.

۹- ایفای نقش تربیتی ائمه (ع) و هدایتی آن‌ها برحسب عقاید، ایمان، معرفت افراد و رابطه آن‌ها با اهل بیت، جایگاه اجتماعی افراد و گرایش آن‌ها به فضایل اخلاقی، موضع یا وابستگی افراد به درباریان و حکومتیان و ... مختلف بوده است. هرکس را درخور توانایی و آمادگی‌اش به فضایل اخلاقی دعوت کرده‌اند. برای این جهت آموزه‌های تربیتی ائمه (ع) برحسب مورد، متفاوت بوده است. این‌ها برخی از اصول کلی تربیتی ائمه (ع) بود که در زندگی آن‌ها به وفور مشاهده می‌شود.

۱۰- به پیروان خود نیز دستور می‌دادند که با دیگران یعنی با کسانی که ائمه را قبول ندارند، معاشرت نیکو داشته باشند؛ تابوتانند مبلغ خوبی‌ها و معارف اهل بیت در جامعه باشند. دل‌های دیگران را نسبت به اهل بیت نزدیک سازند. بدیهی است که اگر کسانی که اهل بیت را قبول ندارند، ائمه را بشناسند و با معارف آن‌ها و

ص: ۷۷

مقام معنوی آنان آشنا شوند، حتما پیروی می‌کنند. برای این جهت ضمن آن که می‌کوشیدند موقعیت علمی و معنوی خود را به جامعه معرفی کنند، به شیعیان نیز دستور می‌دادند به گونه‌ای با مخالفین رفتار کنند که معرف اهل بیت باشند.

وظایف شیعیان در گسترش نقش تربیتی ائمه

شیعیان نیز در معرفی جایگاه معنوی و الهی اهل بیت، نقش اساسی دارند. ضروری است که پیروان واقعی ائمه، حلقه اتصال آن‌ها با دیگر مردم باشند. از این رو اگر کسی از شیعیان در معرفی امامان معصوم به جامعه، درست عمل کرده، اجرگران سنگی دارد که آسمان‌ها با آن برابر نمی‌باشند و اگر به خطا رفته باشد، خسارت سنگینی دارد. ائمه معصومین (ع) نیز به این مورد، توجه کامل داشته و به شیعیان توصیه اکید فرموده‌اند:

معاویه بن وهب قال: قلت له کیف ینبغی لنا أن نصنع فیما بیننا و بین قومنا و بین خلطاننا من الناس & مردمی که با هم زندگی می‌کنیم \$ممن لیسوا علی أمرنا؟ فقال: تنظرون إلی أئمتکم الذین تقتدون بهم فتصنعون ما یصنعون، فوالله إنهم ليعودون مرضاهم، و یشهدون جنازتهم، و یقیمون الشهاده لهم و علیهم، و یؤدون الأمانه إلیهم &. وسائل الشیعه ۸ / ۳۹۸ / ۱۵۵۰۱ \$زید الشحام قال: قال لی أبو عبدالله (ع) اقرأ علی من تری أنه یطیعنی منهم و یأخذ بقولی السلام، و أوصیکم بتقوی الله صلوا عشائركم، و اشهدوا جنازتهم، و عودوا مرضاهم، و أدوا حقوقهم، فان الرجل منکم إذا ورع فی دینه و صدق الحدیث و أدى الأمانه و حسن خلقه مع الناس قیل هذا جعفری، فیسرنی ذلک و یدخل علی منه السرور، و قیل هذا أدب جعفر، و إذا کان علی غیر ذلک دخل علی بلاؤه و عاره، و قیل هذا أدب جعفر، والله لحدثنی أبی (ع) ان الرجل کان یكون فی القبيله من شیعه علی (ع) فیکون زینها: أدهم للأمانه، و أقضاهم للحقوق و أصدقهم

ص: ۷۸

- للحدیث إلیه وصایاهم و ودائعهم، تسأل العشیره عنه فتقول من مثل فلان إنه أذانا للأمانه، و أصدقنا للحدیث &. وسائل الشیعه ۸/ ۳۹۸ / \$ ۱۵۵۰۰ در حدیث دیگر با همین سند این مطلب نیز آمده است: ... و کونوا لنا زینا ولا یتکونوا علینا شینا، حبونا إلی الناس ولا تبغضونا إلیهم فجروا إلینا کل موده، وادفعوا عننا کل شر &. وسائل الشیعه ۸/ ۴۰۰ و در روایت دیگری آمده است:
- عن أبی عبدالله (ع) قال: أبلغ موالینا السلام، و أوصهم بتقوی الله و العمل الصالح ... و أن یتلاقوا فی بیوتهم، و أن یتفاوضوا علم الدین، فإن ذلک حیاة لأمرنا &. همان؛ السرائر / \$ ۴۸۷ این روایات، به تفصیل آورده شد چون در هر کدام از آن‌ها نکته ای بیان شده است و آنچه که از آن‌ها استفاده می‌شود، عبارت است از:
- الف. شیعیان باید در معاشرت با اهل سنت به ائمه اقتدا کنند.
- ب. ائمه با اهل سنت معاشرت نیکو داشته اند.
- ج. شیعیانی که در میان اهل سنت زندگی می‌کنند، باید در تمام امور اجتماعی آن‌ها شرکت داشته باشند و در این باره تفاوتی بین شیعه و اهل سنت قایل نشوند.
- د. شیعیان باید در جامعه اهل سنت، آن‌چنان زندگی کنند که در انجام امور خیر و نیکی و عبادت، سرآمد همه باشند تا جایی که اگر پرسش شود چه کسی بهترین است؟ مردم به او اشاره کنند.
- ه. شیعیان باید با اعمال و رفتار خوب خود، موجب سرافرازی و فخر ائمه شوند.
- و. شیعیان باید با رفتار خوب خود و پای بندی به دستورهای دین سبب شوند که دیگران به ائمه روی آورند و آن‌چنان عمل نکنند که دیگران از ائمه روی بر

ص: ۷۹

تابند و این موضوع سبب شود که نسبت به شناخت ائمه و معارف آن‌ها بیگانه بمانند. ز. شیعیان اگر به این دستورها عمل کردند و با اهل سنت این گونه معاشرت نیکو داشتند، زمینه فراهم می‌شود که معارف اهل بیت، برای آن‌ها بیان شود.

برخی از روش‌های تربیتی

اشاره

در زندگی ائمه معصومین (ع) اصولی کلی دیده می‌شود که در زندگی تمام امامان جریان داشته است. برخی از آن اصول کلی چنین است:

۱- تربیت خواص

افرادی چون سلمان، عمار، ابوذر، مقداد و حذیفه و ... در زمان پیامبر (ص) به عنوان شیعیان علی (ع) معروف بودند. این موضوع دلیل است که شخصیت معنوی و اخلاقی آن‌ها شکل گرفته از آموزه‌های تربیتی حضرت علی (ع) در زمان رسول خدا بود و آن حضرت همین افراد را در خطبه متقین، به عنوان پارسایان معرفی کرد و از آن‌ها به عنوان برادران خود یاد نمود. نقش خواص در گسترش آموزه‌های تربیتی معصومین در جامعه بسیار با اهمیت است.

۲- گسترش فرهنگ عبادت در جامعه

ائمه (ع) تنها به این عنوان به نمازهای مستحبی نمی‌پرداختند که رابطه خود را با خدا استوار سازند و شخصیت آسمانی خود را بیش از گذشته ارتقا بخشند؛ بلکه برای این جهت نیز بود که نماز و عبادت در جامعه گسترش یابد. برای همین جهت نمازهای خود را از دیگران مخفی نمی‌کردند. اشاره امام علی به سه نوع عبادت به منظور بیان جایگاه و مراتب عبادت است.

ص: ۸۰

و إِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتَلَّكَ عِبَادَةَ التَّجَارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتَلَّكَ عِبَادَةَ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتَلَّكَ عِبَادَةَ الْأَحْرَارِ & . نهج البلاغه طبعه صبحی الصالح ۵۱۰ الحکمه ۲۳۷ ط دار الهجرة قم \$

۳- دعا

تعلیم دعای کمیل و صباح و مناجات شعبانیه و ... توسط امام علی (ع) به برخی از یاران خود، به منظور تربیت آن‌ها به صورت ویژه و پرداختن به دعا و تربیت دیگران به وسیله دعا بوده است.

۴- فضایل اخلاقی

فضایل اخلاقی در زندگی ائمه به صورت تمام و کمال تجلی داشت. تمام کمالات، به طور کامل در وجود آن‌ها جمع بود. هیچ فضیلتی نبود مگر آنکه هر امامی در عصر خود مظهر کامل آن فضیلت به شمار می‌آمد. هیچ کس از آن‌ها پیشی نگرفت و هیچ ارزش معنوی از زندگی آن‌ها فرو گزار نشد. یکی از مسؤولیت‌های اساسی امامان، آشکار ساختن فضایل اخلاقی و دعوت جامعه به آن‌ها بود.

اسید بن صفوان که از اصحاب رسول خدا (ع) بود، گوید: روزی که حضرت علی (ع) رحلت کرد، مردی آمد در حالی که می‌گریست و کلمه استرجاع را بر زبان جاری می‌کرد. جلو در خانه علی ایستاد و خطاب به آن حضرت فرمود:

رحمک الله یا اباالحسن کنت اول القوم اسلاما و اخلصهم ایمانا، و اشد هم یقینا، و أخوفهم لله، و أعظمهم عناء و أحوطهم & برترین کسی که نسبت به آن حضرت تعهد داشت و احترامش را حفظ می‌کرد و حقوق آن حضرت را رعایت می‌نمود \$ علی رسول الله (ص) و آمنهم علی أصحابه، و أفضلهم مناقب، و أکرهم سوابق، و أرفعهم درجه، و أقربهم من رسول

ص: ۸۱

الله (ص) و أشبههم به هدیا و خلقا و سمتا & الهدی / سیره و روش. سمت / شیوه افراد خوب و برازنده \$ و فعلا، و أشرفهم منزله، و أكرمهم علیه &. کافی ۱ / ۴۵۴ \$ ائمه که خود مظهر کمالات معنوی بودند، می‌کوشیدند ارزش‌های معنوی و اخلاقی را در جامعه گسترش دهند.

۵- موعظه همگان با استفاده از شرایط

ائمه معصومین (ع) هیچ‌گاه از نیاز معنوی جامعه غافل نبودند. از مناسبت‌ها و شرایطی که پیش می‌آمد، خوب استفاده نموده و مردم را به ارزش‌های الهی فرامی‌خواندند و هر چه از موعظه و نصیحت لازم بود، انجام می‌دادند. برای این موضوع در کتاب‌های اخلاقی شواهد بسیار یافت می‌شود.

۶- رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی در معاشرت با دیگران

امامان معصوم، تجلی کامل ارزش‌های اخلاقی بودند و برای آنکه جامعه نیز آنان را الگوی خود قرار دهد، ارزش‌های اخلاقی را در معاشرت با دیگران به طور کامل رعایت می‌کردند. إبراهیم بن العباس قال: ما رأیت أبا الحسن الرضا (ع) جفا أحدا بكلامه قط، و ما رأیت قطع علی أحد کلامه حتی یفرغ منه، و ما ردّ أحدا عن حاجه یقدر علیها، و لا مد رجلیه بین یدی جلیس له قط، و لا اتکأ بین یدی جلیس له قط، و لا رأیته شتم أحدا من موالیه و ممالیکه قط، و لا رأیته تفل قط، و لا رأیته یقهقه فی ضحکه قط، بل کان ضحکه التبسم &. عیون اخبار الرضا ۲ / ۱۸۴ \$

۷- بیان موضوع به گونه‌ای که فراموش نشود

گاه، امامان معصوم برای آنکه موعظه بیشترین تأثیر را برجای گذارد، موضوع را در ضمن پدید آوردن یک داستان بیان می‌کردند، تا در عمق جان افراد راه یابد

ص: ۸۲

و هیچ گاه نیز فراموش نگردد.

داستان ملاقات زهری با امام سجاد، شب هنگام در مدینه، یکی از آن موارد است. وی گوید: دریک شب سرد، امام علی بن الحسین را دیدم که کیسه آرد بر دوش دارد. پرسیدم این چیست؟ فرمود می‌خواهم به سفری بروم، توشه ای فراهم کرده ام و می‌خواهم آن را در جای امنی بگذارم. عرض کردم آن را به خدمت کارم بدهید تا هر کجا که می‌خواهید ببرد. نپذیرفت. زهری گوید: اصرار کردم که خودم آن را ببرم. امام نپذیرفت و فرمود خودم را از چیزی راحت نمی‌کنم که مرا نجات می‌دهد و سبب می‌شود، و روم به آنجا که وارد می‌شوم، نیکو گردد. خواهش می‌کنم شما بروید.

زهری، چند روز بعد امام را در مدینه دید و او که فکر می‌کرد، امام می‌خواست به سفر برود، مقصود حضرت را نفهمید و موضوع را پرسید. امام پاسخ داد:

یا زهری، لیس ما ظننت، و لکنه الموت و له أستعدُّ، إنما الاستعداد للموت تجب الحرام و بذل الندی & بسیار بذل و بخشش \$ فی الخیر &. علل الشرائع ۱/ ۲۷؛ بحار الأنوار ۴۶/ ۶۵-۶۶ \$ امام، این موضوع را که بهترین توشه آخرت، بذل و بخشش و دوری از گناه است، در ضمن یک داستان بیان کرد. با آن که در نخستین ملاقات می‌توانست بفرماید اینها وسایلی است که می‌خواهم به منزل فقرا ببرم و شما آن‌ها را نمی‌شناسید.

۸- تشویق افرادی که به تعلیم و تربیت می‌پردازند

امامان معصوم، افرادی را که به کارهای خوب می‌پردازند، تشویق می‌کردند:

وقیل: إن عبد الرحمن السلمی علم ولد الحسین (ع) الحمد فلما قرأها علی أیبه عطاء ألف دینار، وألف حله، وحشا فاه دراهم، فقیل له فی ذلک فقال: و این يقع هذا من عطائه یعنی تعلیمه و أنشد الحسین (ع):

ص: ۸۳

إذا جادت & سخاوتمندی نمود \$الدنيا علیک فجد بها علی الناس طرا قبل أن تتفلت & پیش از آن که ازین برود و دور انداخته شود \$

فلا الجود یفنیها إذا هی أقلت ولا البخل یقیها إذا ماتولت & مناقب ابن شهر آشوب ۳/ ۲۲۲؛ بحار الأنوار ۴۴/ ۱۹۱ \$ هیچ تردیدی نیست که فرزندان ائمه (ع) نیاز نداشتند که توسط دیگران آموزش ببینند و این اقدام امام (ع)، جز برای گسترش تعلیم قرآن در جامعه و ارزش‌گذاری به فرهنگ تعلیم و تربیت نبود؛ تا نخست ارزش آموزش را بیان کرده باشد و در ثانی از آن شخص تشکر نموده، او را تشویق کرده باشد تا دیگران نیز به آن روی آورند و در ضمن، سخاوتمندی خود را نیز به اثبات رسانده باشد. امامان معصوم می‌خواستند به مناسبت‌های مختلف به دیگران کمک شود و بدیهی بود که این مورد نیز بهانه‌ای برای کمک به آن شخص بود و گرنه فرزند امام نیاز نداشت که قرآن را از او بیا موزد ن‌رذا از او بیا موزد آ. پس این اقدام امام پیش از آنکه پاداش کار آن شخص باشد، نشان سخاوتمندی امام است. این هدف، در مفهوم شعر امام به خوبی بیان شده است.

۹- تشویق افرادی که به نیکی و احسان می‌پردازند

و اجتاز & گذر کرد \$الحسن (ع) یوماً علی غلام أسود بین یدیه رغیف یا کل منه لقمه و یدفع لکلب کان عنده لقمه أخری، فقال له الإمام: ما حملک علی ذلک؟ فقال الغلام: إني لأستحي أن آکل و لأطعمه &. البدایه والنهایه ۸/ ۳۸ \$ آن شخص، هر چند در ظاهر برده بود اما روحی آزاد داشت که جز به بندگی خداوند نمی‌پرداخت. امام او را از بردگی آزاد ساخت و باغی نیز به او بخشید و پیام داد که این افراد باید آزاد باشند و ثروت نیز در اختیار آنها باشد، تا دیگر بندگان و آفریده‌شدگان خداوند نیز از خوان نعمت آنها برخوردار گردند.

۱۰- سپاس از افرادی که اظهار محبت کرده‌اند

در مواردی بعضی از افراد چیزی به امامان می‌بخشیدند و آن‌ها نیز به گونه‌ای از او سپاس‌گزاری می‌کردند که برایشان، قابل‌تصور نبود.

فقد روی عن أنس أنه قال: كنت عند الحسين فدخلت عليه جارية بيدها طاقه ريحان فحيتته بها، فقال لها: أنت حرّه لوجه الله تعالى و انبهر & تعجب کرد \$ آنس و قال: جارية تج.....بطاقه ريحان & يك دسته گياهي كه بوي خوش داشت \$ فتعنتها؟! فقال (ع): كذا أدبنا الله، قال تبارك و تعالى: (وَ إِذَا حُيْتُمْ بِبِحَيْهِ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا)، و كان أحسن منها عنتها &. الفصول المهمه ۱۷۵. كشف الغمه ۲/ ۳۱، بحار الأنوار ۴۴/ ۱۹۵/ ۸ عوالم العلوم: ۱۷/ ۶۴، أعيان الشيعة ۴/ ۰۴ (در بحار، این داستان درباره امام حسن (ع) نیز نقل شده است \$)

۱۱- تشویق افرادی که از آیات قرآن استفاده می‌کردند

و جنى غلام له (الحسين ع)) جنایه توجب العقاب علیه فأمر بتأديبه أن يضرب فقال: يا مولاي قال الله تعالى (وَ الْكَافِرِينَ الْغَيْظَ) قال (ع): خلوا عنه فقد كظمت غيظي، فقال: يا مولاي (وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ) قال (ع): قد عفوت عنك، فقال: يا مولاي (وَ اللَّهُ يَجِبُ الْمُحْسِنِينَ) قال: أنت حر لوجه الله تعالى، و أجازته بجائزه سنیه & الفصول المهمه ۲/ ۷۶۹؛ كشف الغمه ۲/ ۳۱، الفصول المهمه ۶۸ مع اختلاف يسير، وأعيان الشيعة ۴/ ۵۳. مختصر تاريخ دمشق ۱۷/ ۲۴۰ \$.

مشابه همین داستان درباره امام سجاد (ع) نیز نقل شده است:

كانت له (على بن الحسين) جارية تسكب على يديه الماء إذا أراد الوضوء للصلاه، فسقط الإبريق من يدها على وجهه الشريف فشجّه، فبادرت الجارية قائله: إن الله عزّوجلّ يقول: (وَ الْكَافِرِينَ الْغَيْظَ & آل عمران ۳/ ۱۳۴) \$ و أسرع الإمام قائلاً: كظمت غيظي، و طمعت الجارية في حلم الإمام و نبله، فراحت تطلب منه المزيد قائله: (وَ الْعَافِينَ

ص: ۸۵

عَنِ النَّاسِ) فقال الإمام (ع): عفا الله عنك، ثم قالت: (وَ اللَّهُ يَجِبُ الْمُحْسِنِينَ) فقال (ع) لها: اذهبي فأنت حرة &. الإرشاد ۱۴۶ / ۲؛ مختصر تاریخ دمشق ۱۷ / ۲۴۰، أمالی الصدوق ۱۶۸ / ۱۲، مناقب ابن شهر آشوب ۴ / ۱۵۷، البحار ۶۸: ۳۷ / ۴۶. تاریخ الطبری ۶ / ۴۲۸، کامل ابن الأثیر ۴ / ۵۲۶، مناقب آل أبي طالب ۴ / ۱۵۷، تاریخ دمشق ۳۶ / ۱۵۵ مختصر تاریخ دمشق ۱۷ / ۲۴۰، سیر أعلام النبلاء ۴ / ۳۹۷، نهاییه الارب ۲۱ / ۳۲۶\$ این احتمال بسیار است که این داستان در زندگی ائمه تکرار شده باشد.

۱۲- دستوره‌های خاص به افراد ویژه

امامان از این غافل نبودند که برای تربیت بیشتر یاران خود دعا و نماز و عبادت ویژه‌ای را به آن‌ها آموزش دهند. برخی از دعاهایی که روایت شده، مواردی بوده که امام، آن را به یکی از خواص خود آموخته است &. مراجعه شود به الصحیفه الصادقیه، تألیف باقر شریف القرشی \$ دستور امام سجاده، به شخصی که جلو در خانه شخص ثروتمندی نشسته بود و او را به مسجد پیامبر برد. و مِمَّا رواه المؤرخون: أَنَّهُ (علی بن الحسین) اجتاز علی رجل جالس علی باب رجل ثریّ فبادره الإمام قائلاً: ما یقعدک علی باب هذا المترف الجبار؟ فقال الرجل: البؤس (أی: الفقر)، فقال له (ع): قم فارشدک إلی باب خیر من بابه و إلی ربّ خیر لک منه ... و نهض معه الرجل إلی مسجد رسول الله (ص) و علّمه ما یعمله من الصلاه و الدعاء و تلاوه القرآن و طلب الحاجه من الله و الالتجاء إلی حصنه & دژ استوار و نگهدارنده \$ الحریز &. حیاة الإمام زین العابدین (علیه السلام) درسه و تحلیل: ۱ / ۹۳\$

۱۳- کرامت

ائمه (ع)، در برخی موارد که لازم بود، برای هدایت بعضی و تثبیت عقیده برخی به کرامت یا معجزه متوسل می‌شدند. شقیق بن ابراهیم بلخی گوید: در سال ۱۴۹ به حج رفتم. در قادسیه به فزونی جمعیت می‌نگریستم. جوانی نیکوسیم را دیدم که لباس پشمی بر روی

ص: ۸۶

لباس‌هایش پوشیده و نعلینی در پا دارد و تنها در گوشه‌ای نشسته است. با خود گفتم حتما از طایفه صوفیه است و می‌خواهد باری بر دوش مردم باشد. خوب است بروم، او را نصیحت و ملامت کنم. نزدیک رفتم. وقتی مرا دید، فرمود: یا شقیق! اجْتَبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ & الحجرات / ۱۲\$ مرا وا گذاشت و رفت. این موضوع برایم بزرگ آمد. گفتم چه کسی بود که از نیتم خیر داد و مرا به نام صدازد؟ درحالی که مرا نمی‌شناخت. این شخص جزبنده صالح خدا نبود. می‌روم تا او را بیابم و از این موضوع پرسم با شتاب در پی او رفتم اما از نظرم پنهان شد و او را ندیدم تا به واقعه رسیدم. آن جا دیدم که نماز می‌گذارد، درحالی که بدنش می‌لرزد و اشکش جاری است. با خود گفتم این همان شخص است نزدش می‌روم و از نیتی که درباره اش داشتم، بخشش می‌طلبم. منتظر ماندم تا از نمازش فارغ شد و نشست. به سوی او رفتم اما پیش از آن که سخن بگویم رو به من کرد و فرمود یا شقیق! بخوان: وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى & طه / ۸۲\$ بار دیگر مرا وا گذاشت و از نظرم ناپدید شد. یقین کردم او از ابدال است چون دوبار از نیتم خبر داد. چون به رمال رسیدیم بار دیگر او را بر سرچاه آب دیدم که می‌خواست آب بردارد. ظرفی که در دست داشت از دستش به داخل چاه افتاد و من به او می‌نگریستم. نگاهی به آسمان کرد و فرمود:

أنت ربی إذا ظمئت من الماء و قوتی إذا أردت الطعاما

اللهم سیدی ما لی سواها فلا تعدمنیها.

شقیق گوید: به خدا سوگند دیدم آب چاه جوشید و بالا آمد و ظرفش را با دست گرفت و آب نوشید و وضو گرفت. چهار رکعت نماز خواند و سپس به سمت تپه‌اش رفت. شن‌ها را با دست به داخل ظرفش می‌ریخت و حرکت می‌داد و تبدیل به آب گوارا می‌شد و می‌نوشید. نزدش رفتم و سلام کردم و جواب داد.

ص: ۸۷

عرض کردم آنچه که خداوند به شما روزی کرده است، به من هم بدهید. فرمود: یا شقیق! نعمت‌های خداوند همیشه به صورت پنهان و آشکار بر ما نازل می‌شود. گمانت را نسبت به خداوند نیکوگردان. سپس ظرف را به من داد درحالی که پر از سویق & یک نوع غذای بسیار لذیذ که با آرد گندم می‌پختند \$ و شکر بود. به خدا قسم آن چنان معطر و خوش طعم بود که درطول عمرم غذایی همانند آن نخورده بودم. هم سیرشدم، هم سیراب. پس از آن تا مدتی نیاز به غذا و آب نداشتم تا اینکه به مکه رسیدیم. نیمه شبی او را نزدیک قبه آب خوری دیدم که با حالت خشوع و گریه نماز می‌خواند. درحال نماز بود تاوقت نماز صبح نزدیک شد. درمصلاش نشست و مشغول تسبیح شد تا نمازصبح را خواند و سپس هفت بارطواف کرد و ازمسجد الحرام بیرون رفت و من هم درپی اورفتم. دیدم خدمت کاران و همراهان بسیاردارد و برخلاف آنچه که می‌پنداشتم، بود. مردم دور او جمع شدند و بر او سلام می‌کردند. از کسی پرسیدم: ایشان کیست؟ پاسخ داد این جوان، موسی بن جعفر بن محمد (ع) است. باخودگفتم: شگفت نیست که این شگفتی‌ها جز برای همانندایشان نمی‌باشد &. صفه‌الصفوه ۲ / ۱۲۵ / ۱۹۱؛ الفصول المهمه / ۲۳۱. وی گوید این داستان را ابن جوزی درمسیرالعزم و جنابذی درمعالم العتره النبویه و رامهرمزی درکرامات الاولیاء آورده اند (\$) این داستان را اهل سنت نقل کرده اند و در درستی آن تردید نیست و می‌توان از زاویه‌های مختلف به آن نگریست: زهد، عبادت، حج، معجزه، موقعیت اجتماعی امام و احترام مردم به آن حضرت و دعوت به کتاب خدا و اخلاق نیکو و بیان امامت و

در این خصوص در کتاب‌هایی که ویژه معجزات می‌باشند & از جمله: نوادر المعجزات. مناقب، ابن شهر آشوب؛ الخراج والخراج \$ و دیگر کتاب‌ها، موارد بسیاری نقل شده است &. مراجعه شود به بحار الانوار تاریخ زندگی ائمه \$

ص: ۸۸

۱۴- عفو و گذشت

بخشش، یکی از ویژگی‌های برازنده ائمه بوده است. آنها هیچ گاه درصدد انتقام بر نیامدند و با کسانی که مرتکب خطا می‌شدند و یا توهین می‌کردند، کریمانه رفتار می‌نمودند. به گونه‌ای که آنها به امامت و یا جایگاه بلند معنوی ائمه اعتراف می‌کردند.

و عن رجل من ولد عمار بن یاسر قال: کان عند علی بن الحسین قوم فاستعجل خادماً له بشواء & کباب \$ کان له فی التنور. فأقبل به الخادم مسرعاً و سقط السفود & وسیله کباب پختن \$ من یده علی بنی لعلی أسفل الدرجه & پله \$ فأصاب رأسه فقتله فقال علی للغلام: أنت حر، لم تعمده و أخذ فی جهاز ابنه &. صفه الصفوی ۱ / ۷۱ / ۱۶۵؛ مطالب السنول / ۴۲۰ \$ لامام الحسن (ع) قال: لو شتمنی رجل فی هذه الاذن- و أوماً الی الیمنی- و اعتذر لی فی الیسری لقبلت ذلك منه، و ذلك أن أمير المؤمنين علی بن أبی طالب (ع) حدثنی أنه سمع جدی رسول الله (ص) یقول: لا یرد الحوض من لم یقبل العذر من محق أو مبطل &. إحقاق الحق: ۱۱ / ۴۳۱ \$ ذهبی گوید: قلت: إن صحت، فهذا غایه الحلم و السماحه &. سیر اعلام النبلاء ۶ / ۲۷۱ \$

۱۵- خوبی در برابر بدی‌های دیگران**اشاره**

بنی امیه پس از آنکه به حکومت رسیدند، نخستین اقدامی که انجام دادند، تبلیغ گسترده بر ضد خاندان رسول خدا (ص) بود. این اقدام آن‌ها زمینه دشمنی افراد بسیار را در جامعه نسبت به اهل بیت پیامبر (ع) فراهم کرد و خاندان زبیر نیز با اهل بیت پیامبر سرسنگین بودند. برخی از بازماندگان خلفا نیز دشمنی

ص: ۸۹

آن‌ها را در دل داشتند. بنی عباس نیز همان سیاست بنی امیه را با گستردگی بیشتری ادامه دادند و افرادی نیز بودند که نسبت به ائمه حسادت می‌ورزیدند. در نتیجه افرادی آگاهانه و بسیاری دیگر ناآگاهانه به دشمنی پرداختند و در مواردی نیز این دشمنی را اظهار می‌کردند و به ائمه (ع) دشنام می‌دادند. ائمه (ع) نیز از این موقعیت استفاده نموده و مسئولیت تربیتی خود را درباره این افراد به خوبی ایفا می‌کردند. در نتیجه برخی هدایت شده و به صف یاران اهل بیت می‌پیوستند.

بدیهی است که ائمه (ع) مصداق کامل «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» & فرقان ۶۳/۲۵\$ بودند که باید با بازماندگان فکری به گونه‌ای رفتار می‌کردند که هدایت می‌شدند. این رفتار ائمه در گستره سیره و آموزگاری مبین موضوعات مهم ذیل بود.

اول: معصومین، مصداق روشن آیات قرآن از جمله وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ بودند.

دوم: عمل به قرآن در وجود آن‌ها تجلی کامل داشت.

سوم: پیروان اهل بیت نیز باید در رفتار با مخالفان نقش تربیتی و هدایتی را فراموش نکنند. افرادی که به دشمنی با اهل بیت می‌پرداختند، از گروه‌های مختلف بودند.

۱- امویان

تیره امویان همیشه با اهل بیت پیامبر، دشمن بودند اما در روز درماندگی به اهل بیت پیامبر پناه می‌بردند و ائمه نیز به آنها پناه می‌دادند. چنان که مروان در جریان قیام مردم مدینه بر ضد امویان از امام زین العابدین (ع) کمک خواست که خانواده او را پناه دهد و امام نیز آنها را پناه داد و به ینب نزد خانواده خود فرستاد &. تاریخ الطبری ۴/ ۳۷۲ \$

ص: ۹۰

و بار دیگر به یک حاکم معزول اموی در روز درماندگی محبت کرد، درحالی که او با امام دشمن بود. هشام بن اسماعیل استاندار مدینه بود و همیشه امام زین العابدین را آزار می‌داد تا اینکه ولید، او را عزل کرد و دستور داد بر هر کسی ستم کرده است، شکایت کنند. او می‌گفت من از هیچ کسی جز علی بن الحسین نگران نیستم. او را جلو خانه مروان نگه داشته بودند تا هر کس از سوی او ستم دیده، شکایت کند. امام به تمام بستگان و پیروان خود دستور داد که متعرض او نشوند. وقتی امام از آنجا که او بازداشت شده بود، گذشت، وی فریاد کرد: اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ. در روایت دیگری آمده که امام زین العابدین نامه ای فرستاد و فرمود اگر نیاز مالی داری، بگو. ما آنچه که تو بخواهی داریم و از ناحیه ما و پیروان ما نیز آسوده خاطر باش و هشام فریاد کرده: اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ &. بحار الأنوار ۴۶ / ۹۴؛ مناقب ابن شهر آشوب ۳ / ۳۰۱؛ تاریخ الطبری \$

۲- بازماندگان خلفا

از دیگر افرادی که با امامان دشمن بودند و آزار می‌دادند، بازماندگان برخی از خلفا بودند و ائمه (ع) ناسزای آنها را نیز با محبت پاسخ می‌دادند:

یحیی بن حسن و افراد دیگری گفته اند: یکی از نوادگان عمر بن خطاب در مدینه بود و امام موسی بن جعفر (ع) را دشنام می‌داد و اذیت می‌کرد. برخی به امام پیشنهاد کردند اجازه دهید او را بکشیم. امام شدیداً آنها را از این کار منع کرد. مرد عمری در حومه مدینه مشغول زراعت بود. یک روز امام در حالی که سوار بر مرکب بود، به سوی او رفت. امام، همانطور که سوار بر مرکب بود، از روی محل زراعت مرد گذشت. مرد عمری فریاد کرد: زراعت مرا زیر پا له کردید ولی امام اعتنا نکرد تا نزد او رسید، پیاده شد و نشست و با خوش رویی پرسید:

ص: ۹۱

زراعت چه مقدار ضرر دید؟ پاسخ داد صد دینار. امام پرسید. انتظار داشتی چه مقدار محصول از زراعت، به دستت برسد؟ پاسخ داد: غیب نمی‌دانم. امام فرمود: من پرسیدم انتظار داشتی چه مقدار برایت حاصل داشته باشد؟ گفت: امید می‌رفت دوپست دینار کسب کنم. امام سیصد دینار به او داد و فرمود این قیمت زراعت و آنچه از زراعت نیز که زیر پا له شده بود، به حال اول برگشت. آن مرد عمری بلند شد و پیشانی امام را بوسید و امام برگشت. وقتی امام به مسجد رفت، او را آنجا دید که نشسته است. وقتی نگاهش به امام افتاد، فریاد کرد: اللَّهُ أَغْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ. کسانی که پیش از این با او هم عقیده بودند، نزدش رفتند و پرسیدند داستان چیست که از موسی بن جعفر ستایش می‌کنی؟ او با آنها گفتگو و استدلال می‌کرد. از آن پس هر وقت امام به مسجد می‌رفت و یا خارج می‌شد، او امام را دعا می‌کرد. امام به پیروان خود فرمود: حالا بهتر شد یا آن گونه که شما می‌خواستید؟ من به این صورت وضعیت او را اصلاح کردم &. تاریخ بغداد ۱۳ / ۲۸ / ۶۹۸۷؛ سیر اعلای مالنبلاء ۶ / ۲۷۱ (قلت، إن صحت، فهذا غایه الحلم والسماحه \$)

۳- فریب‌خوردگان

چنانکه شخصی از مردم شام، به مدینه رفته بود و به امام حسن (ع) دشنام داد. روی المبرّد و ابن عائشه: أَنْ شَامِيًّا رَأَاهُ رَاكِبًا فَجَعَلَ يَلْعَنُهُ وَ الْحَسَنَ لَا يَرِدُ، فَلَمَّا فَرَغَ أَقْبَلَ الْحَسَنَ (ع) فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ ضَحِكَ، فَقَالَ: أَيُّهَا الشَّيْخُ! أَظَنَّاكَ غَرِيبًا؟ وَ لَعَلَّكَ شَبِهُتَ، فَلَوْ اسْتَعْتَبْنَا أَعْتَبْنَاكَ & اگر رضایت بطلبی، راضی می‌گردانیم، \$ و لو سَأَلْتَنَا أَعْطَيْنَاكَ، و لو اسْتَرَشَدْتَنَا أَرَشَدْنَاكَ، و لو اسْتَحْمَلْتَنَا & مرکب سواری بخواهی، به شما می‌دهیم \$ حملناكَ، و إن كُنْتَ جَائِعًا أَشْبَعْنَاكَ، و إن كُنْتَ عَرِيانًا كَسَوْنَاكَ، و إن كُنْتَ مَحْتَاجًا أَغْنَيْنَاكَ، و إن كُنْتَ طَرِيدًا & رانده شده \$ آویناكَ، و إن كَانَ لَكَ حَاجَةٌ قَضَيْنَاهَا

ص: ۹۲

لگك، فلو حرّكت رحلگك إلینا و كنت ضیفنا الی وقت ارتحالگك كان أعود علیگك، لأنّ لنا موضعاً رحباً & خانه وسیع و مال فراوان دارم \$ و جاهاً عریضاً و مالاً كثیراً. فلمّا سمع الرجل كلامه بكی، ثم قال: أشهد أنّك خلیفه الله فی أرضه، و الله أعلم حیث یجعل رسالتّه، و كنت أنت و أبوك أبغض خلق الله إلیّ، و الآن أنت أحبّ خلق الله إلیّ &. العوالم (الإمام الحسن): ۱۲۱ نقلًا عن المناقب: ۱۸۴/۳) این روایت را عایشه نیز نقل کرده است. قالت: دخل رجل من أهل الشام المدینه فرأى رجلاً راكبا علی بغله حسنه قال: لم أرا أحسن منه، فمال قلبی إلیه فسألته عنه فقیل لی: إنه الحسن بن علی. فامتلاً قلبی غیظاً وحنقاً و حسداً أن یكون لعلی ولد مثله، فقلت إلیه فقلت: أنت ابن أبی طالب؟ فقال: (أنا ابنه). فقلت: أنت ابن من ومن ومن، وجعلت أشتمه و أنال منه (ومن أبیه و هو ساكت، حتی استحییت منه) فلما انقضی كلامی ضحكك وقال: (أحسبك غریبا شامیا). فقلت: أجل. فقال: (فمل معی، إن احتجت إلی منزل أنزلناك و إلی مال أرفدناك و إلی حاجه عاوناك). فاستحییت و الله منه و عجبته من كرم خلقه فانصرفت و قد صرت أحبه مالا-أحب غیره. العوالم (الإمام الحسن): ۱۲۱ نقلًا عن المناقب: ۱۸۴/۳ \$ و نال منه (امام سجاد) رجل یوما فجعل یتغافل عنه- یریه أنه لم یسمعه- فقال له الرجل: إیاك أعنی، فقال له علی: و عنك أغضی.

عبدالغفار بن القاسم قال: كان علی بن الحسین خارجاً من المسجد فلقیه رجل فسبه فثارت إلیه العبید و الموالی فقال علی بن الحسین: مهلاً عن الرجل. ثم أقبل علی الرجل فقال: ما ستر عنك من أمرنا أكثر. ألگك حاجه نعنیک علیها؟ فاستحیا الرجل. فألقى علیه خمیصه & ثوب أسود مربع \$ كانت علیه و أمرله بألف درهم فكان الرجل بعد ذلك یقول: أشهد إنك من أولاد الرسول &. صفه الصفوه ۱/ ۷۱؛ البدایه و النهایه ۱۲۳/۹ مطالب السؤل / ۴۲۰ \$ كلمه (علی بن الحسین) رجل فافترى علیه فقال: إن كنا كما قلت فنستغفر الله، و إن لم نكن كما قلت فغفر الله لك. فقام إلیه الرجل فقبل رأسه و قال: جعلت فداك، لیس كما قلت أنا فاغفر لی: قال: غفر الله لك. فقال الرجل: الله أعلم حیث یجعل رسالتّه &. صفه الصفوه ۱۶۵/۱۶۸ \$ دربارہ امام کاظم (ع) چنین روایت شده:

ص: ۹۳

كان موسى بن جعفر ... و كان يبلغه عن الرجل أنه يؤذيه فيبعث إليه بصره & بسته یا کیسه پول \$ فيها ألف دينار، و كان يصر الصرر ثلاثمائة دينار، و أربعمائه دينار، و مائتي دينار، ثم يقسمها بالمدينة. و كان مثل صرر موسى بن جعفر إذا جاءت الإنسان الصره فقد استغنى &. تاريخ بغداد ۱۳ / ۲۷ / ۶۹۸۷؛ وفيات الأعيان: ۵ / ۳۰۸ / ۷۴۶، وكنز اللغه: ۷۶۶، الأنوار البهيه: ۱۹۰. سير اعلام النبلا ۶ / ۲۷۰ \$

۴- حسادت

برخی افراد از روی حسادت، با امام سر ناسازگاری داشتند.

وقف على على بن الحسين (ع) رجل من أهل بيته فأسمعه و شتمه، فلم يكلمه، فلما انصرف قال لجلسائه: قد سمعتم ما قال هذا الرجل، و أنا أحب أن تبلغوا معي إليه حتى تسمعوا ردى عليه قال: فقالوا له: نفعل، و لقد كنا نحب أن تقول له و نقول، قال: فأخذ نعليه و مشى و هو يقول: وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. فعلمنا أنه لا يقول له شيئاً، قال: فخرج حتى أتى منزل الرجل فصرخ به فقال: قولوا له: هذا على بن الحسين قال: فخرج إلينا متوثباً للشر & به گونه‌ای که می‌خواست با یک اقدام ناگوار و انتقام جویانه مقابله کند، \$ و هو لا يشك أنه إنما جاءه مكافئاً & تلافی کند و انتقام بگیرد \$ له على بعض ما كان منه، فقال له على بن الحسين (ع): يا أخي إنك كنت قد وقفت على أنفاً فقلت و قلت، فإن كنت قلت ما فى فأستغفر الله منه، و إن كنت قلت ما ليس فى فغفر الله لك قال: فقبل الرجل ما بين عينيه و قال: بل قلت فيك ما ليس فيك، و أنا أحق به &. الإرشاد ۲ / ۱۴۵ بحار الانوار ۴۶ / ۹۵ (به اختصار)؛ سير اعلام النبلاء ۴ / ۳۸۹ (به اختصار)؛ صفه الصفوه ۱ / ۱۶۵ / ۶۶؛ مطالب السؤل / ۴۱۰؛ مختصر تارسیخ دمشق ۱۷ / ۲۴۴) قال الراوى: والرجل هو الحسن بن الحسن (\$) برخی دیگر از روش‌های تربیتی ائمه (ع) در فصل‌های دیگر این کتاب بیان شده است. اینها برخی از روش‌های تربیتی ائمه (ع) بود که برای تربیت جامعه

ص: ۹۴

از آن‌ها استفاده می‌کردند.

۱۶ تذکر به افرادی که مرتکب خطا شدند یا انحراف فکری داشتند

امامان معصوم، برخی موارد خطا را به افراد ویژه تذکر می‌دادند تا از انحراف عملی و خطای فکری آن‌ها جلوگیری شود.
 روی آن ابراهیم بن مهزم الأسدی قال: قدمت المدینه، فأتیت باب أبی عبدالله (ع) أستفتحه فدنت جاریه لفتح الباب، فقرصت ثدیها،
 ودخلت فقال: یا ابن مهزم أما علمت أن ولايتنا لاتنال إلا بالورع، فأعطیت الله عهداً أنى لأعود إلى مثلها أبداً &. بحار الأنوار ۴۷/
 ۱۰۱\$ عن عبدالعزیز قال: كنت أقول بالربوبیه فیهم، فدخلت علی أبی عبدالله (ع) فقال: یا عبدالعزیز ضع ماء أتوضأ ففعلت، فلما دخل
 يتوضأ قلت فی نفسی: هذا الذی قلت فیہ ما قلت يتوضأ، فلما خرج قال: یا عبدالعزیز لاتحمل علی البناء فوق ما يطیق، فیهدم، إنا عبید
 مخلوقون &. بحار الأنوار ۴۷/۱۰۷\$

مفضل بن عمر قال: كنت أنا و خالد الجوان، و نجم الحطیم، و سلیمان بن خالد علی باب الصادق (ع) فتكلمنا فیما يتكلم فیہ أهل
 الغلو، فخرج علينا الصادق (ع) بلا حذاء و لا رداء و هو ينتفض و يقول: یا خالد! یا مفضل! یا سلیمان! یا نجم! لا، بل عبادٌ مُكْرَمُونَ لا
 یسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ یَعْمَلُونَ & سوره الأنبياء الآیه: ۲۶. \$ و قال صالح بن سهل: كنت أقول فی الصادق (ع) ما تقول الغلاة،
 فنظر إلى فقال: ویحکک یا صالح إنا و الله عبید مخلوقون، لنا رب نعبد، و إن لم نعبد عذبتنا &. بحار الأنوار ۴۷/۱۲۵، المناقب ج ۳
 ص ۳۴۷\$

خلاصه و نتیجه

فلسفه بعثت پیامبران و امامت امامان، تربیت جامعه بود. ائمه در خصوص تربیت جامعه، از تمام امکانات موجود استفاده نموده و شیوه‌های مختلف را به کار بردند تا جایگاه تربیتی خود را به خوبی ایفا کنند. برخی شیوه‌های تربیتی چنین بود: تربیت خواص، گسترش فرهنگ عبادت، دعا، دعوت به فضایل اخلاقی، نصیحت افراد با توجه به موقعیت و شرایط روحی آنها، موعظه به شکل ویژه، تشویق افراد به تعلیم و تربیت، تشویق افرادی که نیکی می‌کردند، تشویق افرادی که از آیات قرآن استفاده می‌کردند، دستورهای ویژه به افراد به خصوص، عفو و گذشت، نیکی در برابر بدی‌های دیگران. تذکر به افراد به خصوص در باره خطای فکری و عملی که مرتکب شدند.

ص: ۹۶

پرسش‌های این فصل

- ۱- اهداف شناخت سیره تربیتی ائمه.
- ۲- پیامبر، جایگاه تربیتی ائمه را چگونه معرفی کرد؟
- ۳- اصول کلی تربیتی ائمه کدام هستند؟
- ۴- مبانی کلی نقش تربیتی ائمه کدام است؟
- ۵- وظیفه شیعیان، در معرفی و تحقق جایگاه تربیتی امامان چیست؟
- ۶ داستان شقیق بلخی را شرح دهید و چه مطالبی از آن داستان استفاده می‌شود؟
- ۷- چه کسانی با ائمه دشمن بودند و امامان معصوم با آنها چگونه رفتار می‌کردند؟ دو نمونه را توضیح دهید.

فصل چهارم سیره خانوادگی

پیش درآمد

سیره خانوادگی در راستای همان سیره تربیتی قرار دارد. اساساً تربیت، از خانواده آغاز می‌شود. شناخت سیره خانوادگی ائمه در عصر حاضر، که نظام خانوادگی در حال فروپاشی می‌باشد، امری لازم و ضروری است. راهکارهای اساسی در تربیت خانوادگی را باید در زندگی امامان جستجو کرد و با شناخت نمونه‌های عینی، دستورهای عملی آنها را دستور العمل زندگی در محیط خانواده قرارداد و جامعه را از بحرانی که در پی فروپاشی نظام خانوادگی پدید آمده است، نجات داد.

اکثر آنچه که در سیره فرهنگی و اجتماعی امامان جریان داشت، در سیره خانوادگی نیز جریان دارد. چه آنکه خانواده، حلقه کوچکی از جامعه است. از آنجا که امامان معصوم، مظهر عبادت، فضایل اخلاقی و عدالت بودند، این سه اصل در زندگی خانوادگی آنها نیز تجلی آشکار داشت و تربیت را از محیط خانواده آغاز کردند.

چنانکه خداوند در آیه شریفه فوق و آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» به پیامبر دستور داد که دعوتش را از بستگان نزدیک آغاز کند. همین دستور به امامان نیز داده شده که باید تربیت جامعه را از خانواده و بستگان نزدیک آغاز کنند. از این جهت تمام معصومین (ع) دعوت به نماز و عبادت خداوند، در محیط خانه را یک اصل قرارداد بودند. همچنان که خود به نماز و عبادت می‌پرداختند، دیگر اعضای خانواده را نیز به آن دستور می‌دادند.

تربیت از خانواده و با نماز آغاز می‌شود

تردیدی نیست که نماز، نقش بنیادی در تربیت افراد و زندگی اجتماعی دارد. به همین جهت، دین اسلام با نماز آغاز شده است و نخستین دستوری که داده شد و نخستین عبادتی که تشریح گردید، نماز بود. افزون بر آن، خداوند نیز به پیامبر دستور داد که اعضای خانواده را به نماز دعوت کند. آنجا که فرمود:

وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطَبِرْ عَلَيْهَا &. طه ۱۳۲ / ۲۰ \$

نماز، مهم ترین عبادت است. تربیت از محیط خانواده و با نماز آغاز می‌شود. خداوند به پیامبر، چنین دستور داد:

وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطَبِرْ عَلَيْهَا لَنْسَأَلَكَ رِزْقًا نَحْنُ نَزُوقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى &. طه ۱۳۲ / ۲۰ \$

لقمان حکیم به فرزندش، چنین دستور داد:

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اضْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ &. لقمان ۱۷ / ۳۱ \$

روایت ابوبصیر از ام حمیده درباره اهمیت نماز & وسائل الشیعه ۱۷ / ۳ \$.

قرآن

تلاوت، خواندن و فهمیدن قرآن، در زندگی یک اصل اساسی است. اسلام، بدون قرآن شناخته نمی‌شود و زندگی بدون قرآن، سامان نمی‌یابد. پرداختن به قرآن در زندگی امامان جایگاه ویژه داشته است.

ص: ۱۰۱

امام باقر (ع)، و کان یجمع ولده و یأمرهم بذكر الله حتى تطلع الشمس، كما كان يأمرهم بقراءة القرآن، و من كان لا یقرأ منهم کان یأمره بذكر الله تعالی &. فی رحاب أئمه أهل البيت (ع) ۷/۴. ۳۴/۶\$ معاویه بن عمار قال: قلت لأبی عبدالله (ع): الرجل لا یرى أنه صنع شیئا فی الدعاء و القراءة، حتى یرفع صوته، فقال: لا- بأس إن علی بن الحسین] کان أحسن الناس صوتا بالقرآن، و کان یرفع صوته حتى یسمعه أهل الدار، و إن أباجعفر (ع) کان أحسن الناس صوتا بالقرآن، و کان إذا قام من اللیل، و قرأ رفع صوته فیمر به مار الطریق من السقائین و غیرهم، فیقومون فیستمعون إلى قراءته &. بحار الأنوار ۱۹۴/۸۹ سرائر/ ۴۷۶\$ روی أن لأبی عبد الله (ع) کان مولی یقال له مسلم و کان لا یحسن القرآن، فعلمه فی ليله فأصبح و قد أحکم القرآن &. بحار الأنوار ۱۰۱/۴۷\$ عن عبد الله بن موسی، عن أبیه، عن جده قال: كانت أمی فاطمه بنت الحسین (ع) تأمرنی أن أجلس إلى خالی علی بن الحسین (ع)، فما جلست إليه قط إلا قلت بخیر قد أفدته، إما خشیه لله تحدث لله فی قلبی لما أرى من خشيته لله، أو علم استفدته منه &. بحار الأنوار ۷۳/۴۶\$.

نیکی به پدر و مادر

خداوند برخی پیامبران را در قرآن با این عنوان ستوده است که نسبت به پدر و مادر، مهربان و خدمت گزار بودند. بدیهی است ائمه (ع) که تجلی عمل به قرآن بودند، برای پدر و مادر، احترام بسیار قایل بودند. به خصوص که پدر، امام معصوم بود و مادر نیز کسی بود که خداوند، تربیت ولی خود را به او کرامت کرده بود.

دعای امام سجاد (ع) درباره پدر و مادر چنین است.

ص: ۱۰۲

و اخصص اللهم والدی بالکرامه لدیگ و الصلاه منگک یا أرحم الراحمین ... و ألهمنی علم ما یجب لهما علیّ إلهاماً، و اجمع لی علم ذلک کله تماماً، ثم استعملنی بما تلهمنی منه، و وقّنی للنفوذ & توفیق عمل به آن علم عنایت کن \$ فیما تبصرنی من علمه ... اللهم اجعلنی أهابهما هیبه السلطان العسوف، و أبرهما برّ الأم الرؤوف &، از آنها چون سلطان قدرتمند بیمناک باشم و همانند مادر مهربان به آنها نیکی کنم \$ و اجعل طاعتی لوالدی و برّی بهما أقرّ لعینی من رقه الوسنان & شیرین تر از خواب برای چشم تشنه خواب، \$ و أثلج لصدری من شربه الظمان & تشنگی، \$ حتی أوتر علی هوای هواهما، و أقدم علی رضای رضاهما، و استکثر برّهما بی و إن قلّ، و استقلّ برّی بهما و إن کثر، اللهم خفّض لهما صوتی، و أطب لهما کلامی، و ألن لهما عریکتی & اخلاق و رفتارم را با آنها نیکو گردان، \$ و اعطف علیهما قلبی، و صیرنی بهما رقیقاً و علیهما شفیقاً ... اللهم لا تُسنی ذکرهما فی أذبار صلواتی، و فی إناء من آناء لیلی، و فی کل ساعه من ساعات نهاری ... اللهم صلّ علی محمد و آله، و اغفر لی بدعائی لهما، و اغفر لهما برّهما بی & ... الصحیفه السجادیه، دعاؤه لأبویه. \$ ۳۷ / ۶. مطالب فوق، گرچه در قالب دعا بیان شده، اما در واقع بیان وظایف فرزند، نسبت به پدر و مادر است. پیام‌های این دعا چنین است:

نخست باید شناخت که وظیفه فرزند، نسبت به پدر و مادر چیست. شناخت وظیفه، نخستین مرحله تکلیف پذیری و انجام تکلیف است.

این وظیفه شناسی باید جوشش درونی داشته باشد. اینکه که دیگران بگویند که چه وظیفه ای نسبت به پدر و مادر داریم، کفایت نمی‌کند و وظیفه شناس نمی‌شویم. باید از خدا خواست که وظایف ما را نسبت به آنها به ما

ص: ۱۰۳

بشناساند و این وظیفه شناسی را در درون ما قرار دهد و این معرفت، باید معرفت الهی باشد و از طریق شریعت شناخته شود تا بتوان به آن ملتزم شد و انجام داد.

از خدا خواست که در انجام این وظیفه به ما کمک نماید، چه آنکه انسان، بی استمداد از خداوند در انجام هیچ کاری موفق نمی‌شود.

انجام وظیفه توأم با احساس عاطفی و درونی باشد که از یک سو پدر و مادر، نزد فرزند، اقتدار داشته باشند و از سوی دیگر این اقتدار موجب ترس در فرزند نشود که وظایف خود را برای ترس از مجازات انجام دهد. بلکه از سرحترام و محبت و دوستی انجام گردد. دو عامل انجام وظیفه یعنی اقتدار و محبت باید توأم باشند تا فرزند احساس نکند که پدر و مادر در جایگاه اجتماعی با او برابر هستند و این گونه تصور کند که آن‌ها مقام بسیار بلند و ارجمند اجتماعی دارند. این احساس، سبب می‌شود که فرزند وقتی در حضور پدر و مادر قرار دارد، احساس فکر کند که با افرادی رو به روست که هم ردیف و یا زبردست او نیستند. در نتیجه مواظبت است که مرتکب اعمال و رفتاری نشود که بی احترامی به پدر و مادر به شمار آید و اگر محبت می‌کند، با انگیزه ترحم نیز نباشد. فرمان برداری از پدر و مادر را بر خود لازم و واجب بداند. چنانکه فرمان بردن از دستورات حکومت لازم است، اطاعت از پدر و مادر نیز واجب است.

فرمان برداری و خدمت به پدر و مادر، برایش شیرین ولذت بخش باشد و این چنین نباشد که از سر اکراه انجام دهد. باید از فرمان برداری پدر و مادر، احساس خوشنودی و شادمانی کند. نسبت به والدین آن چنان باشد که خواسته‌های آنها را بر خواسته‌های خود ترجیح دهد.

رفتار با پدر و مادر، باید با نیکو ترین اخلاق باشد نه از نوع رفتار برادر و خواهر با یکدیگر بلکه رفتار نیک فرمان بردار نسبت به فرمان روا که باید توأم با اطاعت و محبت باشد.

ص: ۱۰۴

ت باید نزد خداوند در حق آن‌ها دعا کرد و این نعمت را سپاس گفت و باید این دعا را استمرار بخشید. یعنی همیشه در حق آن‌ها دعا کرد و خود را مدیون آن‌ها دانست. ائمه نسبت به پدر و مادر، بسیار مهربان بودند. داستان امام زین العابدین (ع) که به مادرش احترام می‌گذاشت، معروف است & اعلام الهدایه ۳۷/۶\$ امام صادق (ع) گوید: هر شب رخت خواب پدرم را آماده می‌کردم و منتظر بودم تا از مسجد بیاید. هر وقت می‌آمد و استراحت می‌کرد، من هم استراحت می‌کردم. یک شب تا دیروقت نیامد. ناگزیر به مسجد رفتم تا ببینم کجاست. زمانی بود که مسجد خالی شده بود و جز پدرم کسی آنجا نبود. صدای مناجاتش را شنیدم که سر بر سجده گذاشته بود و می‌گفت: سبحانک اللهم، أنت ربی حقاً حقاً، سجدت لگک یا رب تعیداً و رقماً، اللهم إن عملی ضعیف فضاعفه لی ... اللهم فنی & فعل امر از وقایه است، یعنی مرا از عذابت نگهدار \$عذابگک یوم تبعث عبادگک، و تب علیٰ إنگک أنت التواب الرحیم &. کافی ۳/۳۲۳\$

حقوق والدین

حقوق والدین، از دستورهای بسیار اکید دین است. در بسیاری از آیات قرآن نیز به این موضوع تأکید شده است. وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا &. اذیٰ سراء ۱۷/۲۳\$.

ص: ۱۰۵

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا & عنكبوت ۸ / ۲۹ \$ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا & الاحقاف ۴۶ / ۱۵ \$ در ستایش حضرت یحیی فرمود: وَبِرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا &. مریم ۱۴ / ۱۹ \$ این آیات، دلیل بر مقام والدین، نزد فرزند است که اجرای آن نه مستحب نه واجب کفایی است بلکه در هر زمان واجب عینی است. ائمه (ع) نیز بر این موضوع دستورهای بسیار داده اند.

إبراهیم بن مهزم قال: خرجت من عند أبي عبد الله (ع) ليلة ممسيا فأتيت منزلي بالمدينة، و كانت أمي معي، فوقع بيني وبينها كلام، فأغلظت لها، فلما أن كان من الغد صليت الغداة، و أتيت أبا عبد الله (ع) فلما دخلت عليه فقال لي مبتدئا: يا أبا مهزم ما لك و الوالده أغلظت في كلامها البارحة، أما علمت أن بطنها منزل قد سكتته، و أن حجرها مهد قد غمزته، و ثديها وعاء قد شربته؟ قال: قلت: بلى قال: فلا تغلظ لها &. بحار الأنوار ۴۷ / ۷۲ \$.

صله رحم

صله رحم از موضوعاتی است که در محیط و روابط خانوادگی، بسیار جریان دارد. امامان معصوم (ع) بر این موضوع بسیار اهتمام می‌ورزیدند. خود پیش قدم بودند و شیعیان را بر انجام آن دستور می‌دادند:

داود الرقی قال: دخلت على أبي عبد الله (ع) فقال لي: يا داود أعمالكم عرضت على يوم الخميس فرأيت لك فيها شيئا فرحني، و ذلك صلتك لابن عمك، أما إنه سيمحق أجله و لا ينقص رزقك قال داود: و كان لي ابن عم ناصب، كثير العيال

ص: ۱۰۶

محتاج، فلما خرجت إلى مكة أمرت له بصله، فلما دخلت على أبي عبدالله (ع) أخبرني بهذا &. بحار الأنوار ۹۲ / ۴۷ \$ عن میسر قال: قال أبو عبدالله (ع): یا میسر لقد زید فی عمرگ، فأی شیء تعمل؟ قال: كنت أجیرا و أنا غلام بخمسه دراهم، فكنت أجریها علی خالی &. بحار الأنوار ۷۸ / ۴۷ \$

فرزندان

محیط خانه برای اعضای خانواده، به منزله مدرسه بود و هر امام معصوم (ع) در همین محیط و همین مدرسه تربیت می شد و تجلی تربیت خانوادگی امام، پیش از خود است. فرزندان ائمه که بسیاری از آن‌ها در مرتبه عصمت قرار داشتند، نتیجه و آثار همین اهتمام به تربیت اعضای خانواده بود.

سفارشاتى که امام معصوم به فرزندان خود داشته اند و آن‌ها را به فضایل اخلاقی و کمالات معنوی دعوت کرده اند، بسیار است.

نامه امام علی (ع) به امام حسن (ع) معروف است:

فإني أوصيكَ بتقوى الله - أي بني - و لزوم أمره و عماره قلبك بذكره ... و أحي قلبك بالموعظه & ... نهج البلاغه نامه ۳۱ \$ امام سجاد (ع) فرمود: یا بُنِی، انظر خمسَةً فلاتصاحبهم و لاتحادثهم و لاتُرافقهم فی طریق فقال له ولده: من هم؟ قال (ع): إِيَّاكَ و مصاحبه الكذّاب، فَإِنَّهُ بَمَنْزِلَةِ السَّرَابِ، يَقْرَبُ لَكَ الْبَعِيدَ و يَبْعَدُ لَكَ الْقَرِيبَ. و إِيَّاكَ و مصاحبه الفاسق، فَإِنَّهُ بَايَعَكَ بِأَكْلِهِ أَوْ أَقْلٍ مِنْ ذَلِكَ. و إِيَّاكَ و مصاحبه البخيل، فَإِنَّهُ يَخْذُلُكَ فِي مَالِهِ، و أنت أحوج ماتكون إليه. و إِيَّاكَ و مصاحبه الأحمق، فَإِنَّهُ يَرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ.

ص: ۱۰۷

و إِبْرَاهِيمَ و مصاحبه القاطع لرحمه، فإِنِّي وجدته ملعوناً في كتاب الله &. اصول کافی: ۲ / ۳۷۶، والاختصاص: ۲۳۹، وتحف العقول: ۲۷۹، والبدايه والنهائيه: ۹ / ۱۰۵ \$ قال (ع): يا بُنَيَّ، اصبر على النائبه & مصيبت ، \$ ولا تتعرض للحقوق، ولا تجب أخاك إلى شيء مضرته عليك أعظم من منفعتك لك & ... البيان والتبيين: ۲ / ۷۶، العقد الفريد: ۳ / ۸۸ \$ وقال (ع): يا بُنَيَّ، ... و اعلم أن خير الآباء للأبناء من لم تدعه المودّه إلى التفريط فيه، و خير الأبناء للآباء من لم يدعه التقصير إلى العقوق له &. العقد الفريد: ۳ / ۸۹ \$ فرزندان ائمه همیشه از نظر دانايي، فقاهاهت، تقوا، فضایل اخلاقی، خدمت گزارى به جامعه، رهبرى جريان‌هاى سياسى، امر به معروف و خوبى‌هاى ديگر، برازنده و سرآمد بودند. اين براى آن بود که در خانه معصوم و تحت تربيت امام معصوم قرار داشتند. سفارش امام على (ع) به امام حسن مجتبی (ع) و سفارش ديگر امامان به فرزندان خود، دليل بر اين است که تربيت فرزندان، وظيفه سنگين الهی است که بر دوش پدران گذاشته شده است و هيچ پدری نبايد از تربيت فرزندان خود غفلت نمايد.

آسایش اعضای خانواده

ائمه برای تأمین هزینه زندگی اعضای خانواده، کار می کردند. داستان کار کردن امام باقر (ع) در مزرعه که به زهری فرمود: کار می کنم تا خودم و اعضای خانواده ام محتاج کسی مثل تو نباشد، معروف است. لو جاءني الموت و أنا على هذه الحالة جاءني و أنا في طاعة من طاعه الله عزوجل، أكفُّ بها نفسي و عيالي عنك و عن الناس &. کافی: ۵ / ۷۳ - ۷۴ \$.

ص: ۱۰۸

هرچند که تمام امامان معصوم، زهد و پارسایی را در زندگی شخصی یک اصل قرارداد بودند و از نظر رفاهی به حد اقل اکتفا می‌کردند، اما آن چنان نبود که برای زهدی که خود می‌بایست داشته باشند، دیگر اعضای خانواده را در مضیقه قرار دهند و زهد را بر آن‌ها تحمیل کنند. بلکه می‌کوشیدند و سایل رفاه و آسایش آن‌ها را نیز در حد لازم فراهم سازند. چنانکه درباره امام سجاد (ع) نقل شده:

كان الإمام زين العابدين (ع) من أرف الناس و أبرهم و أرحمهم بأهل بيته، و كان لا يميز عليهم، و قد اثر عنه أنه قال: لئن أدخل إلى السوق و معي درهم ابتاع بها ليعالي لهما و قد قرموا & قرموا / اشتد شوقهم \$ أحب إلي من أن أعتق نسمة &. بحار الأنوار: ۴۶ / ۶۷ عن كافي: ۱۲ / ۲ \$ عاصم بن زياد از اصحاب اميرالمؤمنين (ع) در كوفه بود. زهد پيشه نمود و انزوا اختيار كرد و لباس‌های ساده پوشيد. برادرش ربيع بن زياد جريان را به حضرت علي (ع) گزارش نمود و عرض كرد او با اين كارش خانواده و فرزندانش را اندوهگين ساخته است. حضرت او را فراخواند. وقتی آمد حضرت از شدت ناراحتی چهره درهم كرد و فرمود:

أما استحييت من أهلك، أما رحمت ولدك؟ أترى الله أحل لك الطيبات و هو يكره أخذك منها؟ أنت أهون على الله من ذلك، أو ليس الله يقول: وَ الْأَرْضَ وَ ضَمَّهَا لِلْأَنْفَامِ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ & الرحمن ۱۰ / ۵۵ و ۱۱ ؟ \$ أو ليس يقول: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (إلى قوله): ي خُرُجٌ مِنْهُمَا اللَّوْؤُ وَ الْمَرْجَانُ & الرحمن ۱۹ / ۵۵ و ۲۰ \$. فبالله لا يتبدال نعم الله بالفعال & زياد به كار گرفتن نعمت‌های خداوند \$ أحب إليه من ابتدالها بالمقال و قد قال الله عزوجل: وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ & الرحمن ۲۲ / ۵۵ \$. فقال عاصم يا أميرالمؤمنين فعلى ما اقتصرت في مطعمك على الجشوبه و

ص: ۱۰۹

فی ملبسگ علی الخشوبه & غذای خشک که به سختی خورده می‌شود و لباس‌های خشن که پوشیدنش سخت است؟ \$فقوال: و یحک إن الله تعالی فرض علی أئمه العدل أن یقدروا أنفسهم بضعفه الناس کیلا یتبیغ & غلبه نکند \$بالفقیر فقره، فألقى عاصم بن زیاد العباء و لبس الملاء &. کافی ۱/ ۴۱۰ بحار الأنوار ۴۱/ ۱۲۳. (الملا یک نوع لباس \$)

انجام کارهای شخصی

کمک به اعضای خانواده در انجام کارهای منزل در برخی موارد، یک وظیفه اخلاقی و در بسیاری موارد، وظیفه شرعی و دینی است. نخست، هر کس باید کارهای شخصی خود را خودش انجام دهد و توقع نداشته باشد که دیگران انجام دهند. بعضی افراد چنین عادت کرده‌اند که مرتب به اعضای خانواده دستور می‌دهند که کارهای شخصی او را انجام دهند و در پاره‌ای موارد اگر انجام ندادند، آن‌ها را مؤاخذه می‌کنند و ممکن است همراه با ضرب و شتم هم باشد. در حالی که آنان چنین وظیفه‌ای نداشته‌اند. چنین شخصی که به اعضای خانواده دستور می‌دهد که کارهای شخصی او را انجام دهند، در اصل دستور دادن گناه کرده‌اند، چه رسد به اینکه اگر انجام ندادند، آن‌ها را مؤاخذه کنند.

و إنه (علی بن احسین (ع)) کان لایحب أن یعینه علی طهوره أحد و کان یستقی الماء لظهوره و یخمره قبل أن ینام، فإذا قام من اللیل بدأ بالسواک، ثم توضأ ثم يأخذ فی صلاته، و کان یقضی ما فاته من صلاه نافله النهار فی اللیل، و یقول: یا بنی لیس هذا علیکم بواجب، و لکن أحب لمن عود منکم نفسه عاده من الخیر أن یدوم علیها و کان لایدع صلاه اللیل فی السفر و الحضر &. بحار الأنوار ۴۶/ ۹۸. \$

کمک به اعضای خانواده

امامان معصوم در محیط خانه، اگر کاری را به دیگران محول می‌کردند و آن‌ها از انجام آن ناتوان بودند و یا برایشان دشوار بود، شخصا به آن‌ها کمک می‌نمودند.

فضاله عن ابن فرقد عن أبي عبدالله (ع) قال في كتاب رسول الله: إذا استعملتم ما ملكت أيمانكم في شيء فیشق عليهم فاعملوا معهم فيه، قال: و إن كان أبي ليأمرهم فيقول: كما أنتم، فيأتي فينظر فإن كان ثقیلاً قال: بسم الله ثم عمل معهم و إن كان خفيفاً تنحى عنهم. &بحار الأنوار ۴۶ / ۳۰۳ \$.

با خدمت‌کاران و افراد زیردست

افرادی که به عنوان برده و یا کمک کار در خانه ائمه زندگی می‌کردند، پس از مدتی حاضر نبودند آن محیط را ترک کنند و جای دیگری بروند و حتی اگر آزاد می‌شدند باز هم نمی‌خواستند از محیط زندگی ائمه دور شوند. یکی از آن افراد، زیدبن حارثه بود که در خانه پیامبر زندگی می‌کرد. وی پس از آزادی حاضر نشد از نزد پیامبر برود. گرچه بستگانش آمده بودند تا او را ببرند. وی آن چنان مورد محبت پیامبر بود که در جایگاه فرزند پیامبر قرار داشت.

علاقمندی این گونه افراد به امامان معصوم جز برای آن نبود که محیط به ظاهر کوچک خانه ائمه، برای آن‌ها مدرسه ای بزرگ بود. یکی از اهدافی که امامان معصوم، از خریداری بردگان و سپس آزاد سازی آن‌ها داشتند، همین تربیت آن‌ها بود. امامان معصوم، به افرادی که کمک کار خانه بودند، به عنوان فرزند خطاب می‌کردند و نهایت محبت را نسبت به آن‌ها داشتند.

ص: ۱۱۱

و قد كان له (امام سجاد (ع)) مملوگ فدعاه مَرْتين فلم يجبه، و في الثالثة قال له الإمام برفق و لطف: يا بُنَيَّ، أما سمعت صوتي؟ قال: بلى ...، فقال له (ع): لِمَ لَمْ تُجِبْنِي؟ فقال: أمنت منك، فخرج الإمام و راح يحمد الله و يقول: الحمد لله الذي جعل مملوکی یا مننی &.

الإرشاد ۱۴۷/۲، و مناقب آل أبي طالب ۴/ ۱۷۱؛ تاریخ دمشق ۳۶/ ۱۵۵. و مراجعه شود به بحار الأنوار ۹۲/۴۶ \$ هر چند در این زمان، این سخن کاربرد ندارد اما دلیلی است برای این که در محیط خانه با افراد زیر دست چگونه باید رفتار کرد و چنان نباشد که جو ترس بر محیط خانه حاکم شود.

دخل سفیان الثوری علی الصادق (ع) فرآه متغیر اللون فسأله عن ذلك فقال: كنت نهيت أن يصعدوا فوق البيت، فدخلت فإذا جارية من جوارى ممن تربى بعض ولدی قد صعدت فی سلم و الصبی معها، فلما بصرت بی ارتعدت و تحيرت و سقط الصبی إلى الأرض فمات، فما تغير لونی لموت الصبی و إنما تغير لونی لما أدخلت علیها من الرعب، و كان (ع) قال لها: أنت حره لوجه الله لا بأس علیک - مرتین &. بحار الأنوار ۲۴/۷ \$.

احترام به همه و عدم تبعیض

از مواردی که در تربیت افراد، بسیار مؤثر بود، عدم تبعیض بین افراد بود و نخست اینکه نباید تبعیض قایل شد یعنی به برخی بسیار احترام گذاشت و شخصیت برخی دیگر را تحقیر کرد و معتقد بود که با افراد زیر دست و خدمت کار نباید برسر یک سفره نشست. این موضوع در عرف جامعه قدیم و جدید بسیار رایج است. اما ائمه (ع) با افراد زیر دست و خدمت کار چنان رفتار می کردند که آنها احساس می کردند از اعضای خانواده امام هستند و امام آنها را دوست دارد. ائمه به شخصیت آنها احترام می گذاشتند و چنان رفتار می کردند که آنان

ص: ۱۱۲

احساس نکنند امام برای خود امتیاز قایل است و یا آن‌ها را بیگانه می‌داند. این موضوع، آثار تربیتی بسیاری داشت تا جایی که بسیاری از آن‌ها دوست نداشتند از محیط خانه امام جدا شوند ..

یاسر الخادم قال: كان الرضا (ع) إذا كان خلا جمع حشمه كلهم عنده الصغير و الكبير فيحدثهم و يأنس بهم و يؤنسهم، و كان (ع) إذا جلس على المائدة لا يدع صغيرا و لا- كبيرا حتى السائس و الحجام إلا- أقعده معه على مائدته &. عيون أخبار الرضا ۲ / ۱۵۸، بحار الأنوار ۴۹ / ۹۰ \$ عبدالله بن الصلت عن رجل من أهل بلخ قال: كنت مع الرضا (ع) في سفره إلى خراسان فدعا يوما بمائده له فجمع عليها موالیه من السودان و غیرهم، فقلت: جعلت فداك لو عزلت لهؤلاء مائده فقال: مه إن الرب تبارك و تعالی واحد و الأم واحده و الأب واحد و الجزاء بالاعمال &. کافی ۴ / ۲۴؛ بحار الأنوار ۴۹ / ۱۰۰ \$

ساده زیستی

ساده زیستی در محیط خانه از دیگر شیوه‌های امامان بود.

عن أبي عباد، قال: كان جلوس الرضا (ع) في الصيف على حصير و في الشتاء على مسح و لبسه الغليظ من الثياب حتى إذا برز للناس تزين لهم &. عيون أخبار الرضا ۲ / ۱۷۹ \$

خلاصه و نتیجه

تربیت از محیط خانواده آغاز می‌شود. گرچه شناخت این موضوع، برای شناخت راهکارهای عملی در زندگی امروز و نقش خانواده در شکل‌گیری جامعه امر ضروری و بنیادی است، اما روایات در این خصوص اندک است. در عین حال احترام به والدین، اهتمام به تربیت فرزندان، گسترش فرهنگ عبادت در محیط خانه، تلاش برای رفاه و آسایش اعضای خانواده، احترام به شخصیت خدمت‌کاران، کمک به اعضای خانواده و خدمت در کارهای خانه، انجام کارهای شخصی، ساده زیستی، عفو، گذشت رفتاری و صلح و رحمت از موارد مهم سیره معصومین در خانواده بوده است.

پرسش‌های این فصل

چرا باید تربیت از محیط خانواده شروع شود؟

چهار مورد از موارد مهم دعای امام سجاد (ع) درباره والدین را بیان کنید.

تجارب مورد از سفارشات امام سجاد (ع) به فرزندش را توضیح دهید. سفارش‌های امام علی (ع) به امام حسن مجتبی (ع) دلیل

برچه موضوعی می‌شود؟

سیره ائمه در رابطه با مسایل رفاهی خانواده چه بود؟

از داستانی که سفیان ثوری درباره امام صادق (ع) نقل کرده، چه مطالبی استفاده می‌شود؟

امام رضا (ع) در مورد این موضوع که باید همه بر سر یک سفره غذا بخوریم، به چه چیز استدلال کرد؟

فصل پنجم سیره اقتصادی

پیش درآمد

اقتصاد، یکی از ارکان زندگی دنیوی است. اقتصاد، به مفهوم درآمد و مصرف در زندگی فردی و اجتماعی و رابطه دین و دولت، اخلاق و سیاست و حتی دنیا و آخرت، رابطه متقابل و تعامل دوسویه دارد. هم تأثیر می‌گذارد و هم تأثیر می‌پذیرد. به این جهت، اقتصاد در دین اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. تکلیف‌های عبادی و تکلیف‌های اقتصادی با هم تشریح شده و کنارهم آمده‌اند. این دستور چه بسیار در قرآن تکرار و از آن یاد شده است: *أَقِمْوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ*. نماز برپا دارید و زکات پرداخت کنید. اقتصاد، در زندگی معصومین (ع)، یکی از ابزارهای عبادت، تربیت و خدمت به مردم بود. ائمه، به دلیل این اقدام‌ها، بسیار ستوده شده و به عنوان اوصاف برازنده آنها یاد شده است.

مبانی کلی

مبانی سیره اقتصادی امامان، امور ذیل می‌باشد که به عنوان روح کلی بر تمام روابط اقتصادی و جریان‌های زندگی امامان جاری بوده و در تمام موارد به وضوح مشاهده می‌شود.

۱- زندگی مادی هدف نیست. اقتصاد باید وسیله زندگی و عبادت خداوند باشد.

ص: ۱۱۸

۲- همه معصومین، بدون استثناء زندگی زاهدانه داشته‌اند. زهد و پارسایی از دستوره‌های اکید خداوند به ائمه بود که باید آن را در زندگی شخصی رعایت می‌کردند. زهد به مفهوم ناداری نیست، بلکه نفی رفاه طلبی، خوش گذرانی و پرداختن به لذت‌های دنیوی است.

۳- تمام معصومین در عین حال که زندگی زاهدانه داشتند، از نظراقتصادی نیز در مضیقه نبودند.

۴- رسیدگی به امور مردم و حل مشکل اقتصادی دیگران، یکی از اوصاف برجسته امامان بود. در این خصوص، تفاوتی بین دوست و دشمن و حتی مسلمان و کافر قایل نبودند. این اقدام را به عنوان یکی از وظایف امامت و رهبری جامعه و خدمت به انسان‌ها انجام می‌دادند.

۵- خدمات‌های اقتصادی خود را به نیازمندان هیچ گاه بامنت و تحقیر شخصیت آن‌ها توأم نمی‌کردند و با افراد نیازمند با احترام رفتار می‌نمودند.

۶- در برابر انفاق‌های خود، هیچ گونه انتظار و توقع دنیوی نداشتند. چنین نبود که انتظار داشته باشند تا آن‌ها نیز از ائمه پیروی کنند، به دفاع پردازند، یا متقابلاً جبران کنند.

۷- در موارد بسیاری می‌کوشیدند که شناخته نشوند تا کسانی که از انفاق‌های مالی برخوردار می‌شوند، ندانند که چه کسی به آن‌ها انفاق کرده است. این بود که پس از رحلت آن امام می‌فهمیدند شخصی که شبانگاه آرد و نان به در خانه‌هاشان می‌آورده، امام بوده است.

۸- هیچ امامی نزد هیچ ثروتمند یا خلیفه و حاکم و حکومتیان، اظهار نیازمندی نکرد و از هیچ کس چه برای زندگی شخصی خود و چه برای نیازمندان درخواست کمک نکرد. اگر در مواردی از آن‌ها پول گرفته است، به عنوان ولی امر الهی بوده که تصرف در بیت المال حق آسمانی آن‌ها بوده است.

ص: ۱۱۹

- ۹- معصومین به ساختمان سازی پرداختند. هیچ بنایی به عنوان موقوفه، عام المنفعه، مدرسه و غیره به نام ائمه ثبت نشده است. اما حفرقات، احداث باغ و مزرعه، خرید نخلستان و وقف آن و ... بسیار گزارش شده است.
- ۱۰- کاردر مزرعه، نخلستان و کشاورزی توسط معصومین بسیار نقل شده است. امامانی که در مدینه می زیستند، هر کدام باغ و ملک شخصی داشتند که خود نیز در آن کار می کردند و نیازهای شخصی خود و خانواده را از این طریق تأمین می کردند.
- ۱۱- کار و فعالیت‌های اقتصادی را به منزله عبادت و انجام وظیفه دینی می دانستند. در نتیجه، آن فعالیت‌ها، لحظه‌ای امامان را از یاد خدا غافل نساخت و هیچ کاستی در نماز و عبادت‌های شبانه ایشان ایجاد نکرد.
- ۱۲- در برخی موارد که لازم بود، تمام نیاز مالی نیازمندان را برطرف می کردند. مثلاً اگر دین کسی را پرداخت می کردند، مازاد بردین نیز چیزی برای زندگی او می بخشیدند. اگر راه مانده‌ای چیزی می خواست، آن مقدار می بخشیدند که تمام نیازهای سفر او را تا رسیدن به موطن و منزلش تأمین کنند.
- ۱۳- در موارد بسیاری معصومین (ع)، نیازمندان را شناسایی می کردند و به سراغ آن‌ها می رفتند تا نیازهایشان را برطرف کنند.
- ۱۴- به دیگران به ویژه پیروان خود نیز دستور می دادند که انفاق کنند.
- ۱۵- ثروتمندی و انفاق را وسیله برتری خود بر دیگران نمی دانستند.
- ۱۶- چنین برمی آید که به دنبال بهانه ای بودند تا به دیگران کمک کنند. از این رو با کمترین تقاضای دیگران و بدون مناسبت خاصی انفاق می کردند.
- اینها مواردی از سیره اقتصادی بود که در زندگی تمام امامان جریان داشت.
- اما سیره امامان در برابر جریان‌های اقتصادی حاکم بر جامعه و پدید آمده از سوی سلاطین و اسراف و تبذیر حکومتیان، درباریان و ثروتمندان و حیف و میل بیت المال و بذل و بخشش‌های ظالمانه که توسط حکومت انجام می شد، کم و بیش

ص: ۱۲۰

ناشناخته ماند. اما اندکی از آن در دوران حکومت امام علی (ع) و در فلسفه قیام امام حسین (ع) ظاهر شد. با مطالعه این دو جریان برداشت می‌شود که ائمه (ع) در خصوص تقسیم و مصرف بیت المال چه شیوه‌ای داشته‌اند. در مجموع، سیره اقتصادی ائمه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

سیره حکومتی یا نظام اقتصادی

اشاره

نظام اقتصادی اسلام را می‌توان از آیات قرآن، روایات معصومین، سیره عملی رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) به خوبی شناخت. در کتاب‌های فقهی نیز در این خصوص بحث شده است. تردیدی نیست که اگر نظام حاکم بر جامعه در اختیار افراد صالح و شایسته باشد، نظام اقتصادی نیز سامان می‌یابد و از منابع طبیعی، ذخیره‌های زیرزمینی و درآمدهای دیگر به صورت بایسته استفاده می‌شود. به ویژه اگر آن شخص پیامبر یا امام معصوم باشد. در سیره امام علی (ع) این موارد مورد توجه بوده است:

۱- بهره‌وری بیشتر از منابع اقتصادی و احیای ذخایر طبیعی

إن الإمامه أس الاسلام النامي & بلندمرتبه و پرثمر، \$ و فرعه السامی & علا و ارتفع، \$ بالإمام تمام الصلاة و الزكاه و الصيام و الحج و الجهاد، و توفير الفیء و الصدقات & ... کافی ۱/ ۲۰۰ \$ أيها الناس ... فأما حثكم علی فالنصيحه لكم، و توفير فيثكم & ... نهج البلاغه خطبه ۳۴؛ شرح نهج البلاغه ۲/ ۱۹۰ ۱۸۹ \$.

۲- عمارت و آبادانی زمین

درباره عمارت و آبادانی زمین، روایات بسیار رسیده است. از جمله:

ص: ۱۲۱

امام علی (ع) به مالک اشتر چنین دستور داد:

و تفقد أمر الخراج بما يصلح أهله فإن فی صلاحه و صلاحهم صلاحاً لمن سواهم، و لا صلاح لمن سواهم إلا بهم لأن الناس کلهم عیال علی الخراج و أهله. و لیکن نظرگک فی عماره الأرض أبلغ من نظرگک فی استجلاب الخراج لأن ذلك لا یدرگک إلا بالعماره. و من طلب الخراج بغير عماره أخرج البلاد و أهلک العباد، و لم یستقم أمره إلا قليلاً، فإن شکوا ثقلاً أو عله أو انقطاع شرب أو باله أو إحاله أرض اغتمرها غرق أو أجحف بها عطش خففت عنهم بما ترجو أن یصلح به أمرهم. و لا یثقلن علیک شیء خففت به المؤمنه عنهم، فإنه ذخر یعودون به علیک فی عماره بلادک و تزیین ولایتک، مع استجلابک حسن ثنائهم و تبجحک باستفاضه العدل فیهم & افتخار است برای شما که عدالت را گسترش دادید. \$. فإن العمران محتمل ما حملته، و إنما یؤتی خراب الأرض من إعواز & وضعیت نابسامان مردم \$ أهلها و إنما یعوز أهلها لإشراف أنفس الولاة علی الجمع، و سوء ظنهم بالبقاء، و قله انتفاعهم بالعبر & نهج البلاغه نامه / ۵۳ \$ این مطالب کلی از این فراز، استفاده می‌شود:

گرفتن مالیات، باید سبب اصلاح امور مادی و معنوی مالیات دهندگان و مردم گردد. امور مردم، زمانی سامان خواهد یافت که امور مالیات دهندگان اصلاح شده باشد.

تلاش برای آبادانی زمین باید بیش از تلاش برای جمع آوری ثروت و مالیات باشد.

هر حکومتی اگر بخواهد مالیات را بدون عمران و آبادانی به دست آورد، دوام نمی‌آورد.

ص: ۱۲۲

تدریعی که مردم، دچار بحران اقتصادی شده‌اند و یا بلایای طبیعی، کشاورزی را دچار کاستی و آفت کرده است، باید مالیات را تخفیف داد. تخفیف مالیات، ذخیره ای است که سبب آبادانی زمین و حمایت مردم خواهد شد. عمران، قدرت پرداخت مردم را بیشتر خواهد کرد. خرابی زمین و ناداری مردم، جز آن نیست که در پی آزمندی حاکمان پدید می‌آید.

۳- عدم انباشتن بیت‌المال بدون برنامه‌ریزی

یکی از موضوعاتی که درسیره اقتصادی امام علی (ع) مشاهده می‌شود، عدم انباشتن بیت‌المال است. اگر اموالی از جایی می‌رسید و مردم هم نیازمند بودند آن را در اسرع وقت تقسیم می‌کرد. کان (ع) إذا أتى بالمال أدخله بيت مال المسلمين، ثم جمع المستحقين، ثم ضرب يده في المال فنثره يمنه و يسره و هو يقول: يا صفراء يا بيضاء لا تغريني، غري غيري ... ثم لا يخرج حتى يفرق ما في بيت مال المسلمين و يؤتي كل ذي حق حقه ثم يأمر أن يكنس و يرش، ثم يصلی فيه ركعتين، ثم يطلق الدنيا ثلاثا يقول بعد التسليم: يا دنيا لا تتعرضين لي و لا تتشوقين (إلي) و لا تغريني، فقد طلقتك ثلاثا لا رجعه لي عليك &. أمالی الصدوق / ۱۷۰؛ بحار الأنوار ۱۰۳ / ۴۱؛ العقد الفرید ۵ / ۶۲) يُقسم بيت المال في كل جمعه حتى لا يبقى منه شيئاً؛ شرح نهج البلاغه ۲ / ۱۹۹) يكنس بيت المال كل جمعه، و يصلی فيه ركعتين، و يقول: ليشهد لي يوم القيامة، و مرا جعه شود به: أمالی الشيخ / ۲۵۷ و ۲۵۸؛ بحار الأنوار ۱۰۷ / ۴۱ \$

۴- رسیدگی به امور نیازمندان

حضرت علی (ع) زمانی که در کوفه بود، شخصا به امور نیازمندان رسیدگی می‌کرد و به در خانه‌های آنها مواد غذایی مورد نیاز را می‌برد.

ص: ۱۲۳

حبيب بن أبى ثابت قال: جاء إلى أمير المؤمنين (ع) عسل و تين من همدان و حلوان، فأمر العرفاء & افرادی که مردم را می‌شناسند \$ أن یأتوا بالیتامی، فأمكنهم من رؤوس الأرزاق & مشک \$ یلعقونها، و هو یقسمها للناس قدحا قدحا، فقیل له: یا أميرالمؤمنین ما لهم یلعقونها؟ فقال: إن الإمام أبو الیتامی، و إنما ألعقتهم هذا برعايه الآباء &. فروع کافی ۴ / ۳۱ و ۳۲؛ بحار الأنوار ۴۱ / ۱۲۳ \$

۵- واگذاری مسؤلیت‌ها به افراد مورد اعتماد

اشاره

استانداران را از افراد امین و مورد اعتماد انتخاب کرد. از برخی که اندک خطایی مشاهده کرد، تذکر داد. نامه امام علی (ع) به عثمان بن حنیف معروف است و به آنها نیز دستور داد که کارگزاران و مشاوران را از افرادی امین و خدمت گزار انتخاب کنند و لیاقت‌های معنوی را در واگذاری مسؤلیت‌ها مورد توجه قرار دهند. نامه امام علی (ع) به مالک اشتر در این خصوص است. ثم انظر فی أمور عمالک فاستعملهم اختبارة & آزمودن، \$ و لاتولهم محاباه و أثره & با رابطه و علاقه شخصی ... \$ و توخ & جستجو و شناسایی کن \$ منهم أهل التجربه و الحیاء من أهل البیوتات الصالحه و القدم فی الاسلام المتقدمه، فإنهم أكرم أخلاقا، و أصح أعراضا، و أقل فی المطامع إشرافا & طمع ورزی‌شان کمتر است، \$ و أبلغ فی عواقب الأمور نظرا ... ثم تفقد & بررسی کن و زیر نظر داشته باش \$ أعمالهم، و ابعث العیون من أهل الصدق و الوفاء علیهم، فإن تعاهدك فی السر لأموهم حدوده لهم & آنها را وادار خواهد کرد \$.علی استعمال الأمانه و الرفق بالرعیه (& ... ۱۰) ۱۰ . نهج البلاغه نامه / ۵۳ \$.

ضابطه واگذاری مسئولیت

کارگزاران نباید بر اساس رابطه و علاقه شخصی انتخاب شوند. نخست باید آزمود که توان انجام مسئولیت را دارند یا خیر. حسن سابقه و فضایل اخلاقی و پای بندی به اسلام را ملاک قرارداد. بازرسان مخفی و امین بر آنها گماشت. (نظارت کامل) بازرسی مخفی سبب می‌شود که کارشان را درست انجام دهند.

۶- صرفه‌جویی در بیت‌المال

بدیهی است که اصراف در اموال شخصی گناه است، چه رسد به اموال دولتی. از آنجا که حقوق همه مردم به بیت‌المال تعلق گرفته، اگر تلف شود و جبران نگردد، گناهش سنگین است. در اسلام بر این موضوع بسیار تأکید شده است. جعفر بن محمد (ع) أنه ذکر عن آبائه (ع) أن أمير المؤمنين (ع) كتب إلى عماله: أدقوا أفلانكم، و قاربوا بين سطوركم، و احذفوا عنى فضولكم، و اقصدوا قصد المعانى، و إياكم و الإكثار، فإن أموال المسلمين لا تحتمل الاضرار &. خصال ۱ / ۱۴۹؛ بحار الأنوار ۴۱ / ۱۰۵\$. این موضوعات یعنی: بهره‌وری بیشتر از درآمدها، واگذاری مسئولیت‌ها به افراد امین و کاردان، اصلاح ساختار اقتصادی گذشته، صرفه‌جویی در مصرف بیت‌المال، مساوات و برابری همگان در استفاده و بهره‌مندی از بیت‌المال، بنیان و اساس اصلاح اقتصادی هر حکومت است.

۷- زهد و پارسایی

زهد و پارسایی از شرایط پیشوایی جامعه است که خداوند آنها را برای پیا میبران وائمه واجب کرده است. زهد گرچه از فضائل اخلاقی است، اما بر کسی که پیشوایی معنوی جامعه را برعهده دارد، واجب می‌باشد. زهد و قناعت امام علی (ع) و اکتفا به دو جامه کهنه و نان بدون خورشت به همین جهت بود.

ص: ۱۲۵

و من کتاب له (ع) إلى عثمان بن حنيف: ألا و أن إمامكم قد اكتفى من دنياه بطمريه & دو جامه كهنه ، \$ و من طعمه بقرصيه ... ما كنت من دنياكم تبراً & طلا- ونقره ، \$ و لا ادخرت من غنائمها وفرا، و لا أعددت لبالي ثوبي طمرا & جامه ديگر بر آن دو جامه نيفزودم ، \$ و لا حرت من أرضها شبرا، و لا أخذت منه إلا كقوت أتان دبره، و لهي في عيني أوهي من عفضه مقره &. دانه آفت زده و تلخ بلوط \$ لو شئت لاهتديت الطريق إلى مصفى هذا العسل و لباب هذا القمح و نسائج هذا القز و لكن هيهات أن يغلبني هوای و يقودني جشعي إلى تخير الأطمعه- و لعل بالحجاز أو باليمامة من لا طمع له في القرص و لا عهد له بالشبع- أو أبيت مبطانا و حولي بطون غرثي و أكباد حري أو أكون كما قال القائل:

و حسبك عارا أن تبيت بطنه و حولك أكباد تحن إلى القدر

أفنع من نفسي بأن يقال: هذا أمير المؤمنين و لأشار كههم في مكاره الدهر أو أكون أسوه لهم في جشوبه العيش! فما خلقت ليشغلني أكل الطيبات كالبهيمه المربوطه. همها علفها أو المرسله. شغلها تقمها تكثرش من أعلافها و تلهو عما يراد بها أو أترگ سدى أو أهمل عابثا أو أجر جبل الضلاله أو أعتسف طريق المتاهه &! نهج البلاغه نامه/ ۴۵ \$ رسول خدا (ص) امام على را چنین توصيف کرده است:

أن النبي (ص) قال: يا على إن الله قد زينك بزينه لم يزين العباد بزينه أحب إلى الله منها، هي زينه الأبرار عند الله تعالى، الزهد في الدنيا فجعلك لا ترز أمن الدنيا شيئا و لا ترزأ & دنيا هدف شما قرار نمی گیرد و دنيا نیز نمی تواند کاستی در ارز شهای معنوی شما ایجاد کند \$ منگك الدنيا شيئا &. بحار الأنوار- ۴۰ / ۳۳۴ \$

ص: ۱۲۶

هارون بن عتره: حدثنی ابي قال: دخلت علی بن علی بن ابي طالب (ع) بالخورتق و هو یرعد تحت سمل قطیفه & رو پوش کهنه، \$ فقلت: یا امیرالمؤمنین إن الله تعالی قد جعل لک و لأهل بیتک فی هذا المال ما یعم، و أنت تصنع بنفسک ما تصنع؟ فقال: و الله ما أرزأکم من أموالکم شیئا، و إن هذا لقطیفتی التي خرجت بها من منزلی من المدینة، ما عندی غیرها &. بحار الأنوار- ۴۰ / ۳۳۴ \$ و قال معاویه لضرار بن ضمیره: صف لی علیا، قال: کان و الله صواما بالنهار قواما باللیل، یحب من اللباس أخصنه & درشت، \$ و من الطعام أجشبهه &. خشک \$ او را در یکی از شبها در محراب دیدم که اشکش جاری بود و دنیا را مخاطب قرار داد و فرمود: یا دنیا ابي تشوقت و لی تعرضت؟ لا- حان حینک، فقد أبتتک & طلاق دادم \$ ثلاثا لا رجعه لی فیک، فعیشک قصیر و خطرک یسیر، آه من قله الزاد و بعد السفر و وحشه الطریق &. بحار الأنوار ۴۰ / ۳۲۹؛ مناقب آل ابي طالب ۱ / ۳۰۹ \$ سوید بن غفله قال: دخلت علی بن ابي طالب (ع) العصر فوجدته جالسا بین یدیه صحیفه فیها لبن حازر & ترش، \$ أجد ریحہ من شده؟ حموضته؟، و فی یدہ رغیف أری قشار الشعیر فی وجهه، و هو یکسر بیده أحيانا، فإذا غلبه کسره بر کبته و طرحه فیہ ... قال فقلت لجاریته و هی قائمه بقریب منه: ویحکک یا فضه ألاتتقین الله فی هذا الشیخ؟ ألاتنخلون له طعاما مما أری فیہ من النخاله & خورش و سرکه؟ \$ فقالت: لقد تقدم إلینا أن لا ننخل له طعاما &. بحار الأنوار ۴۰ / ۳۳۱؛ کشف الغمه: ۴۷ \$

ص: ۱۲۷

قال أمير المؤمنين (ع): إن الله جعلني إماماً لخلقهِ، ففرض على التقدير في نفسي و مطعمي و مشربي و ملبسي كضعفاء الناس، كي يقتدى الفقير بفقرى و لا يطغى الغنى غناه &. كافي ۱ / ۴۱۰؛ بحار الأنوار ۴۰ / ۳۳۶. ابن ابى الحديد: من حيث أردنا أن نبين أن أمير المؤمنين (ع) لم يكن يذهب في خلافته مذهب الملوك الذين يصانعون بالأموال و يصرفونها في مصالح ملكهم و ملاذ أنفسهم، وأنه لم يكن من أهل الدنيا، وإنما كان رجلاً متألهاً صاحب حق، لا يريد بالله ورسوله بدلاً. شرح نهج البلاغه ۲ / ۲۰۲ - ۲۰۳ \$
دیگر امامان نیز همین گونه بودند:

و كان (الحسن بن على (ع)) من أزهّد الناس في الدنيا و لذاتها، عارفاً بغرورها و آفاتها، و كثيراً ما كان (ع) يتمثل بهذا البيت: يا أهل لذات دنیا لا بقاء لها إن المقام & ساکن شدن در سایه ناپایدار از حماقت است \$ بطل زائل حمق & الفصول المهمه - \$۱۵۵ همه برای این بود که نخست وظیفه و مسؤولیت الهی را که خداوند بردوش آنها نهاده بود، انجام دهند و دوم برای توجه دادن جامعه به امر آخرت بود که دنیا و خوش گذرانی آن را هدف قرار ندهند و از آخرت باز نمانند.

۸- برابری در تقسیم بیت‌المال

یعنی؛ همه باید به صورت مساوی و برابر از بیت‌المال بهره‌مند شوند. امام علی (ع) بیت‌المال را به طور مساوی بین افراد تقسیم می‌کرد و در این خصوص چنین فرمود:

ألا و أيما رجل أستجاب لله و للرسول فصّدق مَلْتنا و دَخَل في ديننا و استقبل قبلتنا: فقد استوجب حقوق الإسلام و حدوده، فأنتم عباد الله، و المال مال الله، يُقسّم بينكم بالسويّة، لا- فضل فيه لأحد على أحد، و للمتقين عند الله غداً أحسن الجزاء و أفضل الثواب &. الخصال ۱۳: ۲؛ بحار الانوار ۳۲ / ۱۷ \$

ص: ۱۲۸

در برابرتقاضای برخی از افراد که می‌خواستند آن حضرت، امتیازی برای آن‌ها قایل شود و سهم بیشتری از بیت‌المال به آنها بدهد، چنین فرمود:

ابو اسحاق همدانی گوید: دو زن که یکی عرب و دیگری عجم بود، نزد علی آمدند. آن حضرت از بیت‌المال به هر دو مثل هم داد. زن عرب اعتراض کرد. امام فرمود: من در بیت‌المال برتری برای عرب بر اولاد اسحاق نمی‌بینم & شرح نهج البلاغه ۲ / ۲۰۰ \$ معاویه از این عدالت غیرانعطاف پذیر حضرت علی (ع) سود برد و بیت‌المال را بیشتر در اختیار کسانی قرارداد که رئیس قبیله بودند و موقعیت اجتماعی داشتند و می‌توانستند برای رسیدن او به حکومت، مؤثر واقع شوند. معاویه این اقدام را به صورت گسترده انجام داد، تاجایی که اخبار آن در قلمرو حکومت حضرت علی (ع) پیچید و افرادی نیز از عدالت حضرت علی (ع) گریختند و به ظلم معاویه پیوستند تا از این تباهی معنوی او سود دنیوی ببرند. افرادی به عنوان خیرخواهی به حضرت علی (ع) پیشنهاد کردند که او هم چون معاویه به این گونه افراد، اموالی ببخشد تا از عدالت نگریزند. حضرت علی (ع) می‌دانست که اگر این کار را انجام دهد، افرادی دور او جمع خواهند شد. امام پاسخ داد:

أتأمرونی أن أطلب النصر بالجور؟ لا والله ما فعل ما طلعت شمس ولا ح & ظهر \$ فی السماء نجم، والله لو كان مالهم لی لواسیت بینهم، وكيف و إنما هو أموالهم &، أمالی المفید / ۱۰۴ و ۱۰۵. أمالی الطوسی / ۱۲۱ و ۱۲۲؛ بحار الأنوار ۴۱/۸۰۱ ۹۰۱ \$. برابری در تقسیم بیت‌المال ویژگی ای است که در حضرت علی (ع) منحصر بود.

عبایه بن ربیع قال: قال علی بن أبی طالب (ع): أحاج الناس یوم القیامه بسبع: إقام الصلاه و إیتاء الزکاه، و الأمر بالمعروف، و النهی عن المنکر، و القسم بالسویه، و العدل فی الرعیه، و إقام الحدود & . بحار الأنوار ۴۱/۶۰۱ \$

ص: ۱۲۹

رسول خدا (ص) نیز عدالت در تقسیم بیت المال را به عنوان یکی از ویژگی‌های حضرت علی (ع) را بیان فرمود &. حلیه الاولیاء ۱/ ۳۴) قال النبی (ص): یا علی أخصمک بالنبوه ولا نبوه بعدی، وتخصم الناس بسبع ولا یحاجک فیها أحد من قریش، أنت أولهم إیماناً بالله، وأوفاهم بعهد الله، وأقومهم بأمر الله، وأقسمهم بالسویه، وأعدلهم فی الرعیه، وأبصرهم بالقضیه، وأعظمهم عند الله مزیه (\$) مساوات و برابری به معنای تقسیم بیت المال بین شهروندان نیست، بلکه مصرف آن در امور عام المنفعه، مصداق دیگر مساوات و برابری است.

۹- برگرداندن اموالی که به نایب در اختیار افراد قرار گرفته

عمر بن خطاب در دوران حکومت خود بیت‌المال را برحسب جایگاه اجتماعی، وابستگی قبیله‌ای و پیشینه آن‌ها در اسلام تقسیم کرد & تاریخ طبری ۳/ ۲۹۲\$ تا جایی که برخی ادعا کرده‌اند که او از این کارش در آخر عمر پشیمان شده بود &. شرح نهج البلاغه ۹/ ۲۹\$ این شیوه او در زمان عثمان، شدت بیشتری یافت. بنی امیه را بردیگران ترجیح داد. در نتیجه سیاست‌های اقتصادی این دو خلیفه اموال هنگفتی نزد برخی جمع شد و یک طبقه ممتاز اقتصادی پدید آمدند و بیشتر آن‌ها، بنی امیه و افرادی از قریش بودند. تا جایی که خزانه دارش نیز اعتراض کرد و روز جمعه کلید خزانه را به عنوان اعتراض تحویل داد و گفت من خزانه دار بیت المال هستم نه خزانه دار عثمان &. الطبقات لابن سعد ۵/ ۳۸۸، و تاریخ یعقوبی ۲/ ۱۵۳، و أنساب الأشراف ۵/ ۵۸، و المعارف لابن قتیبه ۸۴، و شیخ المضیره أبو هریره ۱۶۹، و الغدير ۸/ ۲۷۶\$.

امام علی (ع) پس از رسیدن به حکومت، در موضوع اصلاح اقتصادی، دو راه در پیش داشت که باید یکی را انتخاب و اجرا می‌کرد. الف: عدم برخورد با آن‌ها در حالی که ثروت عظیمی که متعلق به بیت المال بود، در اختیار داشتند. سکوت و عدم برخورد با آن‌ها به مفهوم تأیید اقدام‌های

ص: ۱۳۰

عثمان بود و همچنین اقدام‌های دو خلیفه پیشین با تأیید امام به عنوان حکم خدا شناخته می‌شد. بخشی از اعتراض‌های مردم به عثمان نیز که به برکناری و مرگ او منجر شد، نتیجه همین سیاست‌های غیرعادلانه او در تقسیم بیت‌المال بود.

ب: برخورد با کسانی که اموالی از بیت‌المال در اختیار آنهاست. یعنی مصادره آن اموال و بازگرداندن به بیت‌المال. از آن جا که حضرت علی (ع) آن سیاست‌ها را ظالمانه می‌دانست، ضروری بود که آن‌ها را تأیید نکند. او پیشوای آسمانی بود و ستمگری هر چند کوچک، در قلمرو اندیشه و عمل او راه نداشت. در نتیجه راه دوم متعین بود. امام در این خصوص چنین فرمود:

فقال (ع): أَلَا إِنَّ كُلَّ قِطْعَةٍ & زَمِينِي كَمَا حَاكَمَانِ بِهٖ أَفْرَادٍ بِهٖ خُصُوصِي وَأَا كُنَّا مِي كَرْدَنَد \$ أَقْطَعُهَا عِثْمَانُ وَ كَلَّ مَالِ أُعْطَاهُ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَهُوَ مَرْدُودٌ فِي بَيْتِ الْمَالِ، فَإِنَّ الْحَقَّ لَا يَبْطُلُهُ شَيْءٌ، وَ لَوْ وَجَدْتَهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهٖ النِّسَاءَ وَ مُلْكَكَ بِهٖ الْإِمَاءَ وَ فَرَّقَ فِي الْبُلْدَانِ لَرَدَدْتَهُ، فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً، وَ مِنْ ضَاقٍ عَلَيْهِ الْعَدْلُ، فَالْجُورُ عَلَيْهِ أَضِيقٌ & نَهَجُ الْبَلَاغَةِ: الْخُطْبَةُ: ۱۱۵. بحار الانوار ۴۱/ ۱۱۶ \$

امام علی (ع) در پاسخ برخی که تنها به این جهت که از قریش بودند و با رسول خدا (ص) قرابت داشتند، توقع سهم بیشتری داشتند، فرمود:

عن أبي الهيثم بن التيهان و عبد الله بن أبي رافع أن طلحة و الزبير جاءا إلى أمير المؤمنين (ع) و قالتا: ليس كذلك. كان يعطينا عمر. قال: فما كان يعطيكما رسول الله (ص) فسكتا. قال: أليس كان رسول الله يقسم بالسوية بين المسلمين؟ قالتا: نعم. قال: فسنة رسول الله أولى بالإتباع عندكم أم سنة عمر؟ قالتا: سنة رسول الله. يا أمير المؤمنين لنا سابقه و عناء & سختی و دشواری که برای اسلام دیده ایم \$ و قرابه. قال: سابقتكما أسبق أم سابقتي؟ قالتا: لا، فقرابتنا من النبي (ص)! قال (ع): أقرب من قرابتي؟ قالتا: لا، فجهدانا،

ص: ۱۳۱

قال (ع): أعظم من جهادی؟ قال: لا، قال (ع): فوالله ما أنا فی هذا المال و أجیری إلّا بمنزله واحد &. بحار الأنوار ۴۱ / ۱۱۶ \$

هدف دین و دولت از سازمان اقتصادی، رفع نیازمندی همگان و استفاده عادلانه و بهینه از اموال ملی است تا آنجا که کسی مشکل اقتصادی نداشته باشد. این هدف با اجرای اصول فوق تحقق می‌یابد. اجرای این اصول، مستلزم شناسایی توانمندی‌ها، نیازها و برنامه‌ریزی است و در نتیجه، سازمان اقتصادی در روند صحیح و عادلانه و منطقی قرار می‌گیرد.

اگر ائمه معصومین (ع) به حکومت می‌رسیدند، اصول فوق را که در رأس برنامه‌های اقتصادی حضرت علی (ع) قرار داشت، اجرا می‌کردند. چنان که در فلسفه قیام امام حسین (ع) و نامه مردم کوفه به آن حضرت، به این موضوع اشاره شده است.

أما بعد، فالحمد لله الذی قضم عدوک الجبار العنید، الذی انتزی & بر امت چیره شد \$ علی هذه الامه فابتزها أمرها & امور مردم را به زور به دست گرفت \$ و غصبها فیئها، و تأمر علیها بغیر رضی منها، ثم قتل خیارها و استبقی شرارها، و جعل مال الله دُوله بین جابرتها و أغنیائها، فبعداً له كما بعدت ثمود، إنه لیس علینا إمام غیرک، فأقبل لعلّ الله أن یجمعنا بک علی الحقّ &. الإرشاد ۲ / ۳۸، روضه الواعظین / ۱۷۱، تذکره الخواص / ۲۱۳، تاریخ الطبری ۴ / ۲۶۲، الفتوح لابن أعثم ۵ / ۳۳، مقتل الحسین ۱ / ۱۹۵ \$.

یکی از مفااسدی که در حکومت بنی امیه گسترش یافت، مفااسد اقتصادی بود: یعنی تبعیض در بهره‌مندی از بیت المال. چنان که معاویه به افرادی جایزه سنگین می‌بخشید. حتات عم فرزدق و أحنف بن قیس و جاریه بن قدامه السعدی نزد او رفتند. به احنف و جاریه هر کدام یکصد هزار درهم داد و به حتات عم فرزدق هفتاد هزار درهم داد. وقتی وی متوجه شد که به او کم داده است، خشمگین شد

ص: ۱۳۲

وگفت: چرا به من کم داده ای؟ معاویه پاسخ داد دین آنها را با آن مقدار خریدم اما شما را به دینت واگذار کردم. حنات گفت پس دین مرا نیز بخر. معاویه دستور داد به او نیز مثل بقیه بدهند &. تاریخ دمشق ۱۰/۲۷۷؛ مختصر تاریخ دمشق ۲/۱۹۰\$ با آنکه معاویه به برخی افراد که از حکومت او حمایت می کردند، اموال بسیار می بخشید، ولی مردم مدینه را از بیت المال محروم کرد تا آنها مجبور شوند زمین های خود را به قیمت بسیار اندک به او بفروشند &. حیاة الامام الحسن (ع) ۲/۱۲۳\$

در عراق نیز وضع چنین بود. چنان که مردم کوفه را نیز از بیت المال محروم کرد. این دستور برای آن بود که معاویه با مردم مدینه دشمنی دیرینه داشت و در کوفه نیز طرفداران حضرت علی (ع) می زیستند. آثارشوم این سیاست اقتصادی ظهور فقر و ناداری بود &.

حیاة الإمام الحسین (علیه السلام): ۲/۱۲۵\$ امام حسین (ع) اصلاح این وضع اقتصادی را یکی از اهداف قیام خود معرفی کرد.

سیره اقتصادی در روابط اجتماعی

اتفاق

اشاره

امامان معصوم، رسیدگی به نیازمندان را یکی از وظایف اصلی خود می دانستند. تفاوتی نبود که حکومت را در اختیار داشته باشند یا خیر. برخی از موارد رسیدگی به نیازمندان چنین بود:

امام حسن (ع)

ابن نجیح، أن الحسن بن علی حج ماشياً و قسم ماله نصفین &. حلیه الاولیاء ۲/۳۷\$.

ص: ۱۳۳

در روایت دیگر: و قاسم الله تعالی ماله ثلاث مرات؛ حتی أن كان لیعطی نعلًا یمسک نعلًا، و یعطی خفًا و یمسک خفًا &. البدایه ۸/ ۳۷، تهذیب ابن عساکر ۴/ ۲۱۶، ۲۱۷، سیر اعلام النبلاء ۳/ ۲۶۰؛ صفه الصفوه ۱/ ۱۶۸؛ کشف الغمه ۲/ ۱۹۳؛ صفه الصفوه ۱/ ۳۸۵/ ۱۲۰. شرح نهج البلاغه: ۱۶/ ۱۰ (روی محمد بن حبيب فی أمالیه أن الحسن (ع) حج خمس عشره حجه ماشیا تقاد الجنائب معه، وخرج من ماله)؛ بحار الأنوار ۴۳/ ۳۵۷۳۵۸\$ ابو الحسن مدائنی گوید: حسن و حسین و عبد الله بن جعفر (ع) به حج می رفتند. اموالشان از بین رفت. گرسنه و تشنه شدند. به چادری رسیدند و پیرزنی آن جا بود. از وی نوشیدنی خواستند. او به گوسفندی که کنار چادر بود، اشاره کرد که اگر شیر دارد، بدوشند. از شیر آن نوشیدند و سپس غذا خواستند. پاسخ داد چیزی جز همان گوسفند نیست و می تواند آن را ذبح کنند. آن گوسفند را ذبح کردند. پس از صرف غذا به آن زن گفتند ما از قریش هستیم، هر وقت به منزل برگشتیم، نزد ما بیایید، نیکی خواهیم کرد. شوهر آن زن آمد. وی جریان را گفت. او آن زن را سرزنش کرد که گوسفند را ذبح کردند و گفتند از قریش هستید.

روزگار گذشت تا آن زن و شوهر از ناداری به مدینه رفتند. گذر آن زن به خانه امام حسن افتاد. آن حضرت، او را شناخت و به او هزار گوسفند و هزار دینار بخشید. همین مقدار نیز امام حسین (ع) داد و عبدالله بن جعفر نیز دو هزار گوسفند و دو هزار دینار بخشید. & مطالب السؤل ۳۴۵؛ (حیاه الإمام الحسن)، کشف الغمه ۱/ ۵۵۸، المناقب لابن شهر آشوب ۳/ ۱۸۲، البحار: ۴۳/ ۳۴۷؛ عوالم العلوم ۹/ ۱۱۴؛ احیاء علوم الدین ۳/ ۳۶۴، الفصول المهمه/ ۱۵۷؛ ربیع الأبرار ۱/ ۳۸۶ (مشابه این داستان را آورده است)، احیاء علوم الدین ۳/ ۳۶۶. الفصول المهمه ۲/ ۷۰۸. ممکن است در این مقدار بخشش تردید شود که اغراق آمیز است. باید گفت نخست این داستان را اهل سنت نقل کرده اند که امامت ائمه را قبول ندارند و می تواند دلیلی باشد بر اینکه واقعیت داشته است. در ثانی بر فرض اغراق باشد به یقین اموال بسیار به آن زن بخشیده اند.\$

امام حسین (ع)

و وقف ذات مَرّه سائل علی باب الحسین (ع) و أنشد قائلاً:

ص: ۱۳۴

لم یخب الآن من رجاك حرّك من دون بابك الحلقه
أنت جواد أنت معتمد أبوگ قد كان قاتل الفسقه جج

فأعطى مائتا درهم ... معتذراً منه &. تاریخ ابن عساکر: ۴/ ۳۲۳، و مناقب آل أبی طالب: ۴/ ۶۵. حیاة الامام الحسین ۱/ ۱۳۲ \$
و بدهی اسامه را که بیش از ده هزار دینار بود، پرداخت کرد &. سیر اعلام النبلاء ۴/ ۳۹۴، مطالب السؤل / ۴۲۰؛ حلیه الا ولیاء ۳/ ۱۴۱ تاریخ دمشق ۱۲/ ۲۱ \$

امام سجاد (ع)

اتفاق در زندگی امام سجاد (ع) جلوه بسیار داشت. در هر کتابی که شرح زندگی امام سجاد (ع) بیان شده، از این موضوع نیز یاد شده است.

لما غسل علی بن الحسین بن علی رأوا علی ظهره مجولاً & آثاری \$ فلم یدروا ما هو، فقال مولی له: کان یحمل علی ظهره إلی أهل البیوتات المستورین الطعام، فأقول له: دعنی أكفک، فیکول: لأحب أن یتولی ذلک غیری &. ربیع الا برار ۱/ ۳۷۹ \$

امام باقر (ع)

و کان الإمام الباقر (ع) کثیر البر و المعروف علی فقراء یترب، و قد احصیت صدقاته علیهم فبلغت ثمانیه الآف دینار &. شرح شافیه
أبی فراس: ۲/ ۱۷۶ \$

و کان یتصدق علیهم فی کل یوم جمعه بدینار و یقول: الصدقه یوم الجمعه تضاعف الفضل علی غیره من الأيام &. فی رحاب ائمه
اهل البیت (علیهم السلام): ۴/ ۱۲ \$

سلیمان بن قرم قال: کان محمد بن علی یجیز بالخمیس مائه و التسع مائه إلی الألف (درهم &). صفة الصفوه ۲/ ۷۹ / ۱۷۱، الفصول
المهمه / ۲۱۲ (داخل پرانتز \$)

امام صادق (ع)

ص: ۱۳۵

كما كان (الامام الصادق) يأتيهم بأشهى الطعام و اللذّه، و أوفره، و يكرر عليهم القول وقت الأكل: أشدكم حباً لنا أكثركم أكلا عندنا. و كان يأمر في كل يوم بوضع عشر ثنات من الطعام يتغدى على كل ثبته عشره. و كان شرف على خدمه ضيوفه &. الإمام جعفر الصادق: ۴۶؛ حياه المام الصادق ۱ / ۶۵\$

امام موسی بن جعفر (ع)

قال الحسن بن محمد بن يحيى العلوى: حدثني جدى قال: كان موسى بن جعفر ... و كان يبلغه عن الرجل أنه يؤذيه فيبعث إليه بصره فيها ألف دينار، و كان يصير الصرر ثلاثمائه دينار، و أربعمائه دينار، و مائتي دينار، ثم يقسمها بالمدينه. و كان مثل صرر موسى بن جعفر إذا جاءت الإنسان الصره فقد استغنى &. تاريخ بغداد ۱۳ / ۲۷ / ۶۹۸۷؛ وفيات الأعيان: ۵ / ۳۰۸ / ۷۴۶، وكنز اللغه: ۷۶۶، الأنوار البهيه: ۱۹۰. سير اعلام النبلا ۶ / ۲۷۰؛ تهذيب الكمال ۲۹ / ۴۳ / ۶۲۴۷\$ در كتاب‌های تاريخ و تراجم، گزارش‌های بسياری از اتفاق اين امام بزرگوار نقل شده است &. مراجعه شود از جمله تاريخ بغداد ۵ / ۴۶۴\$

به مناسبت‌های مختلف

چنين بر می آيد که امامان، گاهی به دنبال اين بودند که مناسبتی پيش آيد تا به ديگران کمک کنند لذا منتظر نبودند که از آنها خواسته شود. موارد بسياری به اين موضوع دلالت می کند .. و في كتاب الفنون نام رجل من الحاج في المدينه فتوهم أن هميانه سرق فخرج فرأى جعفر الصادق (ع) مصليا و لم يعرفه، فتعلق به و قال له: أنت أخذت همياني قال: ما كان فيه؟ قال: ألف دينار. قال: فحمله إلى داره و وزن له ألف دينار و عاد إلى منزله، و وجد هميانه، فعاد إلى جعفر (ع) معتذرا بالمال، فأبى قبوله و

ص: ۱۳۶

قال: شىء خرج من يدى لا يعود إلى قال: فسأل الرجل عنه فقيل: هذا جعفر الصادق (ع) قال: لاجرم هذا فعال مثله &. بحار الأنوار ج \$۴۷/۳۲

انفاق شبانه

يكي از مواردی که در شیوه برخی ائمه مشاهده می شود، انفاق شبانه است.

عن أبی عبدالله (ع) قال: و كان علی بن الحسین (ع) يخرج فی اللیله الظلماء فيحمل الجراب فيه الصرر من الدنانير و الدراهم حتى يأتي بابا بابا فيقرعه ثم ينيل من يخرج إليه فلما مات علی بن الحسین (ع) فقدوا ذاك، فعلموا أن علیا (ع) كان يفعله &. اصول کافی ۱/ ۴۶۸ \$ أبوبکر بن مالک، قال: حدثنا عبدالله بن أحمد بن حنبل، قال: حدثني أبو معمر، حدثنا جرير، عن شيبه بن نعامه، قال: كان علی بن الحسین يبخل، فلما مات وجدوه يقوت مائه أهل بيت بالمدينه، قال جرير فی الحديث - أو من قبله - إنه حين مات وجدوا بظهره أثاراً مما كان يحمل بالليل الجرب إلى المساكين &. حليه الاولياء ۱/ ۴۵۲ \$ وقد اعتاد الفقراء علی صلته لهم فی الليل، فكانوا يقفون علی أبوابهم ينتظرونه، فإذا رأوه تباشروا وقالوا: جاء صاحب الجراب &. مناقب آل أبی طالب: ۴/ ۱۶۶ \$ و كان له ابن عم يأتيه بالليل فيناوله شيئاً من الدنانير فيقول له العلوي: إنَّ علی بن الحسین لا يوصلني، و يدعو عليه، فيسمع الإمام ذلك و يغضى عنه، و لا يُعرفه بنفسه، و لمّا توفي (ع) فقد الصلته، فعلم أنَّ الذي كان يوصله هو الإمام علی بن الحسین (ع) فكان يأتي قبره باكياً و معتذراً منه &. كشف الغمه: ۲/ ۳۱۹ عن نثر الدرر للآبي \$

ص: ۱۳۷

و قال ابن عائشه: سمعت أهل المدينة يقولون: ما فقدنا صدقه السرّ حتى مات عليّ بن الحسين &. الأولياء وعنه في مناقب آل أبي طالب ۱۶۶/۴ وكشف الغمه ۲/ ۲۹۰ عن مطالب السئول عن الحليه ۴/ ۱۳۶ وفي البدايه والنهايه لابن كثير ۹/ ۱۱۴، وصفه الصفوه ۲/ ۵۴، الإتحاف بحب الأشراف ۴۹ الأغاني ۱۵/ ۳۲۶\$. و كان (ع) شديد التكتّم في صلاته و هباته، فكان إذا ناول أحداً شيئاً غطّى وجهه لئلا يعرفه &. مناقب آل أبي طالب: ۱۶۶/۴ عن الباقر (عليه السلام \$)

و قال الذهبي: إنّه كان كثير الصدقه في السرّ &. تذكره الحفاظ: ۱/ ۷۵. ومراجعهُ شود بتأريخ اليعقوبي: ۲/ ۳۰۳ (وكان (ع) يجعل الطعام الذي يوزّعه على الفقراء في جراب ويحمله على ظهره، وقد ترك أثراً عليه \$)

و كان الإمام الصادق يقوم في غلس الليل البهيم فيأخذ جراباً فيه الخبز و اللحم و الدراهم فيحمله على عاتقه و يذهب به إلى أهل الحاجه من فقراء المدينة فيقسمه فيهم، و هم لا يعرفونه، و ما عرفوه حتّى مضى إلى الله تعالى فافتقدوا تلك الصلات فعلموا أنّهم منه &. الإمام جعفر الصادق احمد مغنيه / ۴۷. حياه الامام الصادق ۱/ ۶۳ \$

إسماعيل بن جابر قال: أعطاني أبو عبدالله (ع) خمسين ديناراً في صره، و قال لي: ادفعها إلى شخص من بني هاشم، و لا تعلمه أني أعطيتك شيئاً، فأتيته و دفعتها إليه فقال لي: من أين هذه؟ فأخبرته أنّها من شخص لا يقبل أن تعرفه، فقال العلوي: ما يزال هذا الرجل كل حين يبعث بمثل هذا المال، فنعيش بها إلى قابل، و لكن لا يصلني جعفر بدرهم مع كثره ماله &. مجموعهُ ورام: ۲/ ۸۲؛ ۸/ ۲۹ \$

معلى بن خنيس قال: خرج أبو عبدالله (ع) في ليله قد رشت السماء و هو يريد ظله بني ساعده، فاتبعته فإذا هو قد سقط منه شيء فقال: بسم الله اللهم رده علينا قال: فأتيته فسلمت عليه فقال: معلى؟ قلت: نعم جعلت فداك فقال لي: التمس بيدك فما وجدت من شيء فادفعه إلي، قال: فإذا أنا بخبز منتشر، فجعلت أدفع

ص: ۱۳۸

إليه ما وجدت فإذا أنا بجراب من خبز فقلت: جعلت فداك أحمله على عنك فقال: لا أنا أولى به منك، و لكن امض معي قال: فأتينا ظله بنى ساعده، فإذا نحن بقوم نيام فجعل يدس الرغيف و الرغيفين تحت ثوب كل واحد منهم حتى أتى على آخرهم ثم انصرفنا فقلت: جعلت فداك يعرف هؤلاء الحق؟ فقال: لو عرفوا لواسيناهم بالدقه، و الدقه هي الملح &. بحار الأنوار ۴۷ / ۲۱ ۲۰؛ ثواب الأعمال / ۱۲۹؛ كافي ۴ / ۸ \$ كان أبو الحسن موسى (ع) ... يفتقد فقراء المدينة في الليل، فيحمل إليهم الزبيل فيه العين و الورق و الأذقه و التمور & خرما ، \$ فيوصل إليهم ذلك، و لا يعلمون من أي جهة هو &. إعلام الوری / ۲۹۶؛ الإرشاد / ۳۱۶؛ بحار الأنوار / ۴۸ / ۱۰۱ \$.

فلسفه انفاق شبانه

اشاره

انفاق شبانه و پنهانی و دور از چشم مردم، به دلایل ذیل بوده است:

الف: کمک‌های پنهانی خالصانه‌تر است

قطعاً ریا نمی‌شود و ثوابش بسیار است. امام به مردم آموزش می‌داد که کمک‌های خود را به نیازمندان، از مردم پنهان دارند چرا که کمک‌های پنهانی ثواب بسیار دارد.

ب: عدم احساس حقارت نیازمندان

طبیعی بود که اگر هر نیازمند، کمک کننده را نشناسد و نبیند احساس حقارت نمی‌کند. به این جهت امام به انفاق‌های شبانه می‌پرداخت تا انفاق شوندگان که روزها آن حضرت را می‌بینند، احساس حقارت نکنند و احترامشان بیشتر حفظ شود.

ج: بازماندگان شهدا و کشته‌شدگان در جنگ‌ها

اشاره

ص: ۱۳۹

افرادی در جنگ‌ها کشته یا از شیعیان شهید شده و خانواده‌های آنها بی‌سرپرست بودند. از این دسته، افرادی در کوفه بودند که در صفین شهید شده بودند و امام علی (ع) شبانگاه مواد غذایی به درخانه آنها می‌برد و همچنین در واقعه حره افراد بسیاری از مردم مدینه به شهادت رسیدند و امام زین العابدین (ع) به آنها کمک می‌کرد. در کوفه و بصره نیز افراد بسیاری توسط عمال بنی امیه از جمله حجاج بن یوسف ثقفی کشته شده و شاید برخی از خانواده‌های آنها به مدینه رفته بودند.

اما الحسين فيبدأ بأيتام من قتل مع أبيه بصفين فأن بقى شئ نحب به الجزور و سقى به اللبن & . حياه الامام الحسين ۱ / ۱۲۸ \$

۱- خاندان پیامبر

در قیام زید و همچنین شهدای فسخ تعدادی از خاندان پیامبر شهید شدند و خانواده‌های آنها بی‌سرپرست بودند. امام سجاد و دیگر امامان (ع) ترجیح می‌دادند که شبانگاه به آنها کمک کنند. چه آنکه اگر آشکارا کمک می‌کردند (به جز دوران امام علی (ع)) ممکن بود کمک حکومت‌های وقت، قطع شود.

۲- تحمیل فقر اقتصادی از سوی بنی امیه بر مردم مدینه

بنی امیه مردم مدینه را در مضیقه شدید اقتصادی قرار دادند و در نتیجه فقر و ناداری گسترش یافت. به ویژه که آنها از نوادگان مهاجران، انصار و یا از خاندان رسول خدا (ص) و افراد با شخصیت بودند و شاید اظهار ناداری هم نمی‌کردند. اما امام، آنها را می‌شناخت و با احترام مواد مورد نیازشان را تأمین می‌کرد.

۳- از زمان امام حسن مجتبی (ع) تا نیمه اول امامت امام باقر و همچنین نیمه دوم امامت امام صادق (ع)، اختناق شدید سیاسی بر مدینه حاکم بود. بسیار مراقبت می‌شد تا بفهمند که چه کسانی با امامان مرتبط هستند و از آنها

ص: ۱۴۰

طرفداری و پیروی می‌کنند رابطه آشکار بسیاری از مردم، با امام قطع و منزل امام کنترل می‌شد. در این شرایط بود که امامان، به انفاق‌های شبانه مبادرت می‌کردند تا یارانشان شناسایی نشوند.

اطعام

غذا دادن به دیگران در منزل، یکی از شیوه‌های نیاکان ائمه بود و ائمه نیز به آن می‌پرداختند.

عن سلمی مولاہ ابی جعفر قالت: کان یدخل إلیه (بعض) إخوانه فلا یرجون من عنده حتی یطعمهم الطعم الطیب و یکسوهم الثیاب الحسنه ...

و عن الهیاج بن بسطام قال: کان جعفر بن محمد یطعم حتی لایبقی لعیاله شیء & . صفة الصفوه ۲ / ۷۹ / ۱۱۵ / ۱۸۱؛ تهذیب الکمال (الهیاج بن بسطام قال: کان جعفر بن محمد یطعم حتی لایبقی لعیاله شیء \$). عن بعض أصحابنا قال: أولم أبو الحسن موسی (ع) علی بعض ولده فأطعم أهل المدینه ثلاثه أيام الفالوذجات فی الجفان فی المساجد و الأزقه & . کافی ۶ / ۲۸۱ (لحشر ۷ / ۵۹)، بحار الأنوار ۴۸ / ۱۱۰ \$.

آزادسازی بردگان

عامل برده‌داری را جنگ و یا هر چیز دیگری بدانیم، این موضوع قطعی است که نظام برده داری رواج داشت. از بردگان به عنوان نیروی کار و کارگرا استفاده می‌شد. اکثر آن‌ها نامسلمان یا تازه مسلمان بودند که در جنگ‌ها اسیر و در جامعه اسلامی به عنوان برده زندگی می‌کردند. امامان معصوم به این افراد نیز عنایت ویژه داشتند. آن‌ها را خریداری و تعلیم و تربیت و سپس آزاد می‌کردند. این موضوع آثار مثبت ذیل را در پی داشت.

۱- افرادی از بردگی آزاد می‌شدند و از مزایای آزادی بهره‌مند می‌گشتند.

ص: ۱۴۱

۲- امام با این اقدام به طور مستقیم، به تعلیم و تربیت افراد می‌پرداخت و حکومت نیز نمی‌توانست از این موضوع جلوگیری کند و زمینه بسیار خوبی برای آشنایی آنان با امام و بهره‌مندی از اخلاق پسندیده ائمه بود.

۳- آن‌ها پس از آزادی به عنوان موالی معصومین شناخته می‌شدند و خود را منتسب به امام می‌دانستند و از پیروان امام بودند.

عن أبي عبدالله (ع) أن أمير المؤمنين (ع) أعتق ألف مملوك من كد يده & الكافي ۵ / ۷۴ \$

عبدالله بن الحسين بن الحسن، قال: أعتق علي (ع) في حياہ رسول الله (ص) ألف مملوك مما مجلت يده، و عرق جبينه، و لقد ولي الخلفه، و أته الأموال، فما كان حلواہ إلا التمر، و لا ثيابہ إلا الكرابيس &. شرح نهج البلاغه ۲ ظ ۲۰۲ \$ دربارہ امام باقر (ع) روایت شده:

فقد أعتق الامام باقر (ع): أهل بيت بلغوا أحد عشر مملوكاً و كان عنده ستون مملوكاً فأعتق ثلثهم عند موته &. اعلام الهدايه ۷ / ۳۰. شرح شافيه أبي فراس ۲ / ۱۷۶ \$

و گاه به مناسبت و بهانه‌های مختلف افراد را آزاد می‌کرد.

چنان که درباره امام رضا (ع) نقل شده که در طول زندگی پر برکت خود هزار برده را خریداری نمود و آزاد ساخت &. الاتحاف بحب الأشراف / ۱۵۵ \$

تشویق و ترغیب به انفاق

امامان معصوم، افزون بر آنکه خود در شکل‌های مختلف و به طور گسترده به انفاق می‌پرداختند، دیگران را نیز به انفاق تشویق می‌کردند. روایات بسیاری در خصوص فضیلت انفاق رسیده که اگر در جامعه به آن پرداخته شود، ساختار نظام اقتصادی را در جهت رفاه اجتماعی و فقرزدایی سوق می‌دهد.

ص: ۱۴۲

و عن عبدالله بن الوليد قال: قال لنا أبو جعفر محمد بن علي: يدخل أحدكم يده كيس صاحبه فيأخذ ما يريد؟ قال قلنا: لا. قال: فلستم إخواناً كما تزعمون &. صفه الصفوه ۱ / ۷۹ / ۱۷۱ \$

احترام به نیازمند و رفتار کریمانه

امامان معصوم با افراد نیازمند بسیار کریمانه رفتار می کردند. در انجام کمک‌های مالی بر آن بودند که شخصیت آن‌ها تحقیر نشود و کمک‌های مالی همیشه توأم با احترام بود.

ابن المنهال الطائی: أن علی بن الحسین کان إذا ناول الصدقه السائل قبله ثم ناوله &. حلیه الأولیاء ۱ / ۴۵۳ \$ و کان إذا أتاه (علی بن الحسین) السائل رحب به و قال مرحباً بمن یحمل زادی إلى الآخره &. مطالب السؤل / ۴۱۲؛ صفه الصفوه ۹۵: ۲ / ۱۶۵؛ کشف الغمه: ۳ / ۲۸۸ \$

سیره اقتصادی در رفتار خانوادگی

اشاره

گفتیم زندگی دنیوی برای امامان هدف نبود. بی گمان همه آن‌ها زندگی زاهدانه داشتند اما این موضوع سبب نشد که اعضای خانواده را از نظر اقتصادی در مضیقه قرار دهند. به این موضوع در سیره خانوادگی اشاره شد.

منابع مالی

اشاره

تمام امامان، در هر شرایط اقتصادی، انفاقات مالی داشته‌اند. بذل و بخشش و رسیدگی به امور نیازمندان یکی از ویژگی‌های معصومین بود. اما در مورد اینکه

ص: ۱۴۳

آن پیشوایان، این اموال را از کجا و چگونه فراهم می‌کردند و چه منابع مالی در اختیار داشتند، چندان بحث نشده است. در هر صورت، منابع مالی ذیل تأمین‌کننده برخی از انفاقات بود.

۱- کار

اشاره

همه امامان (ع) در ضمن تعلیم و تربیت به کار در مزرعه و نخلستان نیز می‌پرداختند.

امام علی (ع)

عن أبي عبد الله (ع) قال: كان أمير المؤمنين (ع) يضرب بالمر و يستخرج الأرضين، و كان رسول الله (ص) يمص النوى & هسته \$ بفيه و يغرسه فيطلع من ساعته و إن أمير المؤمنين (ع) أعتق ألف مملوك من ماله و كد يده &. الكافي ۵/ ۷۴؛ الارشاد / ۲۷۲؛ عن سعيد بن كلثوم، قال: كنت عند الصادق جعفر بن محمد (ع)، فذكر أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام ولقد أعتق من ماله ألف مملوك في طلب وجه الله والنجاه من النار، مما كد بيديه ورشح منه جبينه ... بحار الأنوار ۴۶/ ۷۴- ۷۵ \$ عن أبي جعفر (ع) قال: لقي رجل أمير المؤمنين (ع) و تحته وسق & الوسق: ستون صاعا او حمل بعير \$ من نوى فقال له: ما هذا يا أبا الحسن تحتك؟ فقال: مائه ألف عذق & درخت خرما \$ إن شاء الله، قال: فغرسه فلم يغادر منه نواه واحده &. كافي ۵/ ۴۷- ۵۷ بحار الأنوار ۸۵/ ۴۱ \$ عن أبي عبد الله (ع) قال: إن أمير المؤمنين (ع) كان يخرج و معه أحمال النوى، فيقال له: يا أبا الحسن ما هذا معك؟ فيقول: نخل إن شاء الله، فيغرسه فلم يغادر منه واحده &. كافي ۵/ ۴۷- ۵۷ بحار الأنوار ۸۵/ ۴۱ \$

امام علی بن الحسین (ع)

ص: ۱۴۴

محمد بن منکدر گوید: می‌خواستم محمد بن علی را نصیحت کنم، اما او مرا نصیحت کرد. پرسیدند: چگونه؟ گفت: به یکی از نواحی مدینه رفتم. محمد بن علی را دیدم که کار می‌کند و عرق می‌ریزد. باخود گفتم مردی از قریش با این حال در طلب دنیاست، می‌روم تا او را نصیحت کنم. نزدش رفتم و سلام کردم و او با مهربانی جواب داد. گفتم مردی از قریش با این حال در طلب دنیاست؟ اگر اجلت فرا رسد چه می‌کنی؟ جواب داد:

فقال (ع): لو جاءني الموت و أنا على هذه الحالة جاءني و أنا في طاعة من طاعة الله عزوجل. اكفُّ بها نفسي و عيالي عنك و عن الناس، و إنما كنت أخاف أن لو جاءني الموت و أنا على معصية من معاصي الله. فقلت: صدقت يرحمك الله أردت أن أعظك فوعظتني &. الكافي ۵/ ۷۳ و ۷۴؛ الفصول المهمة / ۲۱۰؛ مطالب السؤل / ۴۱۱\$

امام صادق (ع)

كانت له (الامام الصادق) ضيعة قرب المدينة تسمى (عين زياد)، فيها نخل كثير، فإذا نضج التمر أمر الوكلاء أن يثلموا في حيطانها الثلم & شكاف (راه، \$) ليدخل الناس و يأكلوا من التمر و كان يأمر لجيران الضيعة الذين لا يقدرون على المجي كالشيخ و العجوز و المريض لكل واحد منهم بمد من التمر، و ما بقي منهم يأمر بحمله إلى المدينة فيفترق أكثره على الضعفاء و المستحقين، و كانت قيمة التمر الذي تنتجه الضيعة أربعة آلاف دينار، فكان ينفق ثلاثة آلاف منها، و يبقى له ألف &. حياه الامام الصادق ۱/ ۶۴\$ عن عبدالأعلى مولى آل سام قال: استقبلت أبا عبد الله (ع) في بعض طرق المدينة في يوم صايف شديد الحر فقلت: جعلت فداك حالك عند الله عزوجل و قرابتك من رسول الله (ص) و أنت تجهد لنفسك في مثل هذا اليوم؟ فقال: يا عبدالأعلى خرجت في طلب الرزق لأستغني عن مثلك & الكافي ۵/ ۷۴\$ و لما ثار محمد بن عبد

ص: ۱۴۵

الله (ذی النفس الزکیه) ترک الإمام الصادق (ع) المدینہ، و ذهب إلى أرض له بالفُرع، فلم یزل هناک مقيماً حتى قتل محمّداً. &
کشف الغمه ۱۶۲ / ۲ و عنه فی بحار الأنوار ۴۷ / ۵ \$

امام کاظم (ع)

محمد بن عبدالله البکری، قال: قدمت المدینہ أطلب بها دینا فقلت، لو أتیت موسی بن جعفر فشکوت إليه، فأتیته بنقمی (جانب أحد، و هو موضع من أعراض المدینہ. کان لآل أبي طالب). فی ضیعتہ، فخرج إلى، و أکلت معه، فذکرت له قصتی فأعطانی ثلاث مئة دینار &. سیر اعلام النبلاء ۶ / ۲۷۱ \$

امام هادی (ع)

امام هادی (ع): ... ینذهب نهاره إلى عمله فیقف تحت الشمس یعمل فی مزرعته & ... سیره الإمام علی الهادی / ۵۹ \$ این امام بزرگوار، وقتی به سامراء تبعید شد، آنجا نیز به کار در مزرعه می پرداخت &. الاتحاف بحب الاشراف: ۱۷۶. والفصول المهمه / ۴۷۲. والصواعق المحرقة: ۳۱۲ \$. عن الحسن بن علی بن أبی حمزه، عن أبیه قال: رأیت أبا الحسن (الثالث) (ع) یعمل فی أرض له قد استنقعت & پاهایش از عرق خیس شده بود \$ قدماه فی العرق، فقلت له: جعلت فداک أين الرجال؟ فقال: یا علی قد عمل بالید من هو خیر منی فی أرضه و من أبی، فقلت له: و من هو؟ فقال: رسول الله (ص) و أمير المؤمنین و آبائی (ع) کلهم کانوا قد عملوا بأیدیهم و هو من عمل النبیین و المرسلین و الأوصیاء و الصالحین &. کافی ۵ / ۷۶؛ سیره الإمام علی الهادی / ۵۹ \$.

ص: ۱۴۶

کار در مزرعه و نخلستان و احیای زمین، از موضوعاتی است که امام علی (ع) و پس از او، دیگر امامان نیز به آن پرداخته‌اند و درآمد حاصله و درموردی نیز اصل ملکی را که احیا کرده بودند، بخشیده‌اند.

۲- تجارت

تجارت، یکی از راههای درآمد بوده است. رسول خدا (ص) و اجداد آن حضرت از طریق تجارت امرار معاش می‌کردند و برخی از ائمه (ع) نیز تجارت داشتند.

عن محمد بن عذافر عن أبيه قال: أعطى أبو عبد الله (ع) أبي ألفا و سبعمائة دينار فقال له: أتعجب بها ثم قال: أما إنه ليس لي رغبة في ربحها و إن كان الربح مرغوبا فيه و لكنني أحببت أن يراني الله عزوجل متعرضا لفوائده. قال: فربحت له فيها مائة دينار ثم لقيته فقلت له: قد ربحت لك فيها مائة دينار. قال: ففرح أبو عبد الله (ع) بذلك فرحا شديدا فقال: لي أثبتها في رأس مالي &. كافي ۷۶/۵ و ۷۷ \$

۳- ارث

ائمه معصومین (ع) املاکی داشتند که از پدر به ارث برده بودند. آن املاک، یکی از منابع درآمد مالی به شمار می‌آمد. لقد كان (الحسين) كثير البر و الصله فقد روى أنه ورث أرضاً و أشياء فتصدق بها قبل أن يقبضها &. حياه الإمام الحسين: ۱/ ۱۳۵ \$

۴- خمس

خمس، یکی از منابع مالی است که خدا و پیامبر، آن را در اختیار ائمه قرار داده‌اند. مصرف آن به طور کامل در اختیار معصوم است که هرگونه خواست مصرف کند. پس از شهادت امام علی (ع) و صلح امام حسن (ع) جامعه اسلامی عملاً به دو گروه شیعه و طرفداران خلافت تقسیم شدند.

ص: ۱۴۷

پیروان ائمه یعنی شیعیان، خمس اموال خود را به امام عصر خود می‌دادند. هر چند به دلیل اختناق سیاسی حاکم بر جامعه و جلوگیری از ارتباط مردم با امامان، فرستادن خمس با مشکلات بسیار رو به رو بود، اما خمس در هر شرایطی یا برای امام فرستاده می‌شد و یا به نمایندگان و وکلای امام تحویل می‌گردید. این اموال در جهت مصالح شیعیان و ... به مصرف می‌رسید.

امامان در موضوع خمس، دستور اکید داده اند که باید به امام تحویل داده شود:

قال (ع): من اشترى شيئاً من الخمس لم يعذره الله، اشترى ما لا يحلّ له.

و قال (ع): لا يحلّ لأحد أن يشتري من الخمس شيئاً حتى يصل إلينا حقنا &. کافی ۳/ ۵۰۵ \$ حملوا الى الخمس فإني لست آخذة منكم سوى عامي هذا &. اعلام الهدایه ۱۱/ ۴۴ \$، محمد بن علی بن شاذان النیسابوری قال: اجتمع عندي خمسمائة درهم تنقص عشرين درهما فأنفقت أن أبعث بخمس مائة تنقص عشرين درهما فوزنت من عندي عشرين درهما و بعثتها إلى الأسدی و لم أكتب مالی فیها، فورد: وصلت خمسمائة درهم لك منها عشرون درهما &. کافی ۱/ ۵۲۳ \$ در اینکه خمس، ملك شخصی امام است یا مربوط به منصب امامت می‌باشد، اختلاف نظر وجود دارد. برخی این دیدگاه را ترجیح داده‌اند که خمس، مال منصب امامت است. هر چه باشد، نتیجه یکی است. زیرا معصومین (ع) به دلیل زندگی زاهدانه ای که باید می‌داشتند اموال شخصی و غیرشخصی را در جهت مصالح اسلام و مسلمین مصرف می‌کردند.

۵- زکات

ص: ۱۴۸

زکات، از دیگر منابع مالی است که از سوی شیعیان به امام و یا با اجازه امام به نمایندگان تحویل داده می‌شد. در هر صورت در جهت رفع نیاز نیازمندان و ... مصرف می‌گردید.

عن ضریس قال: سأل المدائنی أبا جعفر (ع) قال: ان لنا زكاه نخرجها من أموالنا، ففیمن نضعها؟ فقال (ع): فی أهل ولايتك. قال: انی فی بلاد لیس فیها أحد من أولیائك. فقال (ع): ابعث بها الی بلدهم تدفع الیهم، و لاتدفعها الی قوم ان دعوتهم غداً إلی امرگ لم یجیبوك. و قال (ع): إننا موضعها أهل الولاية. و كان یقدم المهاجرین و أصحاب العقل و الفقه علی غیرهم، فحینما سئل (ع) عن کیفیه العطاء فقال (ع): اعطهم علی الهجره فی الدین و العقل و الفقه &. کافی ۳/ ۵۴۵ و ۵۴۹ \$

۶- هدایا و نذورات

از دیگر منابع مالی هدایا و نذورات بود که از سوی شیعیان به امام معصوم یا وکیل او تحویل داده می‌شد و یا با اجازه امام، در موارد تعیین شده، مصرف می‌شد.

عن إسحاق الجلاب قال: اشتریت لأبی الحسن (ع) غنما کثیره، فدعانی فأدخلنی من إصطبل داره إلی موضع واسع لأعرفه، فجعلت أفرق تلگك الغنم فیمن أمرنی به، فبعث إلی أبی جعفر و إلی والدته و غیرهما ممن أمرنی & ... کافی ۱/ ۴۹۸ - ۵۰۰ \$ متوکل عباسی مریض شد. مادرش نذر کرد اگر شفا یابد، اموال بسیاری به امام ابوالحسن (ع) بدهد. امام نیز آنها را به دارویی راهنمایی کرد و شفا یافت. مادر متوکل ده هزار دینار برای امام فرستاد. برخی جاسوسی کردند که ابوالحسن

ص: ۱۴۹

اموال بسیاری جمع کرده است. مأمورین، شبانگاه به منزل امام هجوم بردند ... و ثابت شد اموالی بوده که مادر متوکل فرستاده است. & کافی ۱/ ۴۹۹) مأمورین، خانه امام را بازرسی کردند و اموال رانزد متوکل بردند. وی مهر مادرش را دید و مادرش جریان را به او خبر داد و تمام اموال را به منزل امام برگرداند. فحمله و وردت السیف والکیسین و قلت له: یا سیدی عز علی، فقال لی: "سيعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون"

۷- وصیت

عن بدر غلام أحمد بن الحسن قال: وردت الجبل & الجبل بالتحریک کوره بین بغداد و آذربيجان \$ و أنا لأقول بالإمامه، أحبهم جمله إلى أن مات یزید بن عبدالله فأوصی فی علته أن یدفع الشهري السمند & الشهري ضرب من البرزون. والسمند فرس له لون، معروف \$ و سیفه و منطقته إلى مولاه فخفت إن أنا لم أذفع الشهري إلى إذ کوتکین & کان من امراء الترك من اتباع بنی العباس \$ نالنی منه استخفاف فقومت الدابه و السیف و المنطقه بسبعمائه دینار فی نفسی و لم اطع علیه أحدا فإذا الكتاب قد ورد علی من العراق: وجه السبع مائه دینار التي لنا قبلک من ثمن الشهري و السیف و المنطقه &. اصول کافی ۱/ ۵۲۲ \$ قال أحمد بن الحسن: أوصی یزید بن عبدالله بدابه و سیف و مال و أنفذ ثمن الدابه و غیر ذلك و لم یبعث السیف فوردا: کان مع ما بعثهم سیف فلم یصل (أو كما قال &). اصول کافی ۱/ ۵۲۳ \$ علی بن محمد قال: کان ابن العجمی جعل ثلثه للناحیه و کتب بذلك و قد کان قبل إخراجہ الثلث دفع مالا لابنه أبی المقدام، لم یطلع علیه أحد فکتب إليه فأین المال الذی عزلته لأبى المقدام &. اصول کافی ۱/ ۵۲۴ \$

۸- مصادره برخی اموال حکومتیان

چنان که درباره امام حسین (ع) نقل شده، اموالی از یمن برای دمشق

ص: ۱۵۰

فرستاده شده بود. آن حضرت آن اموال را تصرف و بین نیازمندان تقسیم نمود و به معاویه نامه نوشت: من الحسين بن علی الی معاویه بن أبی سفیان، أما بعد فإنّ عیراً مرّت بنا من الیمن تحمل مالاً و حُللاً و عنبراً و طیباً إلیک لتودعها خزائن دمشق و تعلّ بها بعد التّهلّ بنی أبیگ، و إنی احتجتها الیها فأخذتها، و السلام &. نهج البلاغه ۴/ ۳۲۷ \$

یکی از مردم کوفه که از شیعیان حضرت علی (ع) بود، به سامرا رفت تا از امام هادی (ع) استمداد کند. آن حضرت در منزل نبود. به وی گفتند: امام در مزرعه ای در خارج شهر کار می‌کند. او ناگزیر به خارج شهر، نزد آن حضرت رفت و موضوع نیاز خود را خدمت امام عرض کرد و آن حضرت نیز آن مبلغ را نداشت و به خط مبارک نوشت که ایشان این مبلغ را از من طلب دارد و فرمود: وقتی به سامرا برگشتم و مردم نزد من آمدند، شما نیز بیایید و بگویید از شما این مقدار طلب دارم و اصرار کنید که بدهم. هرچه عذر آوردم، نپذیرید. مرد عرب همان گونه که امام دستور داده بود، انجام داد و امام می‌فرمود: ندارم. برخی از درباریان که آنجا بودند، موضوع را به متوکل خبر دادند و متوکل دستور داد مبلغ سی هزار درهم به امام بدهند و امام آن را به مرد عرب داد و فرمود:

خذ هذا المال و اقض منه دینک، و انفق الباقي علی عیالک و أهلک و اعذرنا. و أكبر الاعرابی ذلک، و قال للامام: إن دینی یقصر علی ثلث هذا المبلغ. فأبی الإمام (ع) أن یسترّد منه من الثلاثین شیئاً، فوالی ال-اعرابی و هو یقول: اللّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ یَجْعَلُ رِسالَتَهُ &. الاتحاف بحبّ الاشراف: ۱۷۶. والفصول المهمه لابن الصباغ: ۲۷۴. والصواعق المحرقة: ۳۱۲ \$.

عن إسماعیل بن سلام، و فلان بن حمید، قال، بعث إلینا علی بن یقطین، فقال: اشتریا راحلتین و تجنبا الطریق، و دفع إلینا مالا و کتبا حتی توصلنا ما معکما من المال و الکتب إلی أبی الحسن موسی (ع) و لا یعلم بکما أحد. قالوا: فأتینا الکوفه فاشترینا راحلتین و تزودنا زادا و خرجنا نتجنب الطریق حتی إذا صرنا

ص: ۱۵۱

ببطن الرمه شددنا راحلتنا و وضعنا لهما العلف و قعدنا نأكل، فینا نحن كذلك إذا راكب قد أقبل و معه شاكری & اجیر و مستخدم \$. فلما قرب منا فإذا هو أبو الحسن موسى (ع) فقمنا إليه و سلمنا عليه و دفعنا إليه الكتب و ما كان معنا فأخرج من كمه كتبنا فناولنا إياها، فقال: هذه جوابات كتبكم &. اختیار معرفه الرجال- الشيخ الطوسی ۷۳۵- / \$۸۲۱

۹- موقوفات ائمه

موقوفات ائمه (ع) که از آن‌ها تحت عنوان صدقات یاد شده و از زمان رسول خدا (ص) آغاز شده است، بخشهای مفصلی دارد که شرح آن در کتاب‌های حدیث و فقه و تاریخ به صورت گسترده آمده و روایات بسیاری در این خصوص نقل شده است. عن عبد الرحمان بن الحجاج قال: بعث إلى أبو الحسن (ع) بوصیه أمير المؤمنين (ع) و بعث إلى بصدقه أبيه مع أبي إسماعيل مصادف، و ذكر صدقه جعفر بن محمد (ع) و صدقه نفسه:

بسم الله الرحمن الرحيم، هذا ما تصدق به موسى ابن جعفر، تصدق بأرضه مكان كذا و كذا، و حدود الأرض كذا و كذا، كلها و نخلها و أرضها و مائها و أرجائها و حقوقها و شربها من الماء و كل حق هو لها في مرفع أو مظهر، أو عنصر، أو مرفق، أو ساحه، أو مسيل، أو عامر، أو غامر، تصدق بجميع حقه من ذلك على ولده من صلبه الرجال و النساء يقسم، و إليها ما أخرج الله عزوجل من غلتها بعد الذي يكفيها في عمارتها و مرافقها، و بعد ثلاثين عدقا يقسم في مساكين أهل القريه بين ولد موسى بن جعفر للذكر مثل حظ الأنثيين & ... بحار الأنوار ۴۸ / ۲۸۲ / \$۲۸۱

۱۰- کرامات

ائمه در برخی موارد، برای رفع نیاز بعضی از افراد، از معجزه نیز استفاده

ص: ۱۵۲

می کردند.

قال الزهري: كنت عند علي بن الحسين (ع) فجاءه رجل من أصحابه، فقال له علي بن الحسين (ع): ما خبرك أيها الرجل؟ فقال الرجل: خبري يا ابن رسول الله أني أصبحت و علي أربعمائه دينار دين لا قضاء عندي لها، و لي عيال ثقال ليس لي ما أعود عليهم به، قال: فبكي علي بن الحسين (ع) بكاء شديدا، فقلت له: ما يبكيك يا ابن رسول الله؟ فقال: و هل يعد البكاء إلا للمصائب و المحن الكبار؟ قالوا: كذلك يا ابن رسول الله، قال: فأيه محنه و مصيبه أعظم علي حر مؤمن من أن يرى بأخيه المؤمن خله فلا يمكنه سدها و يشاهده علي فاقه فلا يطيق رفعها، قال: فتفرقوا عن مجلسهم ذلك، فقال بعض المخالفين - و هو يطعن علي بن الحسين (ع) -: عجا لهؤلاء يدعون مره أن السماء و الأرض و كل شئ يطيعهم، و أن الله لا يردهم عن شئ من طلباتهم، ثم يعترفون أخرى بالعجز عن إصلاح حال خواص إخوانهم، فاتصل ذلك بالرجل صاحب القصة، فجاء إلى علي بن الحسين (ع) فقال له: يا ابن رسول الله بلغني عن فلان كذا و كذا، و كان ذلك أغلظ علي من محنتي، فقال علي بن الحسين (ع): فقد أذن الله في فرجك، يا فلانه احملني سحوري و فطوري، فحملت قرصتين، فقال علي بن الحسين (ع) للرجل: خذهما فليس عندنا غيرهما فان الله يكشف عنك بهما و ينيلك خيرا و اسعا منهما، فأخذهما الرجل و دخل السوق لا يدري ما يصنع بهما و يتفكر ...

نانها را به يك عدد ماهی و قدری نمک فروخت. ماهی را به منزل برد و شکافت. دو عدد لؤلؤ گران قیمت بیرون آمد. پس از آنکه صاحبان ماهی و نمک، نانها را آوردند و گفتند: این نان برای ما قابل استفاده نیست، مال خود شما باشد. ماهی و نمک را نیز به شما بخشیدیم. وقتی آنها رفتند، کسی از جانب امام

ص: ۱۵۳

آمد و گفت: امام فرمود: نان‌ها را به خود ما برگردانید. خداوند مشکل شما را حل کرد و آن شخص دو عدد لؤلؤ را به اموال بسیار فروخت & بحار الأنوار ۴۶ / ۲۰\$. از این داستان چنین استفاده می‌شود:

الف: هر کس باید در برابر مشکلات دیگران آن چنان احساس مسئولیت کند که اگر نتواند برطرف کند، این احساس او را به گریه وا دارد.

ب: گرفتاری و ناگواری مومنان را باید مصیبت بزرگ دانست.

ج: افرادی از مخالفان، در مجالس و محافل ائمه حضور می‌یافتند تا از موضوعاتی که پیش می‌آید، استفاده نموده و برضد ائمه تبلیغ کنند.

د: ائمه زمانی از معجزه استفاده می‌کردند که خداوند اجازه داده باشد. در نتیجه هر کجا معجزه ای واقع شده، خداوند اجازه داده است.

ه: ائمه از طریق الهام یا فرشتگان با خداوند مرتبط می‌باشند و در موارد لازم دستوراتی از جانب خداوند فرستاده می‌شده و ائمه طبق آن‌ها عمل می‌کردند.

خلاصه و نتیجه

سیره اقتصادی امامان، به سیره حکومتی و سیره شخصی در روابط اجتماعی و سیره خانوادگی تقسیم می‌شود و هر کدام آن‌ها مبانی و اصول کلی داشته است. از جمله اصول کلی در سیره اقتصادی و حکومتی امور ذیل بوده‌اند: بهره‌وری بیشتر از منابع اقتصادی، احیای ذخایر طبیعی، عمارت و آبادانی زمین، عدم انباشتن ثروت، رسیدگی به امور نیازمندان، واگذاری مسئولیت به افراد کاردان و مورد اعتماد، صرفه‌جویی در مصرف بیت‌المال، التزام به زهد و پارسایی به عنوان رهبر جامعه، برابری در تقسیم بیت‌المال، برگرداندن اموالی که به ناحق تصرف شده است. مواردی از سیره اقتصادی در روابط اجتماعی، امور ذیل بوده است: انفاق، اطعام، احترام به نیازمندان، اخلاص، تشویق دیگران به انفاق، کار، خمس، زکات، تجارت، ارث، مصادره اموالی که در اختیار حکومت‌ها بوده است، هدایا و نذورات و موقوفات که از منابع مهم درآمد اقتصادی امامان بوده است.

ص: ۱۵۵

پرسش‌های این فصل

- پنج مورد از مبانی کلی سیره اقتصادی را بر شمارید.
- پنج مورد از اصول سیره اقتصادی را بیان کنید.
- از نامه امام علی (ع) به مالک اشتر درباره مالیات، چه مطالبی استفاده می‌شود؟
- دستور امام علی (ع) درباره کارگزاران چه بود؟
- دو نمونه از زهد امام علی (ع) را توضیح دهید.
- چرا امام علی (ع) فرمود: باید ثروتهایی که در زمان عثمان در اختیار افراد قرار گرفته، به بیت المال برگردد؟
- چهار نمونه از انفاق‌های ائمه را بیان کنید.
- فلسفه انفاق شبانه را بیان کنید.
- منابع اقتصادی و درآمد ائمه را نام ببرید.
- از داستان امام سجاد (ع) که نیازیکی از شیعیان را از طریق معجزه برطرف کرد، چه استفاده‌هایی می‌شود؟

فصل ششم مبانی اعتقادی

پیش درآمد

نقش بنیادی رسالت مداران الهی در فرهنگ، تجلی می‌کند. فرایند حضور فعال ائمه در عرصه فرهنگی، تعلیم و تربیت را بر مبنای توحید اعتقادی، ایمان به خداوند، فضایل اخلاقی، گسترش آموزه‌های معنوی در جامعه و ... در پی دارد. تعلیم و تربیت، با تکیه بر وحی و آموزه‌های آسمانی از وظایف اصلی پیامبران بود. خداوند در چند جای قرآن بر این موضوع تأکید کرده است:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.&
جمعه ۳/۶۲\$. این آیه شریفه خط مسئولیت فرهنگی پیامبران را به خوبی ترسیم کرده است.

الف. اثبات رسالت آسمانی: به وسیله ارائه دلیل و معجزه و آیه.

ب. هدف اصلی بعثت: تزکیه، پاکیزه ساختن و تربیت انسان‌ها.

ج. ابزار تزکیه: به آموزش‌های کتاب آسمانی و دانش، استوار می‌باشد و هر آگاهی که جامعه به آن نیازمند است، به دو دسته کلی، دانش وحی و دانش عقلی تقسیم می‌شود.

د. محروم شدن از بعثت پیامبران و یا نپذیرفتن سخن آن‌ها، گمراهی فراگیر را در پی دارد. چنان که پذیرش نیز، هدایت و سعادت جاودانه را در پی دارد.

ص: ۱۶۰

مسئولیت و جایگاه فرهنگی امامان معصوم نیز عیناً همان است که در این آیه بیان شده است. از اینجایی توان به خوبی دانست که انزوای فرهنگی معصومین در جامعه چه خسارت‌های غیرقابل جبرانی را در پی داشته است. زیرا به همان نسبت که آثار وجودی پیامبران و امامان معصوم در جامعه گسترده است، محرومیت از این نعمت بزرگ الهی نیز، خسارت عظیمی در پی دارد.

آثار اعتقادی و فرهنگی رسالت مداران الهی در دو گستره زندگی دنیوی و اخروی غیرقابل شمارش است و در تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی تأثیری شگرف دارد. همان گونه که در عرصه‌های اجتماعی اعم از سیاسی، اقتصادی، آداب و رسوم و روابط اجتماعی تأثیر آشکار دارد، در زندگی شخصی و روابط خانوادگی و زندگی شخصی نیز تأثیر عمیق دارد. به همین جهت، در نخستین دعوت پیامبران و امامان معصوم، تعارض بین آن‌ها و حکومتیان ظاهر گردید. هر زمان که پیامبری برانگیخته شد، سلاطین با آنها به ستیز پرداختند. زیرا پیامبری و امامت با سلطنت تعارض ذاتی و تضاد ماهوی دارند. حضور هر کدام وجود دیگری را نفی می‌کند. بر این اساس، رهبران الهی هیچ گاه با سلاطین در تعامل و سازش بر نیامدند. زیرا طاغوت و خدا هیچ گاه در اندیشه و عمل قابل جمع نیستند.

خاستگاه اصلی این تعارض، نزاع بر سر حکومت نبود. چه آنکه هدف پیامبران حکومت نبود. حکومت در نزد پیامبران ابزاری بود که زمینه تحقق اهداف بعثت را فراهم می‌ساخت. اصلی‌ترین اقدام پیشوایان الهی، اصلاح فرهنگی، بود. بدیهی است که اصلاح فرهنگی نخست: بدون حکومت تحقق نمی‌یابد و دوم: اگر اصلاح فرهنگی صورت گیرد، سلطنت را نفی می‌کند. بدیهی است که اگر جامعه از نظر فرهنگی اصلاح شود، حکومت غیر الهی را نمی‌پذیرد. چون بر مبنای سلطه ظالمانه برخی بر بعضی دیگر استوار است. حکومتیان، این موضوع را خوب می‌دانستند که اگر پیامبران و امامان به تعلیم و تربیت بپردازند استمرار حکومت آن‌ها غیر ممکن

ص: ۱۶۱

می‌شود. از این رواج حضور آنها در عرصه تعلیم و تربیت جلوگیری کردند. در نتیجه ستیز مشرکان با پیامبران و ستیز سلاطین بنی امیه و بنی عباس با امامان معصوم خاستگاه واحدی داشته است. ابزار و وسایلی که استفاده کرده اند نیز همانند بوده است.

این مقدمه به نسبت طولانی را برای این آوردم تا روشن شود که:

۱- فلسفه امامت معصومین، حضور آنها در عرصه تعلیم و تربیت است.

۲- تعلیم و تربیت، مسئولیت اصلی آنها بود. مبارزات سیاسی نیز برای آن بود که زمینه تحقق این مسئولیت را فراهم سازند.

۳- حضور امامان معصوم در عرصه تعلیم و تربیت، پایه‌های حکومت طاغوتیان را متزلزل و استمرار حکومت آنها را ناممکن می‌ساخت.

۴- تعارض امامان معصوم با حاکمان و حکومتیان، نخست تعارض فکری و فرهنگی بود که سازش را با آنها در تمام ابعاد زندگی اجتماعی ناروا می‌ساخت.

و اینک به برخی از جلوه‌های سیره فرهنگی معصومین، در بستر تاریخ می‌پردازیم.

عن ابی سعید الخدری قال: قال رسول الله (ص): إني تارک فیکم الثقلین أحدهما أكبر من الآخر: کتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتی أهل بیتی فإنهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض & المسند، أحمد بن حنبل ۷ / ۱۹۳۳۲ و ۴ / ۱۱۱۳۱ و ۴ / ۱۱۱۰۴ و ۴ / ۱۱۵۶۱؛ المستدرک ۳ / ۱۶۱ / ۴۷۱۱ / ۳۰۹؛ عجم الکبیر ۵ / ۷۳؛ مسند ابی یعلی ۳ / ۳۵ / ۲۹۷؛ المصنف، ابن ابی شیبہ ۷ / ۱۷۶ مناقب الإمام أمير المؤمنين (ع) - محمد بن سلیمان الکوفی ۲ / ۱۶۷ - ۱۶۸ \$

مسئولیت در برابر قرآن

اشاره

پیامبران الهی و امامان معصوم در برابر کتاب‌های آسمانی، چهار مسئولیت ویژه دارند.

ص: ۱۶۲

الف- صیانت از تحریف.

ب- تفسیر و تبیین آن برای مردم.

ج- عمل به آن.

د- اجرای دستورهای آن در جامعه.

جمع‌آوری و صیانت قرآن از تحریف

گرچه خداوند ضمانت کرده که قرآن را از تحریف حفظ می‌کند، اما بخشی از این مسئولیت را برعهده پیامبر و امامان گذاشته است. به این جهت، رسول خدا (ص) در دو دوران مکی و مدنی دستور داد قرآن را حفظ کنند و بنویسند و حفظ و نوشته خود را برای پیامبر و یکدیگر بازخوانی کنند. رسول خدا (ص) این مسئولیت را پس از خود به امام معصوم واگذار کرد. برای همین هدف به امام علی (ع) دستور داد قرآن را جمع‌آوری کند:

و روی عن الإمام جعفر بن محمد الصادق (ع): أن رسول الله (ص) قال لعلی (ع): يا علی! القرآن خلف فراشی فی المصحف و الحریر و القراطیس فخذوه، و اجمعوه، و لاتضیعوه كما ضیعت اليهود التوراه، فانطلق علی (ع) فجمعه فی ثوب أصفر & المناقب لابن شهر آشوب: ۴۱ / ۲، وفتح الباری: ۳۸۶ / ۱۰، والاتقان للسيوطی: ۵۱ / ۱ و جاء أيضاً أن الإمام علیاً (ع) رأى من الناس طيره & سستی \$ عند وفاه النبی (ص) فأقسم أنه لا یضع علی ظهره رداءه حتی یجمع القرآن، فجلس فی بیته ثلاثه ایام حتی جمع القرآن & الفهرست / ۳۰ \$ این دستور رسول خدا (ص) به حضرت علی (ع) جز برای آن نبود که خواست قرآن از تحریف حفظ شود و مبنای عمل قرار گیرد. حضرت علی (ع) نیز در اجرای این

ص: ۱۶۳

دستور خدا و پیامبر، در نخستین فرصت، قرآن را جمع آوری نمود و به حکومتیان ارائه داد:

كما روى أَنَّ عَلِيًّا (ع) انقطع عن الناس مدَّةً حتى جمع القرآن، ثمَّ خرج إليهم في إزار يحملهُ و هم مجتمعون في المسجد، فلما توسَّطهم وضع الكتاب بينهم ثمَّ قال: إنَّ رسول الله (ص) قال: إنِّي مخلف فيكم ما إن تمسَّيتم به لن تضلُّوا كتاب الله و عترتي أهل بيتي و هذا كتاب الله و أنا العتره، و قال لهم: لئنما تقولوا غداً إنا كُنَّا عن هذا غافلين & أن تقولوا يوم القيامة إنا كُنَّا عن هذا غافلين / اعراف / ۱۷۲ . \$ ثمَّ قال: لا تقولوا يوم القيامة إنِّي لم أدعكم إلى نصرتي و لم اذكركم حقِّي و لم أدعكم إلى كتاب الله من فاتحته إلى خاتمته &. المناقب لابن شهر آشوب: ۲ / ۴۱ .. كتاب سليم بن قيس: ۳۲، ط- مؤسسه البعثه \$

فقال له عمر: إن يكن عندك قرآن فعندنا مثله فلا حاجة لنا فيكما &. اعلام الهدايه ۲ / ۱۴۵ . \$ اقدام امام على که در نخستین فرصت قرآن را به خط خود نوشت و به حکومتیان ارائه داد و قرآن و اهل بیت را برای هدایت و تربیت جامعه معرفی کرد، از دو جهت ضروری بود:

اول: انجام وظیفه و مسؤولیت الهی خود.

دوم: اگر بپذیرند، هدایت شوند و اگر نپذیرند، حجت بر آن‌ها تمام گردد.

این اقدام مستلزم پیام‌های ذیل بود:

۱: قرآن به طور کامل نزد ما اهل بیت است و ما مسؤولیت حفظ آن را برعهده داریم.

۲: حکومتیان گرچه حکومت را از مسی‌اصلی منحرف کردند، اما بدانند که چنین اقدامی درباره قرآن نمی‌توانند انجام دهند.

۳: مسلمانان باید قرآن را از ما بپرسند و برای فهم قرآن به ما مراجعه کنند.

ص: ۱۶۴

۴: معرفی خود و اهل بیت (ع) به عنوان رهبران الهی و اینکه سرچشمه و اساس هدایت جامعه، ما اهل بیت هستیم.
 ۵: حل مشکلات فکری، اعتقادی و دینی. زیرا موارد بسیاری پیش آمد که عمر می گفت: لولا علی لهلک عمر. لأبقانی الله لمعضله لیس لها أبو الحسن & . اسد الغابه ۲۲ / ۴، و تهذیب التهذیب ۲۹۶ / ۷، و تاریخ دمشق ۳۹ / ۳ حدیث ۱۰۷۱، و الریاض النضره ۱۹۷ / ۲، و کنز العمال ۵ / ۸۳۲ \$: بیان حکم خدا و جلوگیری از انحراف.

نیاز به تفسیر

اشاره

ضروری است که هر کتاب، نامه، خطابه و شعر که در هر موضوعی نوشته و ارائه شده باشد، دست کم بخشی از آن نیاز به تفسیر و تأویل دارد. می بینیم که بر کتاب های فقهی، روایی، قصیده ها، خطابه ها و همچنین کتاب های ادبیات در طول تاریخ، شرح و تفسیر نوشته شده است. حتی بر شرح و تفسیر نیز شرح و تفسیر دیگر نگاشته اند. چنان که بر صحاح شش گانه اهل سنت شرح های بسیار نوشته شده، کتاب های فقهی و ادبیات آن ها نیز همین گونه است. در این صورت هیچ کس نمی تواند بگوید: قرآن نیاز به تفسیر ندارد و یا مدعی شود که هر چه من می فهمم، درست است و فهم دیگران باطل است. در این صورت فهم هیچ فقیه، مفسر، اندیشمند مسلمان نمی تواند ضابطه درست فهمیدن قرآن باشد تا درستی دیگران دیشه ها را با اندیشه و فهم او ارزیابی کرد. پس ضابطه درست فهمیدن قرآن چیست؟

ضابطه درست فهمیدن قرآن

ضروری است که کسی قرآن را خوب می فهمد و مفاهیم آن را خوب می داند و دانسته های خود را خوب برای مردم بیان می کند که قرآن بر او نازل شده باشد و

ص: ۱۶۵

مسئولیت بیان آن را از جانب خداوند بر عهده داشته باشد. تردیدی نیست که تفسیر قرآن به دو دلیل ذیل، منحصر به رسول خدا (ص) است:

الف: قرآن بر آن حضرت نازل شد. او که نخستین مخاطب قرآن بود، می‌دانست که منظور خداوند چیست.

ب: رسول خدا مسئولیت داشت که قرآن را برای جامعه بیان کند.

این مسئولیت نیز مستلزم آن است که نخست خود بداند که مفاهیم قرآن چیست و منظور خداوند کدام است؛ تا بتواند آنچه را که خداوند بیان کرده و به آن دستور داده است، برای جامعه تفهیم، تبیین و تفسیر کند و توضیح دهد و اجرا کند. به این دو دلیل، تنها ضابطه و معیار تفسیر و درست فهمیدن قرآن، رسول خداست.

انحصار فهم کامل قرآن به ائمه

رسول خدا (ص)، دانایی خود را به طور کامل، به ویژه قرآن را به حضرت علی (ع) آموخت و مسئولیت تفسیر قرآن و بیان احکام شریعت را پس از خود، بر عهده آن حضرت و دیگر اوصیای پس از او نهاد. رسول خدا (ص) برای ایفای این مسئولیت، قرآن و تفسیر آن را به صورت ویژه به حضرت علی (ع) آموخت. به همین جهت، آموزش‌هایی که رسول خدا (ص) ویژه حضرت علی (ع) ترتیب داد، برای هیچ کدام از صحابه نقل نشده است و دلیل بر این است که مسئولیت بیان و تفسیر قرآن پس از رسول خدا (ص) منحصر به حضرت علی (ع) است. روایت مشهور ذیل نیز که از رسول خدا (ص) نقل شده، دلیل همین مطلب است.

رسول الله (ص) قال: أنا مدینه العلم و علی بابها فمن أراد بابها فلیأت علیاً & فرائد السمطين ۱ / ۹۸ \$ هیچ کس نیز از صحابه به جز حضرت علی (ع)، مدعی نشد که علم و دانایی پیامبر نزد من است و هیچ کس نیز نگفت که رسول خدا (ص) علم قرآن را به طور